

ICT www.roshdmag.ir ماهنامه فرا



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



۴

برای معلمان، کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان
دوره بیست و یکم - دی ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۹۸ - ۴۸ صفحه - ۸۰۰۰ ریال



تشنه‌ای که آب شور خورده



صفحه
۴

انسان اخلاقی در فضای مجازی



صفحه
۲۲

شبکه‌های یادگیری



صفحه
۳۰

ملاسمه‌فرا



۹۴



۹۳

با انتخاب هر کد به یکی از شماره‌های شبکه‌های اجتماعی مدرسه فردا در سال‌های گذشته دست‌رسی پیدا می‌کنید.

۴ رشد مایه فرا

دوره سیزدهم / شماره پی در پی ۹۸ / دی ۱۳۹۵
ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان، کارشناسان
فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان
دانشگاه فرهنگیان

ICT

بسم الله الرحمن الرحيم



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: محمد عطاران
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
شیرین ملک
سیده فاطمه شبیری
زینب گلزاری
علیرضا منسوب بصیری
مدیر داخلی: بهناز پورمحمد
ویراستار: افسانه جنتی طباطبائی
طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۱۵۸۵
تلفن: ۰۲۱ ۸۸۸۳۱۱۶۱۹ داخلی ۳۷۰
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
دفتر مجله: ۱۱۲
امور مشترکین: ۱۱۴
تلفن های امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
شمارگان: ۲۱۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام نگار: Email:farda@roshdmag.ir
وبلاگ: <http://weblog.roshdmag.ir/Farda>

- ۲ **یادداشت سردبیر** / خیلی دور خیلی نزدیک / محمد عطاران
- ۴ **علمی** / تشنه ای که آب شور خورده / یزدان منصوریان
- ۷ **گفت و گو** / شبکه به مثابه تور / محمدحسین معینی
- ۱۰ **علمی** / همراه با صدای معلم / فیروزه اردوخوانی کاشانی
- ۱۲ **تجربه** / گروه آموزش پژوهی / محمد نیرو
- ۱۵ **علمی** / لایک هایی به خوشمزگی شکلات! / محمد امین اسپروز
- ۱۶ **آموزش** / فوت و فن هایی از شبکه های اجتماعی / عبدالحمید پهلوزاده
- ۱۸ **معرفی شبکه های اجتماعی** / علم با طعم سرگرمی و هیجان / زینب وکیل
- ۲۰ **تجربه** / امتحان زبان، سی دی خراب و باز هم تلگرام / محسن مرادیان
- ۲۲ **علمی** / انسان اخلاقی در فضای مجازی / حسین شیخ رضائی
- ۲۴ **طنز** / لطفاً راهنمایی ام کنید / رویا صدر
- ۲۶ **علمی** / شبکه های اجتماعی، راه حل موقت یا موازی؟! / مریم فرحمند
- ۲۸ **تجربه** / ادمودو؛ پاتوقی برای آموزش / محمد صادق اسماعیلی سراجی، نادیا غلامی پور باروق
- ۳۰ **تفکر سیستمی** / شبکه های یادگیری / محمد علی اسماعیل زاده اصل
- ۳۲ **تجربه** / پله پله تا عدالت آموزشی / سعید محمد براویی
- ۳۴ **معلم بالنده** / روایت نگاری تأملی / صغری ملکی
- ۳۶ **معرفی بازی** / کشور من / محمد اسدبگی
- ۳۸ **آموزش در خانه** / فرصت طلایی / سیده سوده شبیری
- ۴۱ **تجربه** / دنیایی با مختصات واقعی / مریم فرحمند
- ۴۲ **گفت و گو** / با «قلسمتون» شتاب بگیرد! / علیرضا منسوب بصیری
- ۴۵ **تجربه** / برای دانشجویانم نگرانم / صغری ملکی
- ۴۶ **معرفی نرم افزار** / این ربات های دوست داشتنی / سیده زهرا حسینی
- ۴۸ **تجربه** / سمینار دنباله دار / محمدرضا حشمتی

با ما از طریق پیامک در ارتباط باشید
هر مطلب مجله یک کد شناسایی دارد که در کنار عنوان مقاله درج شده است. نظر، لطفاً پیشنهاد یا انتقاد خود را با ارسال کد مطلب و نظر خود به شماره ۳۰۰۰۸۹۹۵۹۵ برای ما بفرستید.

نویسندگان و مترجمان محترم!

- این مجله متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجربیات شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:
- مقاله هایی را که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد.
 - مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده در ارتباط با فناوری و کاربرد آن در کلاس درس نباشد.
 - مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
 - نشر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
 - در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.

خیلی دور خیلی نزدیک

۱ سال ۱۳۶۹ پس از قبولی با رتبه اول در آزمون اعزام به خارج از کشور و دو سال دوندگی، عاقبت برای ادامه تحصیل به استرالیا رفتم. از همان آغاز سفر، اضطراب مرا فرا گرفته بود و تفاوت فرهنگ نگرانم می کرد. در هفته اول ورودم به دلیل تفاوت های طبیعی و انسانی دچار فاصله روانی و مادی از محیط شده بودم. موقعی که راه می رفتم، احساس می کردم روی زمین نیستم و در خلأ راه می روم. تفاوت های فرهنگی به تدریج مرا دچار چیزی کرده بود که در اصطلاح به آن «شوک فرهنگی» گفته می شود. با توجه به اینکه ارتباطات من بیشتر با دوستان ایرانی بود، این تفاوت ها هر روز پررنگ می شدند. در هفت ماه اول دائم منتظر بودم نامه ای از ایران بیاید آن را ده ها بار بخوانم. کم کم برای همه چیز ایران دلم تنگ شده بود. دلم می خواست صدای مادرم و برادران و خواهرانم را بشنوم. پس، طاقت نیاوردم و با خانواده برای تعطیلات به ایران آمدم. از اینکه به کشورم برگشته بودم بسیار خوشحال بودم. در بازگشت به استرالیا، شهر خود را تغییر دادم و به سیدنی رفتم. فضای بزرگ شهر و تفاوت های بیشتر آن با شهر قبلی مرا دچار احساس غم کرده بود. کم کم داشتم دچار غم غربت می شدم. این بیماری عاقبت گریبانم را گرفت و مرا دچار قصه غم انگیزی کرد که علت اصلی آن دوری از ایران و فراق خانواده بود.

۲ سال ۱۳۹۵: چند سالی است که به عنوان استاد مهمان در مالزی تدریس می کنم ولی انگار اینجا هیچ فرقی با ایران ندارد. اطلاعاتم درباره ایران از همه دوستانم در ایران بیشتر است. جمع دوستانم بسیار پابرجاست و اصلاً مانند گذشته احساس دوری از وطن ندارم. در چند گروه از شبکه های اجتماعی عضو هستم؛ از جمله یک گروه خانوادگی. بنابراین، از مادرم و همه اعضای خانواده باخبرم. اگر نه هر روز، ولی یک روز در میان به مدد شبکه های اجتماعی با مادرم در تماس هستم. برای او تیلتی خریده ام و مادرم هر موقع بخواهد با من تماس می گیرد. شبکه ای از معلمان نیز مجموعه ای دیگر است که مرا با معلمان ایرانی مرتبط می کند و از آن ها بسیار یاد می گیرم؛ از کتابداری که در یکی از روستاهای کهنوج کتابخانه ای را اداره می کند. از دانشجویی که در استرالیا درس می خواند و ما را با کارهای جدید در مدارس آشنا می کند. از مدیر عزیزی که در بسطام شاهرود مدرسه ای را اداره می کند و سرشار از انرژی است. از معلمی که در نقطه مرزی ایران و ترکمنستان تدریس می کند و با شور و شوقش به من انرژی می دهد. نشریه ای علمی پژوهشی را از طریق شبکه اجتماعی اداره می کنم. با مدیر داخلی این نشریه از طریق شبکه اجتماعی بسیار صحبت می کنیم و مطمئنم اگر در ایران بودم فرصت این تماس گسترده با او را نداشتم. یک بار بیشتر همدیگر را ندیده ایم اما انگار سال هاست با هم کار می کنیم. غم غربت همچون گذشته به سراغم نیامده است و احساس حضور در جمع را دارم. شبکه ای آموزشی درست

کرده‌ام که دانشجویانی که با من پایان‌نامه دارند، از طریق آن راهنمایی می‌شوند. گاه نیز از اسکایپ برای گفت‌وگو استفاده می‌کنیم. تا به حال از طریق اسکایپ در چندین جلسه دفاعیه به‌عنوان داور یا استاد مشاور شرکت کرده‌ام. به جلسات مهمی هم دعوت شده‌ام و مدت طولانی در جلسه بحث کرده‌ایم. فضای ارتباطی من به شدت گسترده شده است. ارتباطم با فرزندانم که از ما جدا شده‌اند و به سرزندگی خود رفته‌اند، بسیار زیاد است؛ گویی در کنار ما هستند. اگر از من بپرسید تجربه زیسته‌ات درباره شبکه‌های اجتماعی چیست، می‌گویم تداوم پیوند با هم‌وطنانم، ادامه خدمت به سرزمینم، آشنایی با آدم‌های تازه و ایده‌های نو، دسترسی به اطلاعات نو در قلمرو کاری خودم، و صمیمیت بیشتر با اعضای خانواده. البته شاید در کنار آن بتوان پاره‌ای ضعف‌ها را هم ذکر کرد؛ مانند اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی که وقت و بی‌وقت ما را گرفتار خود می‌کند. برای حل این مسئله هم تدبیرهایی می‌توان اندیشید که در جای خودش باید درباره آن بحث شود. البته شاید دوستان دیگر تجربه زیسته‌شان با من متفاوت باشد. برای همین، در یکی از شبکه‌های اجتماعی که عضو هستیم، از اعضای دیگر پرسیدم تجربه زیسته شما در شبکه اجتماعی و گروهی که عضو آن هستید چیست. برخی گفته‌اند که حسن بزرگ شبکه‌های اجتماعی این است که مثل کلاس واقعی مسائل آموزشی در آن‌ها جریان دارد. در هر بحثی، افرادی به فراخور وارد می‌شوند و بحث را پیش می‌برند و عده‌ای که فکر می‌کنند در آن زمینه نظر ندارند، نظاره‌گر می‌شوند و بهره می‌برند. حتی برخی از دوستان ارزش‌گذاری بالایی درباره شبکه اجتماعی کرده و گفته‌اند: «به تعبیر من [شبکه اجتماعی ما] دانشکده و به تعبیر آقای... بیش از دانشکده و در حد دانشگاه است» یا «به نظر من فرصت یادگیری در این گروه به دلیل تنوع تخصص‌های افراد و تجربه‌های زیسته اعضا بیش از سایر گروه‌هاست. به عبارتی، این گروه برای من محل مطرح کردن مسائل و گره‌های ذهنی افراد است و طی فرایند گفت‌وگو گاهی گره‌ها به زیبایی باز می‌شوند و گاهی می‌بینم گره‌های دیگری اضافه می‌شوند و این به معنی توجه دادن به طراح سؤال است که مسئله را از زوایای دیگر هم باید دید.» به نظر پاره‌ای اعضای این شبکه اجتماعی، گروه به گونه‌ای است که افراد نظر خود را می‌نویسند و کمتر از جاهای دیگر نقل قول و کپی پیست می‌کنند. لازمه این کار احتمالاً باید این باشد که افراد در گروه مباحث را بخوانند و درباره آن‌ها فکر و اظهار نظر کنند. به نظر یکی از اعضای گروه، «این گروه از نوع قرابت فکری است، بدون کپی پیست‌های شدید تمام گروه‌ها! گروهی دغدغه‌مند، و هر کدامشان به کاری در حوزه آموزش و تربیت مشغول.»

به نظر می‌رسد اگر پژوهشی درباره شبکه‌های اجتماعی در ایران با توجه به تنوع آن‌ها انجام شود، می‌توان از این فرصت گردهمایی به‌نحوی بهتر استفاده کرد. این کاری است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته - به موازات ورود فناوری‌های جدید - انجام شده است و می‌شود. این پژوهش‌ها می‌تواند به ما چگونگی تحول شبکه‌های اجتماعی، میزان و چگونگی تأثیرپذیری اعضای شبکه‌های اجتماعی از این شبکه‌ها، کارکردهای مختلف شبکه‌های اجتماعی و دغدغه‌های دیگر را نشان دهد و به این ترتیب، می‌توانیم از این فرصت پیش آمده، به‌خصوص در جامعه معلمان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشور، بهتر بهره بگیریم. در این شماره نشریه به بعضی از این مباحث پرداخته‌ایم.



تشنه‌ای که آب شور خورده

کمیابی آگاهی ناب در شبکه‌های اجتماعی^۱

۴۰۶

یزدان منصوریان

دانشیار دانشگاه خوارزمی

را با گذشته مقایسه کرد. مصادیق مطالعه در روزگار ما با گذشته یکسان نیست و ارزیابی ما هم باید به شکل دیگری باشد. به این معنا که اطلاعات جاری در این شبکه‌ها، منبع و محتوایی برای خواندن محسوب می‌شوند. حتی می‌توان گفت رسانه جدید بیش از آنکه فقط ابزاری برای انتقال پیام باشد، خود مولد پیام است. در نتیجه، پیدایش رسانه‌های تازه ماهیت مطالعه را دگرگون ساخته است.

از سوی دیگر، می‌توان گفت هر چند شرایط امروز جهان با دیروز یکسان نیست، خواسته‌های ما از بسیاری جهات مثل گذشته است. ما کم و بیش با همان اهداف پیشین به کتاب مراجعه می‌کنیم. گاهی کتاب را برای سرگرمی و در اوقات فراغت می‌خوانیم، زمانی برای کسب اطلاع از موضوعی مشخص، گاهی برای یافتن پاسخ یک پرسش یا حل یک مسئله و غیره. ممکن است شکل و جنس کتاب امروزی با گذشته فرق داشته باشد (مثل کتاب الکترونیکی در مقابل کتاب چاپی) اما تعامل ما با این رسانه در چارچوبی نسبتاً یکسان صورت می‌پذیرد. در چنین شرایطی، آیا دسترسی ما به کتاب از طریق این شبکه‌ها تسهیل شده است یا بر عکس، آن‌قدر در بهمنی از اطلاعات

روز نوزدهم اردیبهشت سال جاری، نشست با عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی در ترویج کتاب‌خوانی» در نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد که من دبیری آن را بر عهده داشتم. محور بحث این بود که گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام، وایبر، اینستاگرام، فیسبوک (رخنه‌ها) و غیره چه تأثیری بر فرهنگ مطالعه در جامعه ما دارد. آیا محبوبیت این شبکه‌ها ما را از کتاب دور کرده است یا راه‌هایی وجود دارد که این ابزار نوین در خدمت ترویج مطالعه قرار گیرد؟ در صورت پاسخ مثبت، تحقق این هدف چگونه ممکن است و به چه تمهیداتی نیاز دارد؟ البته با طرح این پرسش‌ها، نکته‌های بنیادین دیگری نیز مطرح می‌شود؛ مثلاً اینکه اساساً منظور از «مطالعه» و «خواندن» چیست و آیا تعامل کاربران با اطلاعات موجود در این شبکه‌ها خود شکلی از مطالعه محسوب نمی‌شود؟ آیا زمان آن نرسیده است که با بازنگری در تعاریف معمول و متداول، مطالعه را فقط به کتاب‌خوانی سنتی محدود نکنیم؟

بدیهی است که از منظرهای مختلف می‌توان به این موضوع نگرینست. از یک سو می‌توان گفت دنیای جدید ابزارها و مناسبات خاص خود را دارد و به سادگی نمی‌توان شرایط امروز



یکی کتاب درسی و دیگری زندگی‌نامه و خلاصه صدها شکل و صورت متفاوت دارند اما در کنار همه این تفاوت‌ها یک ویژگی مشخص در کتاب آن را به رسانه‌ای ممتاز تبدیل می‌کند. این امتیاز که در شبکه‌های اجتماعی بسیار کمیاب است، همان یکپارچگی و انسجامی است که در محتوای کتاب وجود دارد و به آن، شخصیتی متمایز از سایر رسانه‌ها می‌بخشد. ممکن است بگویید کتاب آشفته و پریشان‌ننده‌ای تا حتی رویای انسجام و شخصیت هم از یادت برود! بله می‌دانم همه کتاب‌ها فاخر نیستند و آثار سخیف و ضعیف هم بسیارند، اما آنچه ما در طول تاریخ به‌عنوان کتاب در شکل متداول و متعارف آن می‌شناسیم، آثاری هستند که درباره مضمون و مقوله‌ای مشخص‌اند و هویت خاص خود را دارند. کتاب‌هایی که به ذهن خواننده نظم می‌بخشند و شیوه‌ای تازه برای نگرستن به رخدادها و پدیده‌ها در اختیار او قرار می‌دهند.

علاوه بر محتوای کتاب، نوع تعاملی که با کتاب داریم در مقایسه با شبکه‌های اجتماعی متفاوت است. خواندن کتاب - حتی آثار موجز و مختصر - معمولاً به حوصله و تمرکز نیاز دارد. باید ساعاتی از دنیای پیرامون و روزمرگی فاصله بگیریم تا بتوانیم کتابی را به درستی بخوانیم. بسته به حجم کتاب، ممکن است این زمان چند ساعت یا چند روز پیوسته و بی‌وقفه باشد، یا با کمی فاصله و توقف به خواندن

آگاهی مفهوم وسیع‌تر، گسترده‌تر، و حتی عمیق‌تری از دانش، اطلاعات و یا کسب خبر دارد

بپردازیم اما در نهایت، تا پیوستگی و انسجامی در ذهن ایجاد نشود، نمی‌توان با کتاب ارتباط برقرار کرد؛ در حالی که در مورد اطلاعات متفرقه شبکه‌های اجتماعی این گونه نیست. سیلی بی‌وقفه و بی‌نظم از داده‌ها در این کانال‌ها جریان دارد و کاربران معمولاً بیشتر شاهد و ناظر این جریان هستند. در نتیجه، ممکن است فرد ساعت‌ها در فضای مجازی به گردش و مرور پیام‌ها بپردازد، بی‌آنکه هیچ پیوستگی و انسجامی در ذهن داشته باشد. چون بر عکس کتاب، در شبکه مجازی با انبوهی از قطعات و تکه‌های اطلاعاتی مواجهیم که عملاً هیچ ربطی به هم ندارند. همین بی‌ارتباطی میان اجزا مانع شکل‌گیری آگاهی عمیق و دقیقی درباره یک موضوع مشخص در ذهن می‌شود.

علاوه بر این، هر بند و هر صفحه کتاب بند و صفحه کتاب پیش از خود را کامل می‌کند و به تدریج مجموعه‌ای ممزوج و در هم تنیده اطلاعات دریافتی به بلوری درخشان از آگاهی ناب در ذهن تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی است که مخاطب کتاب احساس می‌کند از نقطه «الف» حرکت کرده و به نقطه «ب» رسیده است. رخدادی را در ذهن تجربه می‌کند که پیش از خواندن کتاب آن را درک و دریافت نکرده است. در نتیجه، مخاطب کتاب می‌تواند درباره موضوع مورد نظر سخنی تازه بگوید و پیدایش شکلی از آگاهی را در ذهن تجربه کند. مثلاً همین چند ماه پیش در یک دوره زمانی کوتاه سه کتاب

آشفته و پراکنده فرو رفته‌ایم که دیگر مجالی برای خواندن کتاب - به معنای واقعی آن - نداریم؟ منظورم از کتاب واقعی فرم چاپی آن نیست، بلکه رسانه‌ای مدون و منسجم است که با خواندن آن به آگاهی روشن و دقیقی دست می‌یابیم. آن آگاهی ناب و رهایی‌بخش که به تعبیر پائولو فریره - فیلسوف بلندآوازه تعلیم و تربیت - مفهومی عمیق‌تر از اطلاعات دارد و انسان به کمک آن می‌تواند حضوری کارآمد و مؤثر در جهان داشته باشد: «آگاهی مفهوم وسیع‌تر، گسترده‌تر، و حتی عمیق‌تری از دانش، اطلاعات و یا کسب خبر دارد. آگاهی توانمندی پیچیده‌ای است که به واسطه درک از واقعیت‌های فرهنگی اجتماعی و بر اساس استعدادهای فردی و توانایی تحلیل اطلاعات، شکل می‌گیرد. آگاهی انسان موجب می‌شود تا بر واقعیت مسلط شود. آگاهی یک ویژگی کاملاً انسانی است... انسان با آگاهی‌اش موفق شده است در طول تاریخ حیات خود، اشکال نوینی از زندگی را خلق کند.» (یوسفی، ۱۳۹۴: ۸۲)

به نظرم، امید رسیدن به این شکل از آگاهی به کمک کتاب به مراتب بیشتر است تا از طریق انبوه پیام‌های پراکنده در شبکه‌های اجتماعی. البته بدیهی است که کتاب‌ها مثل آدم‌ها گوناگون‌اند و هر یک ویژگی خود را دارند و منطقاً نمی‌توان حکمی کلی در این زمینه صادر کرد. اساساً کتاب‌ها بسیار متنوع‌اند؛ یکی رمان فلسفی است و دیگری داستان عاشقانه،

«بیماری» نوشته «هوی کرل»، «مرگ» اثر «تاد می» و «کار» به قلم «لارس اسوندسن» را خواندم و با خواندن آن‌ها نگاهم نسبت به سه مقوله بیماری، مرگ و کار متحول شد. اکنون می‌توانم بگویم از زمانی که برای خواندن این آثار صرف کرده‌ام، چه دستاوردی دارم و چه آموخته‌ام، اما اگر ساعت‌ها وقت را صرف چرخیدن در شبکه‌های اجتماعی کنم،

در پایان به درستی نمی‌دانم چه آموخته‌ام، چه تحولی در اندیشه‌ام رخ داده و چه چیز ارزشمندی به دست آورده‌ام. چه بسا دچار پریشانی و سردرگمی هم شده باشم؛ مثل تشنه‌ای که آب شور خورده است و بیشتر احساس تشنگی می‌کند اما جرعه‌ای آب زلال برای رفع عطش خویش نمی‌یابد. این در حالی است که کتاب به دلیل عمق و انسجامی که دارد معمولاً ذهن تشنه خواننده را سیراب می‌سازد.

در مثالی دیگر، کتاب «لذتی که حرفش بود» تعریف تازه‌ای از دنیای عکس و عکاسی برای مخاطب ترسیم می‌کند. با خواندن کتاب «در فاصله دو نقطه...!» به روایت خانم/یران درودی به تعریف تازه‌ای از هنر می‌رسیم و کتاب «پروست چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند» به قلم «لن دو باتن» روش‌های

ساده‌ای برای فرار از ملال به ما می‌آموزد. مثال‌ها بسیارند؛ مثلاً تصویری که رمان «بی‌نام» نوشته «جاشوا فریس» از درماندگی انسان معاصر در محضه زندگی پرشتاب ماشینی در برابر دیدگان خواننده قرار می‌دهد، او را به بازاندیشی در حال و روز خویش فرا می‌خواند و چنین دستاوردی حتی با ساعت‌ها چرخیدن در شبکه‌های اجتماعی نصیب هیچ کاربر خوشبختی نمی‌شود.

جالب است هیچ یک از این کتاب‌ها، که به عنوان نمونه حضورتان عرض کردم، آثار کلاسیک و معروفی نیستند که شهرت جهانی داشته باشند بلکه کتاب‌های معمولی، موجز و مختصری هستند که مخاطب عام دارند و در هر یک از آن‌ها نویسندگان از تجربه‌های زیسته خود سخن می‌گویند. اینها کتاب به معنای متداول و متعارف آن هستند. پست و بلاگی و تلگرامی نیستند که ناگهان در شبکه‌های اجتماعی پدیدار شوند. همین ویژگی، فصل مشترک آن‌هاست. و هر کدام از آن‌ها محصول روزها، ماه‌ها و گاه سال‌ها تجربه، درنگ و تأمل نویسنده‌اند.

البته امیدوارم این مقایسه باعث نشود تصور کنید من مخالف استفاده از شبکه‌های اجتماعی هستم یا می‌خواهم این ابزار را در موقعیتی فروتر از کتاب قرار دهم. هدفم این نیست و چنین ادعایی ندارم. هر یک از این‌ها کارکردها و کاربردهای خود را

**بر عکس کتاب،
در شبکه مجازی
با انبوهی از
قطعات و تکه‌های
اطلاعاتی
مواجهیم که
عملاً هیچ ربطی
به هم ندارند.
همین بی‌ارتباطی
میان اجزا مانع
شکل‌گیری
آگاهی عمیق و
دقیقی درباره یک
موضوع مشخص
در ذهن می‌شود**

دارند. من هم مثل بسیاری از مردم این روزگار تلفن همراه دارم و عضو شبکه‌های اجتماعی هستم و از آن‌ها استفاده می‌کنم اما می‌دانم که اگر این استفاده در چارچوب مشخص و معینی تعریف نشود، چگونه مرا در بهمینی از اطلاعات آشفته مدفون خواهد کرد یا همچون سیلی مرا به ناکجا آباد خواهد برد. می‌دانم که آنچه از طریق شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنم، هیچ یک جای کتاب را نمی‌گیرد. آن‌ها می‌توانند ما را به کتاب‌ها برسانند اما نمی‌توانند جایگزین کتاب شوند. کتاب همیشه در صدر است و به تعبیر امبرتو اکو: «از کتاب رهایی نداریم!»

در مجموع، بر این باورم که ابزارهای جدید در ذات خود نه مانع مطالعه‌اند و نه مولد آن بلکه نوع مواجهه ما با آن‌هاست که میزان کارایی و اثربخشی هر یک را معین می‌کند. اگر این مواجهه هوشمندانه و خردمندانه باشد، این ابزارها در جای خود بسیار مفید و سودمند خواهند بود اما اگر راهبرد مشخصی برای استفاده از آن‌ها نداشته باشیم، نتیجه می‌تواند ناامیدکننده یا حتی در مواردی هولناک باشد. به‌ویژه آنکه شبکه‌های اجتماعی روزگار ما - مثل تلگرام - همچون مخزنی به هم ریخته از اطلاعات متفرقه و اغلب نامعتبرند و کاربران آن‌ها به سختی می‌توانند راه خود را در این آشفته بازار بیابند. آنان باید خود را به مهارت‌های «سواد اطلاعاتی» و «سواد رسانه‌ای» مجهز سازند که در این جنگل انبوه گم نشوند. آنان باید بتوانند پیام‌های موجود در این شبکه‌ها را منتقدانه ارزیابی کنند و اطلاعات معتبر و مستند را از داده‌های نامعتبر و غیرمستند به خوبی باز شناسند.

سختن پایانی

برای مواجهه اثربخش و کارآمد با شبکه‌های اجتماعی به ارتقای مهارت‌های «سواد اطلاعاتی» و «سواد رسانه‌ای» نیاز داریم؛ به این معنا که کاربران بتوانند آگاهانه و مسئولانه با این ابزارها تعامل داشته باشند و به درستی از آن‌ها بهره گیرند. زیرا تولید و مصرف اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی سریع و شتاب‌زده است. معمولاً محتوای مطالب آن‌ها محصول واکنش‌های عاطفی نویسندگان است و اغلب نیز با واکنش‌های احساسی - و گاه نسنجیده - مخاطبان همراه می‌شوند. در این فضاها فرصت‌چندانی برای درنگ و تأمل نیست. بنابراین، از یاد نبریم که جریان اطلاعات در این شبکه‌ها پرتلاطم و پرشتاب است و ما باید در مقابل این آشفتگی و شتاب، از آمادگی و توانمندی لازم برخوردار باشیم. ایدون باد!

* پی‌نوشت

۱. نسخه اولیه این مقاله در ۲۰ اردیبهشت ۹۵ در سایت لیزنا (پایگاه خبری کتابداری و اطلاع رسانی ایران) منتشر شده است.

شبکه به مثابه تور

گفت و گو با محمدصادق افراسیابی
مدرس دانشگاه و پژوهشکده فضای مجازی

محمدحسین معینی

روابط اجتماعی در دنیای امروز به دو نیاز اساسی انسان اجتماعی پاسخ می‌دهد:

۱. نیاز به حمایت شدن در برابر حوادث پیش‌بینی نشده و ناملازمات زندگی؛

۲. نیاز به بازشناسی هویت انسانی در جایگاه یک عضو جامعه. تعداد بسیار زیاد گروه‌هایی که افراد می‌توانند با آن‌ها در رابطه و به آن‌ها وابسته باشند باعث شگفتی می‌شود. وابستگی انسان به خانواده پدری و مادری و خانواده‌ای که خودش تشکیل می‌دهد و از گذر آن به خانواده همسرش و سپس به گروه شغلی‌اش و گروه‌های دیگری از همکاران و گروه‌های اجتماعی، دایره‌هایی را نه درون هم بلکه در کنار هم قرار می‌دهد و فرد عضو هر یک از این گروه‌هاست که مستقل هم عمل می‌کند. در این میانه، فرد از آزادی

انسان را موجودی اجتماعی نامیده‌اند؛ یعنی بر خلاف اشیا و حتی برخی موجودات زنده، انسان‌ها وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، اقدام به ایجاد «روابط» اجتماعی با یکدیگر می‌کنند. به بیان دیگر، بدون رابطه اجتماعی، جامعه‌ای شکل نمی‌گیرد. حالا همان‌طور که جوامع انسانی پیچیده‌تر شده‌اند، «روابط اجتماعی» هم گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است.

قرن‌ها پیش انسان‌ها به گروه‌های کوچک خانوادگی و محلی تعلق داشتند. وابستگی به خانواده یا قوم و قبیله، فرد را تماماً در خود جذب می‌کرد و این وابستگی از گروه کوچک به گروه بزرگ‌تر طبق مدل دوایر متحدالمرکز صورت می‌گرفت.

جامعه‌ها که امروزی شدند، همه شهروندان به جای مورد حمایت قرار گرفتن از طریق فامیل و قبیله از حمایت‌های

تأمین اجتماعی نظیر خدمات درمانی، حق بازنشستگی، مستمری از کارافتادگی، بیمه بیکاری برخوردار شدند

و این‌گونه شد که هم‌زمان با استقلال

بیشتر افراد، وابستگی آن‌ها به

جامعه افزایش یافت.



عمل بیشتری برخوردار می‌شود اما هویت او می‌تواند چندلایه شود.

شکل ساده «شبکه» را در «تور» می‌بینیم که هر گره با ۴ رابطه به گره‌های اطرافش مرتبط شده است. در جامعه گره‌ها عبارت‌اند از افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، منابع، و بین این گره‌ها روابط متعددی برقرار است.

مدرسه را با دانش‌آموزان، معلمان، اولیای دانش‌آموزان و کادر مدیریت در نظر بگیرید و در دل مدرسه، گروه‌های دانش‌آموزی، شورای دبیران، گروه‌های درسی، زیربخش‌های انجمن اولیا و مربیان و... رابطه‌هایی که بین این گره‌ها وجود دارد از قبیل ارائه محتوا، ارزیابی عملکرد، ارائه ایده جدید و تأمین منابع.

این نگاه جامعه‌شناختی به رابطه‌های اجتماعی را از سرژ پوگام، استاد جامعه‌شناسی در مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی پاریس و مدیر مجموعه رابطه اجتماعی در انتشارات دانشگاهی فرانسه، وام گرفته‌ایم که دکتر عبدالحسین نیک‌گهر جامعه‌شناس و مترجم کتاب او را به‌عنوان «جامعه‌شناسی ارتباط اجتماعی» ترجمه و در سال ۹۵ توسط انتشارات هرمس چاپ و منتشر کرده است.

حالا که به پیچیدگی رابطه‌های اجتماعی در جوامع امروزی پی‌بردید بد نیست بدانید که رابطه‌های اجتماعی رو در رو و رابطه‌های موجود در فضای مجازی در دو دنیای رقیب با هم اتفاق نمی‌افتد بلکه همان رابطه‌های اجتماعی موجود در جوامع به کمک فناوری در فضای مجازی روی دیگری پیدا کرده است. در دنیای امروز، برنامه‌های تسهیل‌کننده ارتباط در شبکه‌های اجتماعی ابزاری در اختیار فرد گذاشته‌اند تا بتواند حضور خود در دایره‌های متعدد را مدیریت کند و از رهگذر این حضور، هویت خود را بسازد. بازنشاسی هویت امروزه از مشارکت در معادلات زندگی اجتماعی به بار می‌آید و افراد مجبور می‌شوند با کسب اعتبار شخصی که پیوسته در معرض نگاه ارزیابی‌کننده دیگران قرار دارد، به شکل پویایی از به رسمیت‌شناسی پایگاه اجتماعی و هویتشان مطمئن شوند و البته در برابر تهدیدها و حوادث پیش‌بینی نشده اطمینان داشته باشند که مورد حمایت قرار می‌گیرند.

فناوری اطلاعات در خدمت شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی یا زیرساخت‌های دیجیتالی توانسته‌اند حضور پررنگ‌تری

در زندگی اجتماعی مردم داشته باشند. این شبکه‌ها در مشارکت با کاربران اطلاعاتی از آنان می‌گیرند و سپس امکاناتی را برای برقراری رابطه در اختیارشان می‌گذارند. شکل‌های معمول رابطه اجتماعی با ظهور فناوری‌های جدید به شکل ایمیل، ارسال متن، بلاگ، میکروبلاگ (یا توییتر)، تابلوی اعلانات، سایت‌های ارتباطی، سرگرمی و بازی معمولاً فناوری این امکانات را در اختیار شبکه‌های اجتماعی قرار می‌دهد:

۱. شخص بتواند فضایی برای ارائه خودش داشته باشد؛
۲. اطلاعات موردنظرش را در محدوده وسیع‌تری ارسال کند؛
۳. به راه‌های نو برای تشکیل گروه دسترسی داشته باشد؛
۴. مجالی برای تعریف و فعالیت‌های از پایین به بالا در نظر بگیرد؛
۵. کاربری‌اش آسان باشد؛
۶. قابلیت بازساماندهی مطالب را با اتصال به اینترنت در مناطق مختلف داشته باشد.

راهبردهای جدید یادگیری

رابطه معلم - دانش‌آموز را در نظر بگیرید و ببینید فناوری‌های جدید چگونه روابط جدیدی تعریف کرده است. مثلاً کلاس معکوس را در نظر بگیرید که در آن منابع درسی و محتوای آموزشی قبل از کلاس در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد و کلاس به تبادل نظر و گفت‌وگو و سایر جنبه‌های کاربردی مربوط به درس اختصاص پیدا می‌کند.

بدین ترتیب، فناوری شکل‌های جدیدی از رابطه برای رابطه معلم - دانش‌آموز در شبکه اجتماعی تعریف می‌کند.

یادگیری بر اساس پروژه، یادگیری چالشی، یادگیری حل مسئله، یادگیری به‌وسیله انجام کار و بازی‌سازی به انواع جدیدی از رابطه بین معلم و دانش‌آموز در فضای جدید فناوری اشاره دارد.

برای بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در حوزه آموزش و یادگیری، با محمدصادق افراسیابی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر فضای مجازی به گفت‌وگو نشستیم!

■ در مورد «شبکه‌های اجتماعی» نظرهای مختلفی وجود دارد از خوشبینانه تا بدبینانه بالاخره از دید شما چگونه می‌توان درباره آن‌ها قضاوت کرد؟

□ شبکه‌های اجتماعی ابزارند و ابزار می‌تواند مفید باشد یا مضر. بنابراین، نگاه پیشینی مبتنی بر خوش‌بینی یا بدبینی باید به نگاه واقع‌بینانه در



مجدد در روش‌های سلیبی، باید از طریق نهاد آموزش و پرورش دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها را برای استفاده مفید از این ابزارها آگاه کرد.

■ معلمان در این میان چه نقشی دارند؟

□ شبکه‌های اجتماعی ابزار مناسبی برای ظرفیت‌سازی هستند. معلمان می‌توانند تجارب خود را در این شبکه‌ها به اشتراک بگذارند و از معلمان بخواهند تجربه‌های خود را در زمینه موضوع هر شماره مطرح کنند. بدین ترتیب، در زمان محدودی می‌تواند به حجم زیادی از اطلاعات که از جنس دانش کاربردی است دسترسی یابند، ارزش‌افزوده و ثروت ایجاد کنند یا به حل مسائل و چالش‌های فعلی جامعه یا مدارس کمک نمایند.

جای خالی شبکه‌های تخصصی معلمان اکنون محسوس است. اصولاً اکثر شبکه‌های اجتماعی ما شبکه‌های عمومی هستند و شبکه‌های تخصصی، که محل بحث و گفت‌وگو، به اشتراک گذاشتن و تولید دانشی تخصصی هستند، بسیار کم داریم. اگر معلمان در این شبکه‌های اختصاصی حضور داشته باشند، ثمرات این حضور در ارتقای ادبیات و روابط موجود در شبکه‌های اجتماعی عمومی هم آشکار می‌شود.

■ آیا فرهنگ‌سازی صرفاً معطوف

به ملاحظات مصرف محتوای فرهنگی است؟

□ خیر. اکنون در هر دو حوزه مصرف و تولید محتوا حالت انفعال داریم و باید موازنه را به نفع خودمان تغییر دهیم. علاوه بر اینکه باید نسبت به مصرف محتوا با نگاه نقادانه و توأم با بصیرت قدرت نه گفتن و نپذیرفتن را پیدا کنیم، در تولید هم می‌توانیم به کمک دانش‌آموزان و خانواده‌ها به تولید محتوای مناسب برای کودکان - که تقویت‌کننده سبک زندگی اسلامی ایرانی خودمان باشد - بپردازیم.

بعضی مدارس به این تجربه دست‌یافته‌اند و تولیدات ساده و در عین حال جذابی داشته‌اند.

به هر حال، «فرهنگ‌سازی» برای حضور در شبکه‌های اجتماعی جز از طریق مشارکت گسترده دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان و همراهی آموزش و پرورش امکان‌پذیر نیست. کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای» و چاپ نشریاتی از قبیل مدرسه فردا گام‌های نخست در این راه است.

نحوه استفاده از این ابزار در جامعه ما تغییر کند. کاربرد این ابزارها در آموزش و پرورش کشورهای مختلف نیز می‌تواند متفاوت باشد. نسخه تجویز شده‌ای برای همه نظام‌های آموزش و پرورش نداریم که استفاده از این ابزارها قطعاً موفقیت تحصیلی را افزایش می‌دهد.

■ شبکه اجتماعی واقعاً چیست؟

□ گروه‌های ایجاد شده از طریق ارتباطات افراد و گروه‌ها را شبکه اجتماعی می‌نامیم. در فضای مجازی سایت‌ها یا نرم‌افزارهایی وجود دارد که افراد و گروه‌ها از طریق آن‌ها با هم در تماس‌اند و محتواهای خود اعم از دانش، اطلاعات، اخبار و حتی احساسات را به اشتراک می‌گذارند.

■ در چه شرایطی شبکه‌های اجتماعی می‌توانند مفید باشند؟

□ معمولاً فناوری‌ها پیش از نهادینه شدن فرهنگ استفاده از آن‌ها وارد کشور ما می‌شوند. اگر فرهنگ استفاده از این شبکه‌ها آموزش داده شود، می‌توانند مفید باشند؛ مثلاً به عنوان مکمل کلاس درس از آن‌ها استفاده شود تا اخبار مربوط به آن درس را منتشر کند، مباحث دانش‌آموزی و برداشت‌های آنان به اشتراک گذاشته شود و یا بازخوردهای دانش‌آموزان شنیده شود. البته این‌طور نیست که استفاده از شبکه‌های اجتماعی حلال همه مشکلات آموزش و پرورش باشد. اصلاح ساختارها، افزایش قدرت حل مسئله و تقویت تفکر خلاق و تفکر انتقادی و امثال آن‌ها هر کدام می‌تواند در جایگاه خود قرار گیرد.

■ برای فرهنگ‌سازی در مورد شبکه‌های اجتماعی چه باید کرد؟

□ خوشبختانه حرکت مثبتی در آموزش و پرورش در این زمینه صورت گرفت و آن تدوین کتاب برای درس «تفکر و سواد رسانه‌ای» برای کلاس دهم بود. ما باید از رها و یله بودن شرایط استفاده از شبکه‌های اجتماعی به نقطه‌ای برسیم که با آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی سطح آگاهی‌های دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها را در زمینه سواد رسانه‌ای بالا ببریم. نظام آموزشی ما بر سر یک دوراهی مهم است؛ یا با استفاده از فضای مجازی و فرهنگ‌سازی برای دانش‌آموزان و خانواده او از این ابزار برای تولید علم و مدیریت دانش می‌تواند استفاده کند و یا در این زمینه وارد نمی‌شود و بی‌توجه به استفاده خانواده‌ها و دانش‌آموزان آن‌ها را در این فضا رها می‌کند. ولنگاری فرهنگی که از طرف مقام معظم رهبری مطرح شده ناظر به همین مسیر دوم است.

ما در کشور نفوذ اینترنت به جامعه را پذیرفته‌ایم و آموخته‌ایم که با روش‌های سلیبی نمی‌توان جلوی گسترش استفاده از آن را گرفت. بنابراین، به جای ائتلاف هزینه و زمان و گفت‌وگوی

جای خالی
شبکه‌های
تخصصی معلمان
اکنون محسوس
است. اصولاً
اکثر شبکه‌های
اجتماعی ما
شبکه‌های
عمومی هستند
و شبکه‌های
تخصصی، که
محل بحث و
گفت‌وگو، به
اشتراک گذاشتن
و تولید دانشی
تخصصی هستند،
بسیار کم داریم.
اگر معلمان در
این شبکه‌های
اختصاصی حضور
داشته باشند،
ثمرات این حضور
در ارتقای ادبیات
و روابط موجود
در شبکه‌های
اجتماعی عمومی
هم آشکار
می‌شود

همراه با صدای معلم

پادکست و یادگیری مهارت‌های خوانداری

فیروزه اردوخانی کاشانی

مقدمه

واژه، ترکیب واژه‌های «آی‌پاد» و «براد کستینگ» به معنای پخش (از رادیو یا تلویزیون) پدید آمده است.

پادکستینگ به عمل انتشار و پخش پادکست گفته می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل توسعه سریع پادکست این است که با فناوری وب - محور توانسته است به راحتی توزیع شود و دسترسی عمومی به این فایل‌های صوتی را امکان‌پذیر سازد.

پادکست توانست جای خود را به تدریج در میان بشر قرن بیست و یکم باز کند؛ به طوری که در سال ۲۰۰۵ فرهنگ لغت نیو اکسفورد آمریکن، واژه پادکست را به‌عنوان واژه سال برگزید. تعریف این لغت در فرهنگ مذکور به این صورت آمده است: «برنامه رادیویی که دیجیتالی ضبط شده است و برای دانلود و قرار دادن در دستگاه‌های پخش صدا در اینترنت گذاشته می‌شود.»

همان‌طور که نتایج مطالعات پرلز (۲۰۰۱، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱) نشان داده است. ضعف در مهارت خوانداری چشمگیر و در خور ملاحظه است. بنابراین، ضروری است در این زمینه تحقیقاتی انجام گیرد و روش‌های آموزشی مناسبی برای بهبود آن در میان دانش‌آموزان پیشنهاد گردد.

خواندن و مهارت‌های مربوط به آن موضوعی

مقطعی نیست و نمی‌توان شتاب‌زده

برای رفع مشکلات آن اقدام کرد.

مناسب‌ترین زمان برای توجه به مهارت

خواندن متن و درک آن، دوره کودکی

است و هرگونه غفلت از این دوره و

بی‌توجهی به برنامه‌ریزی مناسب برای

استفاده بیشینه از آن سرزنش و

شمارت آیندگان را نصیب اهالی امروز

خواهد کرد. بهترین زمان برای آموزش

مهارت‌های خوانداری کودکان، دوره

ابتدایی، به‌خصوص پایه چهارم است

مهارت خواندن یکی از مهارت‌های چهارگانه زبان آموزی و اساس موفقیت و رشد در بسیاری از زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی، اقتصادی، و... است.

پیشرفت و رشد هر جامعه‌ای در گرو رشد دانش و دانایی آن جامعه است و مهارت در خواندن که زیربنای دریافت دانش و دانایی است و با میزان کتاب‌خوانی در هر جامعه ارتباط مستقیم دارد؛ نشانه باسوادی و رشد عقلانی آن جامعه محسوب می‌شود.

از آنجا که در ساختار آموزش رسمی ایران، مهارت خواندن بیش از سه مهارت دیگر، به‌خصوص در سال‌های اخیر، مورد توجه قرار گرفته است، انتظار می‌رود در این زمینه موفقیت‌های چشمگیری نصیبمان شده باشد اما مقایسه آمار ما با نتایج جهانی، چنین انتظاری را تأیید نمی‌کند.

خواندن راه انتقال ارزش‌ها و فرهنگ یک جامعه است؛ زیرا بسیاری از مفاهیم، ارزش‌ها و معنویات یک جامعه، مکتوب و در دل کتاب نهفته است؛ به ویژه در عصر حاضر که وجود فناوری‌های جذاب صوتی و تصویری، راه را بر ورود کتاب‌ها و بسیاری از ارزش‌های مکتوب در کانون خانواده بسته است.

پادکست^۱

پادکست به هر گونه رویکرد ارسال محتوای صوتی، تصویری، به معنای پروتکل

پخش هم‌زمان بر روی

وب اشاره دارد. این





**مهارت خوانداری،
مهارتی است که
برای تحقق هرچه
بیشتر و بهتر
آن لازم است
دانش آموزان
خواندن متون
را تکرار کنند.
از سوی دیگر،
این مهارت
بیشتر با شنیدن
آموخته می شود.
بنابراین، استفاده
از رسانه های نظیر
پادکست در
آموزش مهارت
خوانداری
اثربخش است**

ابتدایی اجرا شد. در گروه آزمایش، دانش آموزان ضمن دریافت آموزش سنتی معلم خود آموزش به شیوه نوین را دریافت کردند، به این صورت که برای هر محتوایی که ارائه شد، معلم پادکست تولید شده در هر جلسه را در اختیار دانش آموزان (از طریق سایت مدرسه) قرار داد و دانش آموزان تمرین خواندن متن مربوط را با استفاده از پادکست صوتی انجام دادند. دانش آموزان با کمک راهنمایی والدین خود، پادکست ها را از سایت مدرسه دانلود و استفاده کردند. در گروه گواه، تمرین دانش آموزان تنها به روش معمول صورت گرفت و آنان به روخوانی کتاب اکتفا نمودند. پس از ارائه به دو روش مذکور، از ابزار استاندارد بین المللی پرلز (۲۰۱۱) استفاده شد که دارای سه بعد اهداف خواندن، درک مطلب، رفتار خواندن و نگرش به خواندن بود. در پژوهش حاضر، ابعاد اهداف خواندن و درک مطلب با انجام آزمون های نوشتاری درک مطلب سنجیده شدند. بعد سوم آزمون - رفتار خواندن و نگرش خواندن - مدنظر نبوده است. این پرسش نامه ها با راهنمایی معلم توسط دانش آموزان تکمیل گردید.

با توجه به گسترده بودن ابزار پرلز (۲۰۱۱) و با توجه به هدف تحقیق حاضر، ۴ متن و بر همین اساس تعداد ۴ پرسش نامه مربوط به آن نیز برای ارزیابی انتخاب گردید. در تحلیل داده ها از دو روش آثار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج توصیفی و استنباطی بیانگر این بود که استفاده از پادکست در آموزش مهارت خوانداری زبان فارسی در ابعاد اهداف خواندن و درک مطلب تأثیر مثبت دارد.

پادکست به عنوان یک رسانه آموزشی به آسانی تولید می شود و در دسترس دانش آموزان قرار می گیرد و امکان استفاده از آن در هر شرایطی برای دانش آموزان وجود دارد. بنابراین، آموزش یکی از مهم ترین مهارت ها و سوادها با بهره مندی از آن اثربخش می باشد.

مهارت خوانداری، مهارتی است که برای تحقق هرچه بیشتر و بهتر آن لازم است دانش آموزان خواندن متون را تکرار کنند. از سوی دیگر، این مهارت بیشتر با شنیدن آموخته می شود. بنابراین، استفاده از رسانه ای نظیر پادکست در آموزش مهارت خوانداری اثربخش است.

★ پی نوشت

1. Podcast

که کودک وارد مرحله حساسی از آموزش شده است. استفاده از فناوری های ارتباطی نوین بر کسب مهارت های خوانداری تأثیرگذار است. ابزارهای آموزشی مانند پادکست ابزاری قدرتمند و مکمل برای منابع آموزشی رایج است (و نه جایگزینی ای بر آنها) که ارتباط مداوم بین معلمان و فراگیرندگان، همچنین انگیزه فراگیرندگان را افزایش می دهد. مهم ترین مزیت پادکست قابلیت دسترسی به آن است که می توان آن را روی تلفن همراه، تبلت، فیلت، لپ تاپ، آی پد و حتی کلیه پخش کننده های فایل های صوتی مانند ام پی تری پلیرها بخش نمود پادکست ها را تولیدکننده برنامه می سازد و می تواند با صدای خود فرد تولیدکننده طراحی و تولید می شود. این مسئله باعث اختصاصی شدن محتوای پادکست ها می شود و با ایجاد پادکست با گزینه هایی از قبیل خواندن یک کتاب، گوش دادن به یک برنامه یا استفاده از هر دو، برای فراگیرندگان امکان یادگیری فراهم می شود.

همچنین، به فراگیرندگان این امکان را می دهد که در حین انجام وظایف دیگر، به فایل های قابل حمل گوش کنند. امروزه، پادکست ها به عنوان ابزارهای کمکی و مروری که می توانند باعث بهبود مهارت زبانی فراگیرندگان شوند، مورد پذیرش قرار گرفته اند. پژوهش حاضر در یک طرح شبه آزمایشی به بررسی تأثیر استفاده از پادکست بر یادگیری مهارت خوانداری فارسی دانش آموزان دبستان پرداخت. از بین مدارس پسرانه، مدرسه ای در منطقه ۱ شهر تهران انتخاب شد و دو کلاس از بین کلاس های چهارم در دو گروه گواه و آزمایش قرار گرفتند. در هر یک از گروه ها تعداد ۳۰ دانش آموز به یادگیری مهارت های خوانداری پرداختند. این طرح در ۴ جلسه ۴۵ دقیقه ای برای دانش آموزان



گروه آموزش پژوهی

محمد نیرو

دبیر ریاضی و معاون آموزشی دبیرستان صلحا - منطقه ۴ تهران

سویه منتقل کند و از جریان سازی و جوسازی های احتمالی ایجاد شده در پشت پرده گروه ها مصون بماند.

وجود چنین کانال هایی دغدغه والدین دانش آموزان در برنامه های خارج از مدرسه، به ویژه اردوهای برون شهری را رفع می کند به خصوص در پایه های پایین تر که معمولاً والدین، دل نگرانی های طبیعی دارند و مایل اند مرتب از احوال فرزندشان در ایام اردو جویا شوند. گاهی برخی از مسئولان مدرسه نیز تا حدودی از این امر مستثنی نیستند. در این حال، مربیان با اطلاع رسانی سریع اخبار و تصاویر برنامه، آسایش خاطر والدین و اولیای مدرسه را فراهم می کنند و از تعداد تماس های تلفنی آن ها می کاهند.

کارکرد دیگری که همکاران دبیرستان، به ویژه کارکنان تمام وقت از آن بهره مند می شوند، ایجاد گروهی است که در آن عمدتاً به درج مطالب عمومی، مطایبه یا پیام های مناسبی پرداخته می شود. این گروه، جدا از اطلاع رسانی، اغلب موجب شادمانی اعضا می شود. با این وصف، به هنگام تشکیل گروه - که به همکاران مدرسه محدود می شد - به منظور ایمنی آنان از آفات احتمالی در فضای همکاری، مقرراتی وضع گردید؛ از جمله: - از گذاشتن هرگونه مطلب خلاف عفت عمومی پرهیز شود. - بحث سیاسی ممنوع.

- کار با تلگرام به کار دوستان در مدرسه خللی وارد نکند. تا حد امکان، بعد از ساعت مدرسه باشد.

نوشته حاضر براساس تجربه نگارنده در یک مجتمع آموزشی صلحا تدوین شده، و درباره جنبه های گوناگون استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴ است.

امروزه استفاده از شبکه های اجتماعی، به صورت فراگیر در میان اغلب افراد رواج یافته و در این میان، تلگرام جایگاه ویژه ای را در میان بخش های گوناگون از جمله محیط های آموزشی به خود اختصاص داده است. به ویژه که امکان ایجاد گروه، سوپرگروه یا کانال همراه با ارسال پیوست های گوناگون را نیز دارد. طبیعی است که بهره جویی از هر ابزار فناورانه، آمیخته با فرصت ها و تهدیدهایی است.

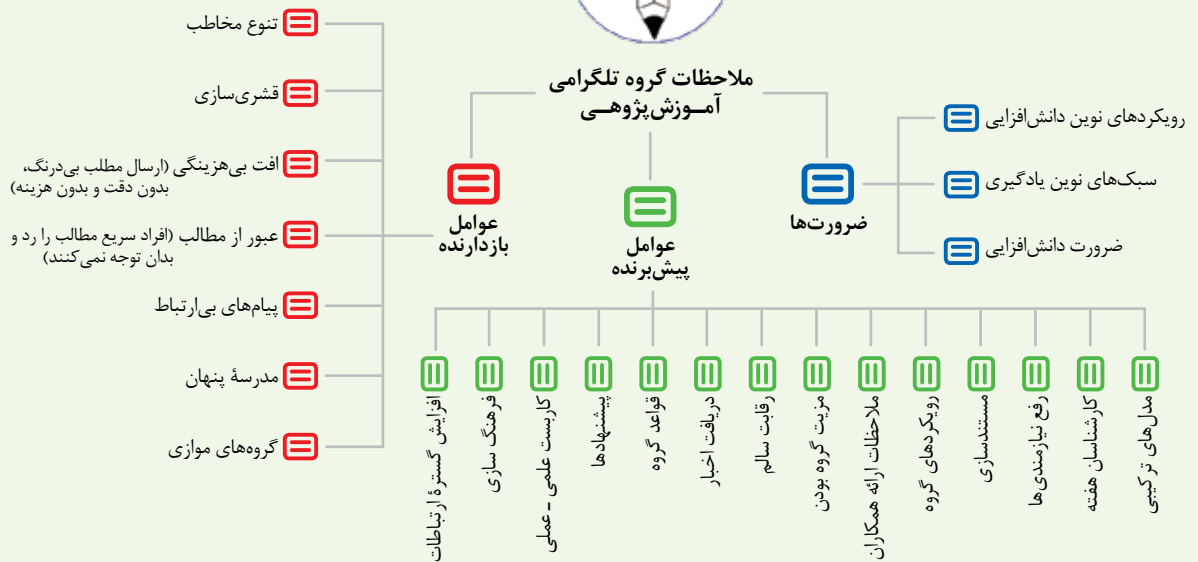
از جمله خطرات استفاده از تلگرام در مدرسه، فارغ از انتقال موارد غیر اخلاقی، رونویسی تکالیف است که با هم رسانی تصاویر جواب ها یا توزیع تکالیف و اشتراک گذاری پاسخ ها صورت می گیرد و راه ساده ای را برای رفع تکلیف، پیش روی دانش آموزان کم کار قرار می دهد.

از این روی، لازم است معلمان در مراکز آموزشی در سازوکار بررسی یا بازبینی تکالیف، بازنگری کنند و طرحی نو در اندازند. برای مثال، اگر قائل باشیم که تکلیف نوشتن وسیله ای برای دستیابی به هدف یادگیری است، بررسی تحقق آن هدف را بیشتر مورد نظر قرار خواهند داد. مثلاً با برگزاری آزمون هایی از محتوای تکالیف، میزان تحقق هدف را فارغ از توجه ویژه به فرایند تحقق آن - که امروزه دیگر به شایستگی قابل کنترل نیست - می توانند بررسی کنند.

کارکردها

معلمان و مربیان در دبیرستان، کارکردهای گوناگون این ابزار را به خدمت می گیرند. برای نمونه، معلمان راهنمای تمامی پایه ها کانال هایی را برای والدین ایجاد کرده اند تا بتوانند از برنامه ها، گزارش ها و اطلاعات مورد نیاز، بهره مند شوند. این اطلاعات شامل برنامه های تفریحی و اردویی داخل یا خارج از مدرسه، گزارش های عمومی و آموزشی پایه و پیام های معلم راهنما به والدین است. ساخت کانال خصوصی این امکان را برای معلم راهنما ایجاد می کند که اطلاعات مخاطبان را به صورت محرمانه حفظ کرده، مطالب لازم را به صورت یک





تجربه معلمی نگارنده

دشوار یا هزینه‌بر است. برای من فرصتی مهیا شد تا با رخصت مسئول پایه، در مدرسه‌ای که به‌صورت پاره‌وقت حضور داشتم بتوانم در وقت نیاز، برخی مشاوره‌ها یا بیان انتظارات و تذکرات انفرادی را فارغ از محدودیت زمان و مکان به دانش‌آموزانم منتقل کنم. برای دانش‌آموزی که در این موقعیت قرار گرفته است، توجه خاص معلم اثر سازنده‌ای دارد و در تعمیق و تلطیف روابط می‌تواند مؤثر افتد.

همچنین برای برخی نظرسنجی‌ها یا ایجاد آمادگی ذهنی برای دانش‌آموزان قبل از کلاس درس نیز نافع است. در عین حال، می‌توان برخی فعالیت‌های مختصر و مستمر را از این طریق برای دانش‌آموزان تعریف کرد و به سرعت بازخورد داد. برای مثال، هر شب چند سؤال از این طریق مطرح شود و بچه‌ها پاسخ‌های آن‌ها را برای معلم ارسال کنند. خود بچه‌ها نیز می‌توانند به طریقی مشابه، به تعامل و انتقال جواب‌ها بپردازند و با این روش، به منافع از جنس یادگیری، دست یابند. برخی از همکاران، یک خط تلفن همراه تهیه کرده و فقط به این شبکه‌های مجازی اختصاص داده‌اند. به هر روی، می‌توان از این ابزار فناورانه، در جهت بهره‌وری‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی مؤثر و به‌نگام، استفاده کرد. طبیعی است که لازمه این امر، خلاقیت و ایجاد هماهنگی با مسئولان مربوط، تدوین قواعد لازم و پایبندی به حدود و ثغور آن است.

دانش‌افزایی معلمان

این دبیرستان از سال تحصیلی ۹۴-۹۳ دوره‌های حضوری آموزش پژوهی را برگزار کرد. هدف از برگزاری این دوره‌ها،

از سوی دیگر، معمولاً بین دانش‌آموزان یک پایه یا یک کلاس هم گروه‌هایی ایجاد می‌شود. معلم می‌تواند به واسطه این ارتباط مجازی و همیشگی، فرصت‌های بسیاری را برای استمرار فرایند یاددهی - یادگیری مهیا کند. به خصوص معلمان که از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تدریس بهره می‌برند.

برای مثال، من برای سهولت دسترسی و صرفه‌جویی در زمان کلاس، مباحث درسی یا پاسخ‌سؤالاتی را که به‌صورت پاورپوینت در کلاس ارائه می‌کردم، با واسطه یکی از دانش‌آموزان موجه از طریق تلگرام در گروه دانش‌آموزان قرار می‌دادم.

همچنین، برخی دیگر از اطلاعات مفید درسی را که می‌توانست برای علاقه‌مندان مناسب باشد، از این طریق منتقل می‌کردم؛ مثلاً سؤال‌های امتیازی و یا خودآزمایی‌های آمادگی قبل از آزمون‌های هماهنگ. این کار در عین حال باعث صرفه‌جویی در مصرف کاغذ می‌شد. برخی دیگر از معلمان به همین منظور اقدام به ایجاد کانال می‌کنند و دانش‌آموزان خود را بدان فرا می‌خوانند.

برای معلمان پاره‌وقت که زمان‌های کوتاهی در هفته را در میان بچه‌ها هستند، این ابزار فرصت مناسبی است که با واسطه یا مستقیم، به موقع از چالش‌های موضوعی در درس خود مطلع شوند و برای جلسات آتی، محتوایی مقتضی نیاز بچه‌ها تدارک ببینند. به عبارتی، زمینه بازخوردگیری و بازخورددهی را در اسرع وقت و به شکلی ساده مهیا کنند.

ضروری است که این امر با اطلاع و هماهنگی مدرسه صورت پذیرد. البته انتقال مطالب به‌صورت مکتوب و بی‌نیاز از لحن و زبان بدن، گاه موجب سوء تفاهم‌هایی می‌شود که جبران آن‌ها

دانش‌افزایی و توانمندسازی همکاران بود که بر اساس آن از نیروی انسانی، برای تقویت سرمایه انسانی استفاده شود؛ سرمایه انسانی که در زمره اصلی‌ترین منابع یک مجموعه و عامل اصلی پیشبرد کیفی اهداف مجموعه است.



دوره‌ها در پنج محور با اهداف مشخص تنظیم شده بود: نشست‌های عمومی، نشست‌های موضوعی، نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های تخصصی، و بازدیدهای تخصصی. در نشست‌های عمومی، ارائه موضوعات مختلف در هر جلسه صورت می‌گرفت. در نشست‌های موضوعی نیز ارائه‌ها نسبتاً کوتاه بودند؛ با این تفاوت که همه آن‌ها حول یک موضوع کلی قرار داشتند. هدف از بازدیدهای تخصصی، آگاهی‌دهی و تغییر نگرش همکاران بود. نشست‌ها و کارگاه‌های تخصصی نیز در جهت رشد دانش و مهارت معلمان، بر اساس نیازسنجی و امکان‌سنجی‌های قبلی انجام می‌شد. فیلم‌های حدود هفتاد جلسه از دوره‌های حضوری آموزش پژوهی، همراه با گزارش‌ها، اسلایدها و ... در وب‌نوشت دوره‌های آموزش پژوهی مجتمع آموزشی صلحا^۱ قابل دسترسی است.

از شهریورماه ۱۳۹۴ گروه تلگرامی با اهداف زیر آغاز به کار کرد. - استمرار دانش‌افزایی همکاران در فضای مجازی به منظور ارتقای حرفه‌ای ایشان؛

- اطلاع‌رسانی در مورد برنامه‌های مجتمع آموزشی؛

- تبادل نظر در حوزه‌های مربوط به تعلیم و تربیت؛

در ابتدای کار و تجربه آغازین، تنها همکاران مجموعه به این گروه دعوت شدند و روزانه مطالب مختصر، ولی هدفمند و مسلسل توسط مدیر گروه (نگارنده) در آن درج می‌شد. همچنین به منظور ساماندهی شایسته‌تر، قواعدی نیز وضع گردید؛ از جمله اینکه «اعضا فقط در روزهای جمعه مطلب بگذارند و محتوای مطالب نیز صرفاً در حیطه تعلیم و تربیت و در جهت ارتقای دانش و نگرش اعضا باشد.»

قواعدی که تاکنون نیز با تغییرات مختصری برقرار است.

پیش از آن برای بهره‌وری بیشتر، گروهی به نام «اتاق فکر آموزش پژوهی صلحا»، متشکل از بعضی مسئولان مدرسه و صاحب‌نظران تشکیل شد تا پشتیبانی و هدایت کار را بر عهده بگیرد. این گروه نیز همچنان باقی است.

از آذرماه ۹۴ گروه توانست پذیرای همکاران خارج از مجموعه نیز باشد. بعد از اینکه تعداد اعضا به ۲۰۰ نفر رسید، گروه به سوپر گروه ارتقا پیدا کرد و روند فعالیت گروه مانند گذشته ادامه یافت.

در سه ماه زمستان ۹۴، موضوعاتی که از سوی مدیر گروه درج می‌شد، در حول نظریه هوش‌های چندگانه متمرکز بود و روزهای جمعه از همکاران خواسته شده بود که تجارب خود در زمینه استفاده از این نظریه را درج کنند. مجموعه مطالب این سه ماه قابل احصا است.

فعالیت‌های گروه از آغاز سال ۱۳۹۵ متنوع و متعدد شد. به منظور برخورداری اعضا از منابع متعدد و نیز تجارب سایر همکاران در دیگر مجموعه‌ها، از آغاز سال ۱۳۹۵ با هماهنگی مدیران، گوشه‌هایی از فعالیت‌های برجسته برخی از مدارس گزارش شده است. از این رهگذر، تاکنون^۲ ناظر بر ارائه ۱۷ مدرسه غیردولتی و دولتی مختلف از تهران، شهرستان‌ها و خارج از کشور بوده‌ایم.

همچنین، برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های حرفه‌ای اعضا، با کارشناسانی از اعضای گروه هماهنگ می‌شد که هر هفته در حیطه‌های تخصصی خود پاسخ‌گوی سؤال‌های همکاران باشند. به منظور بهره‌مندی از فرصت عمومی روز جمعه، بر اساس مسائل و مشکلات شناسایی شده در میان همکاران، موضوعاتی برای بحث در آغاز روز مطرح می‌شود و به منظور کمک به آمادگی اعضا، این موضوعات از اواسط هفته اعلام می‌گردد. بدین ترتیب، ضمن ایجاد آمادگی ذهنی، برای همه، همکارانی هم که روز جمعه امکان وقت‌گذاری زیادی ندارند می‌توانند مطالب خود را پیش از آن آماده کرده و در روز جمعه آن را بارگذاری کنند.

گاه در پی گزارش برخی از مدارس، به درخواست برخی از اعضا زمینه بازدید از آنجا مهیا می‌شد که نتایج سرشاری داشت. همچنین با اعلام نیازمندی‌های مدارس و ارتباط‌های ایجاد شده، زمینه اشتغال برخی از اعضا و رفع نیازهای برخی از مدارس حاضر در گروه فراهم می‌شد. در آخر، جهت مدیریت دانش، کلیه مطالب ارائه شده در هر هفته گردآوری می‌شد و به صورت فایل پی‌دی‌اف مستندسازی و تقدیم عزیزان در گروه می‌گردید.

اکنون تعداد اعضا رشد فزاینده‌ای یافته و نتایجی حاصل آمده که بخشی از آن، قصدنشده بوده است.

* پی‌نوشت‌ها

1. <http://solaha.mihanblog.com>

2. <http://niroo.mihanblog.com/post/category/15>

۳. مرداد ۱۳۹۵

لایک‌هایی

به خوشمزگی شکلات^۱!

ترجمه: محمد امین اسپروز

۴۱۵

دو گروه از نوجوانان نشان دادیم. یک گروه عکس را با تعداد لایک زیادی و گروه دیگر آن را با تعداد لایک کم دیدند. گروهی که عکس را با تعداد لایک‌های بیشتر دیده بودند، تمایل بیشتری برای لایک کردن عکس از خود نشان دادند. نوجوانان به اطلاعاتی که فکر می‌کنند توسط همسالانشان مورد توجه قرار گرفته است واکنش متفاوتی نشان می‌دهند: حتی اگر این همسالان، غریبه باشند.»

هم‌رنگ جماعت شدن موضوعی قدیمی است اما وضعیت لایک‌های برخط (آنلاین) فرق می‌کند. شرمن می‌گوید: «در گذشته، نوجوانان دربارهٔ اینکه افراد پیرامونشان چه عکس‌هایی دارند، خودشان قضاوت می‌کردند اما اکنون با وجود لایک، دیگر برایشان ابهامی وجود ندارد.»

در این پژوهش به نوجوانان عکس‌هایی «خنثی» مانند عکس غذا و دوستان، عکس‌هایی «پرمخاطره» مانند عکس سیگار، مشروبات الکلی و نوجوانان بدلباس نشان داده شد. یکی از پژوهشگران می‌گوید: «در هر سه دسته عکس - خنثی، پرمخاطره و حتی عکس خودشان - نوجوانان عکس‌هایی را که بیشتر لایک شده بود، لایک می‌کردند.» این نوجوانان وقتی عکس‌های پرمخاطره را می‌دیدند، فعالیت آن قسمت از مغز که باید بازدارنده باشد، کمتر می‌شد؛ به عبارت دیگر، شاید فیلتر «مراقب باشید» آن‌ها در حال تضعیف شدن بود.

* پی‌نوشت

1. Like

۲. این مقاله ترجمه Social Media 'Likes' as Yummy as Chocolate است که در مجله The Science Teacher مورخ سپتامبر ۲۰۱۶ به چاپ رسیده است.

3. Instagram

4. Lauren Sherman

بر اساس یافته‌های پژوهشی که از طریق اسکن مغز نوجوانان حین استفاده از شبکه‌های اجتماعی به دست آمده است، وقتی نوجوانان تعداد زیادی لایک روی عکسشان می‌بینند، همان مدارهای مغزی‌شان که برای خوردن شکلات یا بردن پول فعال می‌شوند، به فعالیت می‌پردازند.

به ۳۲ نوجوان بین سنین ۱۳ تا ۱۸ سال گفته شد قرار است در یک شبکهٔ اجتماعی کوچک شبیه اینستاگرام^۲ که یک برنامه معروف به اشتراک‌گذاری عکس است، شرکت کنند. پژوهشگران به هر یک از این نوجوانان در مدت ۱۲ دقیقه ۱۴۸ عکس نشان دادند. این مجموعه شامل ۴۰ عکس، از هر کدام آن‌ها می‌شد. این مجموعه، عکسی را که هر کدام از آن‌ها نیز تحویل داده بود، شامل می‌شد. روی هر یک از عکس‌ها تعداد لایک‌هایی که مثلاً سایر شرکت‌کنندگان هم داده بودند، نمایش داده می‌شد (در حقیقت، این اعداد توسط خود پژوهشگران تعیین شده بود). پژوهشگران در تمام این مدت با تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی (fMRI) فعالیت مغزی آن‌ها را تحلیل می‌کردند.

لورن شرمن^۳، سرپرست گروه پژوهشگران، می‌گوید: «وقتی نوجوانان عکس‌های خودشان را با تعداد زیادی لایک دیدند، شاهد فعالیت در نواحی مختلف مغز آن‌ها بودیم.»

یکی از نواحی مغز، Nucleus Accumbens، یعنی بخشی که مربوط به بخش پاداش مغز است، به صورت ویژه‌ای فعال بود. مدار پاداش مغز معمولاً در دوران بلوغ بسیار حساس است. همچنین تصمیم‌گیری نوجوانان دربارهٔ اینکه کدام عکس‌ها را لایک کنند، به شدت تحت تأثیر تعداد لایکی است که هر عکس از قبل دارد.

شرمن در این باره می‌گوید: «ما یک عکس یکسان را به

فوت و فن‌هایی از شبکه‌های اجتماعی

عبدالحمید پهلوزاده
هنرآموز رایانه بوشهر

حضور افراد در اینترنت از دهه گذشته دستخوش تغییرات زیادی شده است. حدود ده سال پیش زمان ظهور و سپس اوج وبلاگ‌نویسی بود؛ حضور افراد در اینترنت تقریباً به رایانه منحصر می‌شد و راه پیدا کردن افراد در فضای مجازی، نشانی وب‌نوشت (وبلاگ) آن‌ها بود ولی امروزه با افزایش ضریب نفوذ دستگاه‌های همراه و به دنبال آن نفوذ اینترنت‌های همراه و پرسرعت، سبک حضور افراد در فضای مجازی تغییر کرده است. با بررسی اجمالی ظهور و افول انواع شبکه‌های اجتماعی از پنج سال گذشته، به تغییر مدام سبک شبکه‌های اجتماعی می‌رسیم و طبیعی خواهد بود که در آینده نیز شبکه‌های اجتماعی به سبک فعلی بخشی از خاطره‌ها را به خود اختصاص دهند. در این نوشته، فارغ از گذشته و آینده سبک حضور افراد در اینترنت از وبلاگ‌نویسی و شبکه‌های اجتماعی، با تمرکز بر وضع فعلی، نکاتی را درباره استفاده بهتر و مفیدتر از شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کنیم و امیدواریم با این کار در ترغیب دانش‌آموزان به استفاده مثبت از این شبکه‌ها سهمیم. در این نوشته بر تلگرام و اینستاگرام بیشتر تمرکز خواهیم داشت.

تلگرام

این برنامه، نسخه رایانه‌ای نیز دارد و شما می‌توانید علاوه بر دستگاه همراه، بر روی رایانه خود از نسخه رایانه‌ای آن نیز استفاده کنید. بر این اساس، می‌توانید از طریق اپلیکیشن مطلع شوید که تلگرام شما بر روی چه دستگاه‌هایی فعال شده است. برای این کار، از طریق منوی سمت چپ تلگرام، گزینه settings و سپس privacy and security و آنگاه گزینه Active Sessions را انتخاب کنید. به این ترتیب، می‌توانید فهرست دستگاه‌هایی را که از طریق شماره همراه شما روی آن‌ها تلگرام نصب شده است، ببینید و با لمس هر گزینه آن‌ها را غیرفعال کنید تا پیام‌های شما برای آن دستگاه‌ها ارسال نشود.

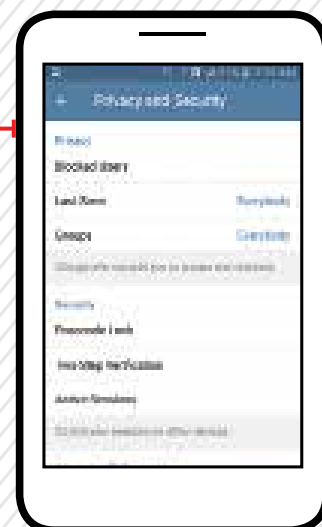
در بخش privacy and security گزینه‌های مفید دیگری نیز وجود دارد که برخی از آن‌ها را شرح خواهیم داد:

Passcode lock: در این بخش شما می‌توانید برای برنامه تلگرام خود رمز بگذارید تا هنگام اجرای تلگرام، ابتدا از شما رمز بخواهد و سپس برنامه اجرا گردد. با فعال‌سازی این گزینه، اکنون یک قفل در نوار بالای برنامه اضافه خواهد شد. می‌توانید زمان فعال‌سازی آن را از یک دقیقه تا چند ساعت قرار دهید؛ برای مثال، با انتخاب ۵ دقیقه اگر شما از برنامه خارج شوید و مجدداً قصد ورود به برنامه را داشته باشید و فاصله این دو مرحله بیش از ۵ دقیقه باشد، از شما رمز درخواست می‌کند.

Two-Step Verification: در این بخش شما می‌توانید تلگرام خود را به گونه‌ای تنظیم کنید که اگر بخواهید آن را بر روی دستگاه دیگری نصب کنید، علاوه بر کد فعال‌سازی - که توسط تلگرام برای شما پیامک خواهد شد - به یک کد دیگر نیز نیاز باشد که در این بخش می‌توانید آن را به همراه نشانی ایمیل خود برای تلگرام تعریف کنید. با فعال‌سازی اعتبارسنجی دو مرحله‌ای می‌توانید امنیت بیشتری برای تلگرام خود ایجاد کنید.

Account self-destructs: در این بخش می‌توانید به تلگرام این اجازه را بدهید که اگر در یک بازه

۹۱۶



زمانی مشخص به تلگرام خود سرزنشید، همه پیام‌ها و گروه‌هایی که روی تلگرام شما بوده است، و نیز اکانت شما حذف خواهد شد.

اگر قصد دارید اکانت تلگرام خود را به‌طور کامل حذف کنید، می‌توانید مراحل زیر را دنبال کنید. ابتدا وارد نشانی زیر شوید:

Telegram.org/deactive

سپس، با وارد کردن شماره همراه خود، یک رمز به تلگرام شما ارسال خواهد شد. باید آن رمز را در مرورگر وارد کنید و وارد تنظیمات اکانت خود شوید. با تأیید در دو مرحله می‌توانید اکانت خود را حذف کنید و بعد از آن، نام شما در تلگرام بقیه افراد نمایش داده نخواهد شد و به جای آن deleted account نوشته می‌شود.

برای عوض کردن تصویر پروفایل خود، این امکان در اختیار شما هست که ابتدا تصویر یا تصاویر قبلی را حذف کرده سپس تصویر جدید را انتخاب کنید. البته می‌توانید تصاویر قبلی را نیز نگه دارید. در ادامه، چند نکته را برای استفاده بهتر شرح خواهیم داد.

❖ شما می‌توانید برای خود یک بایگانی درون تلگرام ایجاد کنید تا به هنگام مرور گروه‌ها و کانال‌های تلگرام، اگر به فایل یا تصویری رسیدید که قصد دارید آن را درون آرشیو خود داشته باشید، بتوانید آن را به بایگانی خود منتقل کنید. برای این کار کافی است یک کانال یک نفره از نوع private ایجاد کنید و همه مطالب و تصاویر و فایل‌های مورد نظر خود را به آن هدایت کنید.

❖ می‌توانید با ایجاد یک کانال یک نفره برای کلاس درس خود به حالت private به اطلاع‌رسانی و آموزش‌های کمک‌درسی برای دانش‌آموزان بپردازید. در این کانال می‌توانید کلیپ‌های کوتاه آموزشی، تصاویر آموزشی، انیمیشن‌ها و نمونه سؤال‌ها و آزمون‌های درسی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید و زمینه‌ای برای اجرای کلاس معکوس فراهم کنید. با تهیه یک بارکد از نشانی کانال خود و چاپ بارکد و آن را در اختیار دانش‌آموزان گذاشتن، می‌توانید آن‌ها را به کانال هدایت کنید. با این شیوه نیازی به درخواست شماره از دانش‌آموزان و یا نیازی به در اختیار قرار دادن شماره همراه خود نیز نمی‌باشد.

اینستاگرام^۲



شبکه اجتماعی دیگری که قصد داریم اندکی در مورد آن شرح دهیم، اینستاگرام است. اینستاگرام یک شبکه اجتماعی است که از طریق نشانی رایانامه و یا شماره همراه خود می‌توانید عضو آن شوید. در اینستاگرام شما با به اشتراک گذاشتن تصاویر

و یا کلیپ‌های کوتاه، با دوستان خود و دیگران فرصت تعامل پیدا خواهید کرد و با دنبال کردن تصاویر دیگران می‌توانید از تصاویر دوستان خود مطلع شوید و آن‌ها را ببینید.

در این شبکه اجتماعی بعد از انتشار تصاویر، دیگران فرصت پسند (like) نمودن و اظهار نظر پیدا می‌کنند. شما می‌توانید از این فرصت برای آموزش‌های مرتبط با کلاس درس خود استفاده کنید. در نسخه‌های جدید اینستاگرام شما می‌توانید چند اکانت را به صورت هم‌زمان مدیریت کنید. پس می‌توانید در کنار اکانت شخصی خود، یک اکانت برای کلاستان ایجاد کنید و به ارتباط آموزشی با دانش‌آموزان بپردازید.

برخی از ویژگی‌های این شبکه اجتماعی عبارت‌اند از:

- ❖ افرادی که ما را دنبال می‌کنند می‌توانند پسند نمودن‌ها و نظرات ما درباره تصاویر دیگران را ببینند و البته ما می‌توانیم آن‌ها را محدود کنیم و این اجازه را به آن‌ها ندهیم.
- ❖ اکانت خود را در حالت private قرار دهید، تا افرادی را که شما اجازه می‌دهید بتوانند تصاویر شما را ببینند.
- ❖ از هشتک‌ها برای جلب مخاطب و پیدا شدن در جست‌وجوها استفاده کنید.

* پی‌نوشت‌ها

1. <http://telegram.org>
2. Application
3. Instagram

می‌توانید با ایجاد یک کانال یک نفره برای کلاس درس خود به حالت private به اطلاع‌رسانی و آموزش‌های کمک‌درسی برای دانش‌آموزان بپردازید. در این کانال می‌توانید کلیپ‌های کوتاه آموزشی، تصاویر آموزشی، انیمیشن‌ها و نمونه سؤال‌ها و آزمون‌های درسی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید و زمینه‌ای برای اجرای کلاس معکوس فراهم کنید

علم با طعم سرگرمی و هیجان

معرفی چند صفحهٔ معلمی در اینستاگرام

زینب وکیل

Imaginationtree

در بخش معرفی این صفحه نوشته شده است: ایده‌هایی برای بازی و یادگیری در ۰ تا ۱۱ سالگی. این صفحه پر از ایده‌هایی خلاقانه برای معلمان علوم و ریاضی مقطع دبستان است. مادران نیز می‌توانند از این صفحه بازی‌هایی سودمند و البته جذاب و ساده برای فرزندان خود پیدا کنند. برای مثال، یکی از پست‌های این صفحه در زیر نشان داده شده است: در اینجا چند برگ پاییزی و چند مهره با رنگ‌های مختلف فراهم شده است. کودک باید هر مهره را با توجه به رنگ آن روی برگ بگذارد. این بازی از طبیعت الهام گرفته شده است و فواید زیادی دارد. برای مثال، توجه کودک به شکل‌ها و رنگ‌ها جلب می‌شود و او می‌تواند دسته‌بندی کردن را یاد بگیرد.

یک بازی جذاب برای کلاس ریاضی: یک قلک، تعدادی سکه و یک تاس بزرگ! دانش‌آموزان تاس می‌اندازند و با توجه به عددی که می‌آید، سکه در قلک می‌اندازند. این بازی را می‌توان با افزودن تعداد تاس‌ها سخت‌تر کرد.

یک بازی برای درس فارسی و یا انگلیسی و حتی درس ریاضی: توپ پینگ‌پنگ می‌تواند به خلق بازی‌های زیادی کمک کند. همان‌طور که در تصویر آمده است، روی توپ‌ها حرف‌های مختلف و یا اعداد را می‌نویسیم. روی لوله‌های کاغذ هم اعداد یا حروف را می‌نویسیم. دانش‌آموز باید توپ‌ها را با لوله‌ها منطبق کند. این بازی برای تطابق دادن، مهارت‌های حرکتی و تشخیص حروف الفبا بسیار مناسب است.

Classofcreativity

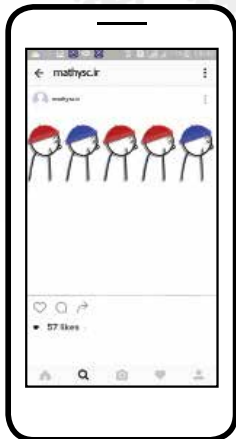
این صفحه متعلق به یک معلم ایرلندی است که ایده‌های خود را در مورد روش‌های یادگیری، معلمی و مدیریت کلاس به اشتراک می‌گذارد.

در این تصویر، ما نوعی امتیازدهی و جایزه را می‌بینیم. تعداد بیشتر چوب‌های رنگی آب‌نبات نشان‌دهندهٔ امتیاز و پیشرفت بیشتر دانش‌آموز است. جایزه‌هایی ملموس که ممکن است در سرتاسر روز به دانش‌آموزان داده شود، به آن‌ها انگیزه می‌دهد. می‌توان قرارهایی این‌چنینی نیز با دانش‌آموزان گذاشت: اگر از کسی ده چوب آب‌نبات گرفته شود، به او یک جایزهٔ دیگر، مثلاً یک تخم‌مرغ سفره هفت‌سین و یا هر چیز دیگری، داده می‌شود.

در تصویر روبه‌رو نمونه‌ای از یادگیری ضرب کردن را می‌بینیم. یادگیری ضرب با این کارتها قطعاً لذت‌بخش‌تر از حفظ کردن و مرتب تکرار کردن است.

این تصویر یک باغ کلمات است و برای درس ادبیات و زبان انگلیسی دورهٔ دبستان و متوسطهٔ اول می‌تواند جذاب و کاربردی باشد.





mathysc.IR

وبگاه المپیاد ریاضی به کوشش جمعی از جوانان علاقه‌مند و برگزیدگان دوره‌های پیشین المپیاد ریاضی و با حمایت کمیته علمی المپیاد ریاضی و باشگاه دانش‌پژوهان جوان راه‌اندازی شده است. در این صفحه مطالب وبگاه و اطلاعیه‌های مربوط به المپیاد ریاضی و مسائل و معماهای ریاضی آمده است.



Natgeo

این صفحه که در حدود شصت میلیون علاقه‌مند دارد، زندگی را یک ماجراجویی معرفی می‌کند. عکاسان حرفه‌ای این صفحه به بکرترین نقاط کره زمین می‌روند و از زندگی مردم و نحوه تعامل آن‌ها با طبیعت عکاسی می‌کنند.



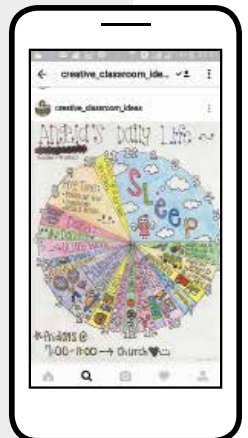
Astronomypicturesdaily

این صفحه وابسته به ناسا است. علاقه‌مندان جدی رشته نجوم می‌توانند در کنار لذت بردن از تصاویر زیبا، به افزایش دانش خود نیز بپردازند.



Creative-classroom-ideas

این صفحه به موضوعات درسی متنوع پرداخته است. برای مثال، تصویر زیر می‌تواند راهنمای یک طرح درس جذاب برای درس مطالعات اجتماعی باشد. این درس به مفهوم دوستی می‌پردازد. اسم شاگردان و صفاتی که شاید برای یک دوست مناسب باشد، روی برگه‌ها نوشته شده است. دانش‌آموزان باید این صفات را با دوستانشان هماهنگ کنند. این ایده برای هر درس دیگری نیز می‌تواند اجرا شود؛ مثلاً برای درس منابع انرژی و ویژگی‌های آن‌ها که در علوم هفتم آمده است.



اینفوگرافیک کشیدن هم از لحاظ آموزشی بسیار مفید است و هم برای بچه‌ها می‌تواند بسیار جذاب باشد. در اینجا، یک نمونه از اینفوهای بسیار جذابی را که دانش‌آموزی از زندگی روزانه خود کشیده است می‌بینیم.

برای درس ریاضی این خط اعداد بسیار کاربردی و جالب است. بچه‌ها نسبت به کوچکی و بزرگی اعداد احساس پیدا می‌کنند. این طرح درس برای مفاهیم دیگر نیز (اگر مقایسه‌ای باشند) مفید است؛ مثلاً مفهوم روستا، شهر، استان و کشور در درس جغرافی.

امتحان زبان، سی دی خراب و باز هم تلگرام

محسن مرادیان

دبیر ریاضی ناحیه یک شهرستان رشت

کردن به آلبوم عکس دوران دانشجویی ام مرور می کردم. در این سال ها فقط با یکی دو نفر از هم کلاس ها که هم شهری ام بودند ارتباط داشتم و از بقیه به طور کلی بی خبر بودم تا اینکه یک روز توسط حسین، یکی از همین هم کلاس ها، در یک گروه وایبر - که عنوانش را «رفقای قدیمی» گذاشته بودند - عضو شدم آن روز یکی از خاطره انگیز ترین روزهای عمرم شد؛ روزی که بعد از ۲۳ سال چند نفر از صمیمی ترین دوستان و هم کلاس های دوران تربیت معلم را می دیدم. به مرور، تعداد بچه ها زیاد شد و گروه را به تلگرام منتقل کردیم، هر کس که عضو گروه می شد، یکی دو نفر از بقیه هم کلاس ها را نیز با خود به گروه می آورد. در حال حاضر گروه رفقای قدیمی تقریباً کامل شده است و برخلاف گذشته همه از همدیگر خبر داریم و گاهی قراری می گذاریم و یکدیگر را در منزل یکی از دوستان ملاقات می کنیم؛ امری که شاید بدون استفاده ما از تلگرام و شبکه های اجتماعی بعید به نظر می رسید.

حکایت دوم: امتحان زبان، سی دی خراب و باز هم تلگرام

خردادماه امسال روزی که قرار بود امتحان زبان انگلیسی پایه نهم برگزار شود متوجه شدیم امتحان از دو قسمت تشکیل شده است: یک قسمت امتحان کتبی و یک قسمت امتحان Listening که در آن باید فایل های صوتی

طی چند سالی که از عمر شبکه های اجتماعی می گذرد، شاهد فراگیر شدن استفاده از آن در بین بیشتر اقشار جامعه هستیم. شاید شما نیز مانند من در خلال استفاده از شبکه های اجتماعی و ارتباط با افراد مختلف، با اتفاقات جالب و تأثیر گذاری رو به رو شده باشید که بیانش برای بقیه خالی از لطف نیست. در اینجا چند مورد از این اتفاقات جالب را برایتان تعریف می کنم.

حکایت اول: رفقای قدیمی

ورود من به آموزش و پرورش با قبول شدنم در تربیت معلم در سال ۱۳۷۱ شروع شد. آن سال یک کلاس ریاضی از میان پذیرفته شدگان کل استان تشکیل شده بود که من نیز یکی از آن ها بودم. طی دوسالی که در مرکز تربیت معلم تحصیل می کردیم، صمیمیت و رفاقت خالصانه ای بین ما به وجود آمده بود و همه مانند اعضای یک خانواده شده بودیم. یادم هست در روز فارغ التحصیلی مان هر کدام از بچه ها که سوار اتوبوس مربوط به شهرستان خودش می شد تا مرکز را به قصد خانه ترک کند، اشک در چشمانش حلقه زده بود و از هم کلاسی های شهرستان های دیگر حلاطیت می طلبید. از این ماجرا ۲۳ سال گذشت و من بارها یاد و خاطره آن روزها را با نگاه

مربوط به سؤالات توسط بلندگوی سالن پخش شود و دانش آموزان بعد از شنیدن مکالمات هر فایل صوتی، پاسخ سؤالات مربوط به آن را در برگه‌هایشان علامت بزنند. این فایل‌های صوتی در قالب لوح فشرده در روز امتحان به همراه برگه‌های امتحانی به صورت مهر و موم شده به مدیر هر مدرسه تحویل داده شده بود. بیشتر از چند دقیقه‌ای به امتحان نمانده بود که تلفن دوستم حمید، که دبیر زبان مدرسه‌مان بود، زنگ خورد. پشت خط صدای فردی می‌آمد که گویا تقاضایی از حمید دارد. پرسیدم جریان از چه قرار است؟ اتفاقی افتاده؟ حمید گفت پشت خط، معاون یکی از مدارسی است که در آنجا تدریس می‌کنم. می‌گوید هرچقدر تلاش می‌کنند لوح فشرده فایل صوتی پخش نمی‌شود و گویا مشکلی در رایت آن رخ داده و قابل استفاده نیست. به همین خاطر از حمید تقاضای کمک داشتند. راهی که به ذهن معاون آن مدرسه رسیده بود این بود که حمید هرچه سریع‌تر خودش را به مدرسه آن‌ها - که در آن سوی شهر بود - برساند و خودش قسمت مربوط به امتحان Listening را برای دانش‌آموزان بخواند. ولی حمید می‌گفت این راه حل خوبی نیست؛ چون با وجود دوری مسافت و ترافیک در آن ساعت از روز رسیدن به آنجا یک ساعت طول می‌کشد. در حالی که کمتر از ده دقیقه دیگر باید امتحان به صورت هماهنگ برگزار شود. ناگهان به یاد استفاده از قابلیت اشتراک‌گذاری فایل در تلگرام افتادم. به حمید گفتم: «آیا معاون آن مدرسه عضو شبکه اجتماعی تلگرام هست؟» و پاسخ او مثبت بود، بنابراین، فایل‌های صوتی داخل لوح فشرده مدرسه خودمان را توسط تلگرامی که روی لپ‌تاپ حمید نصب بود، به سرعت برای معاون مدرسه فرستادیم. پنج دقیقه بعد، او فایل‌ها را از گوشی خودش به رایانه مدرسه منتقل کرده بود و آن روز آن‌ها توانستند رأس ساعت مقرر امتحان را برگزار کرده و به کمک تلگرام از پس مشکلی که برایشان به وجود آمده بود، برآیند.

حکایت سوم: عکس پروفایل

در شبکه‌های اجتماعی افراد با شیوه‌های مختلفی خود را معرفی می‌کنند؛ بعضی‌ها مثل من اسم و تصویر خودشان را به‌طور کامل در پروفایلشان می‌گذارند. بعضی‌ها از حروف اول اسمشان استفاده می‌کنند و برخی دیگر فقط با نام مستعاری که برای خود انتخاب کرده‌اند، می‌توان شناخت.

حدود سه سال است که من عضو چندین گروه تخصصی ریاضی تلگرام، از جمله گروه «معلمین ریاضی کشور»، هستم و در این مدت، تجارب ارزنده زیادی کسب کرده‌ام. تابستان سال گذشته به اتفاق تنی چند از همکاران و سرگروه‌های مناطق استان گیلان برای گذراندن دوره تأمین مدرسی کتاب ریاضی نهم عازم تهران شدیم تا بتوانیم بعد از برگشت از این دوره تجارب خود را به دبیران استان انتقال دهیم.

بعد از اینکه مستقر شدیم، به اتفاق دوستان

برای صرف شام به سالن غذاخوری رفتیم. عده زیادی از دبیران و سرگروه‌های ریاضی کل کشور را می‌شد در آنجا دید ولی من غیر از دوستان همراه خودم کسی را نمی‌شناختم. حین صرف شام یکی از خانم‌ها جلو آمد و شروع به حال و احوال با من نمود و وقتی متوجه شد که من اصلاً ایشان را نمی‌شناختم، خودش را معرفی کرد. و تازه آن موقع بود که فهمیدم ایشان

مدیر گروه تلگرام ماست. در همین اثنا سه نفر دیگر از آقایان نیز از راه رسیدند و خیلی گرم و صمیمی شروع به دیده‌بوسی و احوال‌پرسی با من کردند؛ طوری که گویی سال‌هاست مرا می‌شناسند و من همچنان مات و مبهوت از دیدار دوستانی که مرا به خوبی می‌شناختند ولی من اصلاً آن‌ها را به یاد نمی‌آورم. در همین فکر و خیال بودم که ایشان دوستان جدید را معرفی کرد. در چند روزی که آنجا بودیم، تعداد زیادی از همکاران عضو گروه‌های تلگرام را حضوری ملاقات کردم ولی با کمال تعجب متوجه شدم بیشتر آن‌ها از اینکه تعداد زیادی از دوستان هم‌گروهی‌مان در این دوره شرکت کرده‌اند، بی اطلاع‌اند؛ چون همه یکدیگر را به اسم و نام کاربری می‌شناختند نه از روی چهره و ظاهر، مگر آن‌هایی را که تصویر پروفایلشان مربوط به چهره خودشان بود و بقیه آن‌ها را به چهره می‌شناختند. بنابراین، عصر همان روز در تلگرام پیامی نوشتم مبنی بر اینکه همه دوستانی که در دوره ضمن خدمت تهران حضور دارند، بعد از شام در محل مسجد حضور یابند تا یکدیگر را

حضوری ببینیم. از آن شب تا پایان دوره، هر شب جلسات نقد و بررسی کتاب را به‌جای گروه تلگرام در محل مسجد پردیس نسیم برگزار می‌کردیم و مطالبی را که روزها در کلاس‌ها یادداشت کرده بودیم، با هم در میان می‌گذاشتیم تا درباره هر یک از مباحث کتاب ریاضی نهم به نظری واحد برسیم.

خاطره حضور در این دوره و دیدار با دوستان مجازی یکی از به‌یادماندنی‌ترین خاطرات حضور من در گروه‌های تلگرام است؛ ضمن آنکه فهمیدم انتخاب نام کاربری و تصویر پروفایل مناسب توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در جلب اعتماد دیگر کاربران و همچنین، معرفی دقیق‌تر کاربر به افراد گروه تأثیرگذار باشد.

دیدار با دوستان
مجازی یکی از
به‌یادماندنی‌ترین
خاطرات
حضور من در
گروه‌های تلگرام
است؛ ضمن
آنکه فهمیدم
انتخاب نام
کاربری و تصویر
پروفایل مناسب
توسط کاربران
شبکه‌های
اجتماعی می‌تواند
در جلب اعتماد
دیگر کاربران و
همچنین، معرفی
دقیق‌تر کاربر
به افراد گروه
تأثیرگذار باشد

انسان اخلاقی در فضای مجازی

حسین شیخ رضائی

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

در شبکه‌های اجتماعی، تحقیقی نسبتاً معتبر نشان می‌دهد که تا سال گذشته دست‌کم ۵۳ درصد از ایرانیان عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند و حدود بیست میلیون ایرانی از تلگرام استفاده می‌کرده‌اند.

اما برای به‌دست آوردن تصویری واقع‌گرایانه‌تر از شیوه برخورد ما با شبکه‌های اجتماعی، این را هم در نظر بگیرید که به‌رغم این حجم استفاده و این میزان نفوذ، هنوز در رسانه‌های رسمی کشور مانند صدا و سیما یا در سخن تصمیم‌گیرندگان و سیاستمداران مرتبط با این حوزه، کمتر سخن مثبتی درباره فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌شنویم. سخن غالب در گفتمان رسمی کشور خطرات این فضا، انواع استفاده‌های نادرست از آن، بیماری‌های ناشی از اعتیاد به آن، مزایای انواع سیاست‌های محدودکننده و توطئه‌های مخوف بین‌المللی در پشت فضای مجازی است. در این گفتمان، اگرچه برنامه‌ها و افراد و نهادها هر کدام برای خود صفحه و کانال و گوشه‌ای در فضای مجازی دارند، از مثبت سخن گفتن درباره فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پرهیز می‌کنند.

در چنین جوی که در آن عموم مردم به راه خود می‌روند و بیش از متوسط‌های جهانی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و بعضی از سیاستمداران اصولاً چنین پدیده‌ای را به رسمیت نمی‌شناسند و منکر هرگونه مزیتی برای آن هستند، سخن گفتن از اخلاق فضای مجازی و به‌خصوص اخلاق شبکه‌های اجتماعی دشوار یا شاید ناممکن است. هر از گاهی خبر حمله کاربران ایرانی به سایت یا صفحه آن بازیگر و این ورزشکار و آن داور یا سیاستمدار را می‌شنویم و با خواندن حجم دشنام‌ها و میزان تعصب‌ها و نفرت‌ها پای آن صفحه، از خود شرمند می‌شویم و بعد، برای چند ساعتی سخن از اخلاق فضای مجازی می‌گوییم اما نمی‌دانیم چگونه می‌شود مشکل را به شکلی عقلانی طرح و درباره آن بحث کرد تا هم در زمره مخالفان سرسخت فناوری‌های دیجیتال قرار نگیریم و هم از موضوع ضرورت حفظ اخلاق در فضای مجازی سخن گفته باشیم.

در این میان، شاید معلمان و دست‌اندرکاران آموزش بتوانند با طرح موضوع اخلاق فضای مجازی در کلاس‌های درس و با دعوت از دانش‌آموزان برای بحث درباره آن نسل آینده را با این موضوع آشناتر کنند اما برای این کار از کجا می‌توان آغاز

بسیاری از ما این روزها زمان نسبتاً زیادی را در اینترنت یا به اصطلاح فضای مجازی می‌گذرانیم؛ خواه به دنبال یافتن مطلبی علمی باشیم، خواه اخبار را بخوانیم، خواه بازی کنیم و خواه در شبکه‌های اجتماعی مشغول پست گذاشتن و پست خواندن یا عکس گذاشتن و عکس دیدن و منتشر کردن نوشته‌ها و عکس‌های دیگران و سرک کشیدن در پروفایل آن‌ها باشیم. حتی اگر خودمان هم از معدود کسانی باشیم که هنوز از شهروندان این دنیای مجازی نشده‌اند، حتماً در مترو و اتوبوس و تاکسی و پیاده‌رو دیده‌ایم که دیگری سر در ابزار الکترونیکی خود دارند و با حرکت دادن دست روی صفحه روشن مقابلشان گاه می‌خندند و گاه سری تکان می‌دهند. پس، دست کم همه توافق داریم که در مقایسه با ده - پانزده سال پیش تغییر مهمی ایجاد شده است؛ واقعیتی به زندگی ما وارد شده که حتی اگر آن را مجازی هم بخوانیم، از واقعی بودنش کم نمی‌شود.

فقط برای اینکه اهمیت مطلب تا حدودی دستتان بیاید، به این گفته یکی از اعضای شورای عالی فضای مجازی کشور توجه کنید که «بیش از شصت درصد پهنای باند اینترنت در کشور صرف تلگرام می‌شود» و این را هم بدانید که به رغم نبود آمار و ارقام قابل اعتماد درباره میزان حضور ایرانیان



کرد؟ شاید در اینجا دو نکتهٔ مقدماتی از همه مهم‌تر باشد؛ نخست اینکه بپذیریم فناوری‌های دیجیتال و اطلاعاتی به‌رغم همهٔ مشکلاتی که ایجاد کرده‌اند چنان امکانات و توان‌هایی به ما داده‌اند که بدون آن‌ها جهان ما حتماً چیزی کم خواهد داشت. شکستن انحصار اطلاعاتی، متصل کردن افراد به هم، تسهیل زندگی، صرفه‌جویی در انرژی و هزینه‌ها، دادن فضای ابراز نظر به افراد گمنام و در حاشیه، کمک به آموزش و یادگیری، دموکراتیک کردن بسیاری از فرایندها که پیش از این انحصاری بوده‌اند و ده‌ها و صدها مورد دیگر را می‌توان بر این فهرست افزود. این‌ها البته همه در کنار مشکلاتی مانند در خطر افتادن حریم خصوصی، خطر دسترسی افراد نامربوط به اطلاعات، کم شدن زمان تعامل‌های چهره به چهرهٔ افراد، شکاف نسلی به دلیل اختلاف در مهارت استفاده از اینترنت، خطر هک شدن سایت‌ها و اطلاعات، امکان دزدی‌های سازمان‌یافتهٔ اطلاعات، کم شدن سرانهٔ کتاب‌خوانی و بسیاری موارد دیگر است. خلاصه اینکه نخستین گام برای طرح موضوع اخلاق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به رسمیت شناختن آن‌ها و توجه به مزایای مهم آن‌ها در کنار معایب و مشکلاتشان است.

نکتهٔ اساسی دوم تأکید بر این امر است که ما انسان‌هایی که از فضای مجازی استفاده می‌کنیم همان انسان‌هایی هستیم که در دنیای واقعی زندگی می‌کنیم و به هر دلیلی که مراعات اخلاق در دنیای واقعی لازم باشد، دقیقاً به همان دلیل لازم است در فضای مجازی هم اخلاق را رعایت کنیم. اخلاق برای انسان‌هاست نه برای فضاها. پس، مادام که انسانی واحد در فضای مجازی و واقعی زندگی می‌کند، رعایت اصول اخلاقی برای او لازم است. بر همین مبنا، قواعد و اصول بنیادین اخلاقی حاکم بر فضای مجازی همان قواعد و اصول بنیادین حاکم بر فضای واقعی است. اگر دروغ‌گویی و دزدی و تقلب در فضای واقعی نادرست است، به همان دلایل در فضای مجازی نیز نادرست خواهد بود، و باز در تکمیل مطالب باید گفت میان فضای مجازی و فضای واقعی پیوستگی و اتصال مهم وجود دارد. امروزه این دو حوزه چنان در هم تنیده‌اند که مرز کشیدن میان آن‌ها دشوار شده است. پس باز به این دلیل، نیاز به رعایت اخلاق در فضای مجازی به همان دلایل نیاز به رعایت اخلاق در فضای واقعی توجیه خواهد شد.

علاوه بر این دو نکتهٔ مقدماتی می‌توان دانش‌آموزان را از راه مواجه کردن آنان با مسائل و موارد اخلاقی در فضای مجازی به تأمل دربارهٔ اخلاق در فضای مجازی دعوت کرد و به آنان نشان داد که این فضای تازه مسائل اخلاقی تازه‌ای نیز به همراه دارد. مثلاً یک پرسش جالب این است که وجود هویت‌های مجازی ساختگی و جعلی در شبکه‌های اجتماعی، یعنی به اصطلاح پروفایل‌هایی که شخصیتی واقعی با آن نام‌ها و عناوین پشتشان نیست، چه مسائل اخلاقی خاصی

ایجاد می‌کند. چرا اگر کاربری با اسم مستعار وارد بحثی شود یا با اسم مستعار نظرش را در زیر نوشتهٔ کسی بگذارد، چیزی خواهد نوشت که با نوشتهٔ او وقتی هویتش معلوم باشد فرق می‌کند؟ شنیدن تجارب دانش‌آموزان از تجربهٔ کسب هویت‌های تازه در فضای مجازی و بحث دربارهٔ مزایا و معایب آن و راه‌های کاستن از مشکلات هویت جعلی از جمله بحث‌هایی است که می‌تواند دانش‌آموزان را نسبت به اخلاق فضای مجازی حساس کند.

**رسیدن به
فهرست‌هایی
متفاوت از
مرامنامه‌های
اخلاقی
پیشنهادی
گروه‌های
دانش‌آموزی و
آنگاه بحث دربارهٔ
آن‌ها در کلاس و
تلاش برای قانع
کردن دیگران
از فعالیت‌های
سازنده‌ای است
که حساسیت‌های
اخلاقی را افزایش
خواهد داد**

موضوع دیگر دعوت از دانش‌آموزان به فعالیت‌های سازنده است؛ دعوت از آنان برای کار گروهی در مورد تدوین مرامنامه‌ای اخلاقی برای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی. اگر قرار باشد دانش‌آموزان متولی و مسئول تنظیم اخلاقیات در فضای مجازی باشند، چه اموری را در اولویت قرار می‌دهند و توجیهشان برای این امور چیست. رسیدن به فهرست‌هایی متفاوت از مرامنامه‌های اخلاقی پیشنهادی گروه‌های دانش‌آموزی و آنگاه بحث دربارهٔ آن‌ها در کلاس و تلاش برای قانع کردن دیگران از فعالیت‌های سازنده‌ای است که حساسیت‌های اخلاقی را افزایش خواهد داد. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، می‌توان دربارهٔ محتواهای غیراخلاقی برخی سایت‌ها و کانال‌ها با دانش‌آموزان بحثی ترتیب داد؛ اینکه اصولاً محتوای غیراخلاقی چیست

و چه نشانه‌هایی برای شناخت آن وجود دارد؛ اینکه چرا برخی محتواها برای همهٔ گروه‌های سنی مناسب نیست، چرا لازم است تا پیش از رسیدن دانش‌آموزان به سن قانونی نظارتی بر نحوهٔ استفادهٔ آن‌ها از اینترنت وجود داشته باشد، مرجع اعمال این نظارت کیست و این مرجع تا کجا مجاز به محدود کردن دانش‌آموزان است. توجه به این نکته لازم است که محتوای غیراخلاقی محدود به سایت‌های هرزه‌نگاری نیست و سایت‌ها و کانال‌های مروج خشونت، نژادپرستی، اقدامات جنگ‌طلبانه و مواردی از این‌گونه را هم شامل می‌شود. چنین بحث‌هایی سبب خواهد شد به جای صحبت‌های درگوشی و مخفیانه، دانش‌آموزان دغدغه‌های خود را در فضایی عمومی و باز مطرح کنند.

واقعیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در آینده بیش از فضای واقعی خواهد بود. با پرده کشیدن به روی موضوع و انکار آن مشکلی حل نخواهد شد. ما نیاز داریم علاوه بر تشویق و ترغیب استفاده‌های درست از این فضا، دربارهٔ ابعاد اخلاقی آن هم بیندیشیم و از پیش، برای آنچه قرار است در آینده بخش عمدهٔ زندگی نسل بعد را بسازد، راهکارهای اخلاقی اتخاذ کنیم.

لطفاً راهنمایی ام کنید

۱۳۹۵
۴

رویا صدر
تصویرگر: سام سلماسی

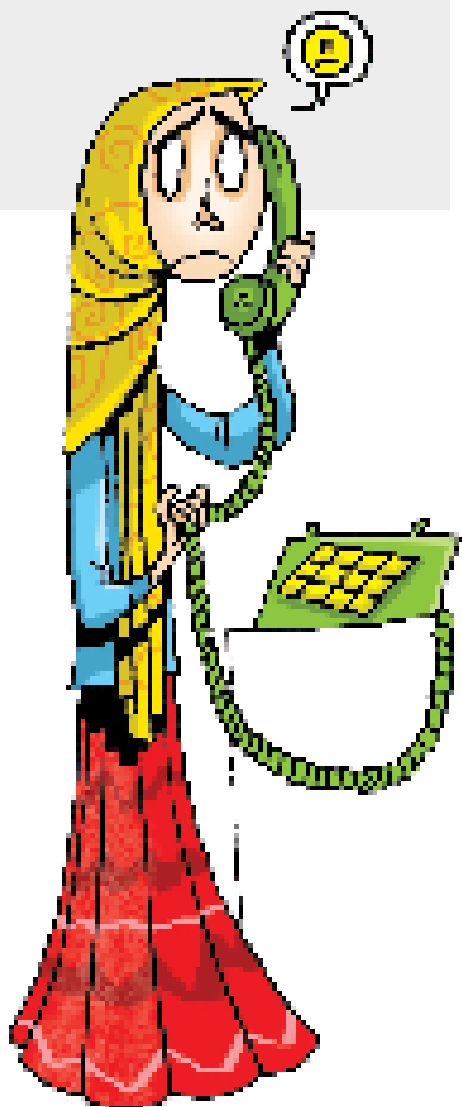


● تو رو خدا به این معلما بگین فکر بچه‌ها باشن. این قدر بهشون درس ندن. بچه‌ها شب تا صبح و صبح تا شب می‌شینن پای کامپیوتر و درس می‌خوانن. حتی خونه مادر بزرگشم نمی‌یاد و می‌گه درس دارم و اونجا وای‌فای نداره... مرتباً می‌گه در اتاقو ببند دارم درس می‌خونم. بالای سرش می‌رم؛ زود دستگاو خاموش می‌کنه و می‌گه مزاحم درسش شدم... از خواب و خوراک افتاده... شما بگین چکار کنم؟

○ از پس داره درس می‌خوانن می‌ترسم خدای نکرده بزرگ شد، سربار اجتماع بشه. خوشبختانه این‌طور که معلومه، مطالعات فرزند دلبندتون خارج از برنامه درسیه. بنابراین، خطری تهدیدش نمی‌کنه و بعدها هم سربار اجتماع نمی‌شه. شما هم می‌تونید راحت به کار و زندگی تون برسید و لحظات خلوت و تنهایی‌اش را با کنجکاوی‌های بیهوده تلخ نکنید. او فکر سلامت روحی و روانی و اخلاقی شماست و دلش نمی‌خواد خدای ناکرده با دیدن و خواندن چیزایی که خودش می‌بینن و می‌خوانن مشکلی براتون پیش بیاد.

● سلام مشاور عزیز. من به همسرم اس ام اس زدم: «اصغرا داری میای خونه، سر راحت نون بربری بگیر.» اون وقت برای کسی دیگر ارسالش کردم. لطفاً بگویند چه خاکی به سرم بکنم؟

○ اشکال ندارد. لازم نیست هیچ خاکی به سرتان بکنید. بگویند این جمله را از برتراندراسل در یک گروه تلگرامی خوانده‌اید و آن را برایش فرستاده‌اید تا فهم و درکش بالا برود. مطمئن باشید او به خواندن این جمله‌های بی‌ربط و انتساب آن‌ها به آدم‌های معروف عادت دارد.



● همسرم مدام من رو در زندگی تأیید می‌کنه و می‌گه آره تو راست می‌گی. هیچ حرفی نمی‌زنه. حرف که می‌زنم سرشو می‌اندازه پایین و می‌گه بگو؛ گوشم با تونه. هیچ حرکتی در خانه نمی‌کنه. هیچ مخالفتی نمی‌کنه. هیچ جروبحثی نمی‌کنه. هیچ ایرادی نمی‌گیره. دریغ از اینکه مثلاً بگه چرا گوشهٔ میز خاک گرفته... دیگه از این زندگی خسته شده‌ام. لطفاً راهنماییم کنید. خانم راهش اینه که شما هم مثل ایشان یک موبایل بگیرید و عضو چند گروه تلگرامی و اینستاگرام بشوید. قول می‌دهم اگر ایشان از این به بعد در خانه حتی فیل هم هوا کنه، دیگر متوجهش نشوید.

● من معلم را دوست دارم. او به من درس زندگی و درس‌های دیگری از این قبیل می‌دهد. من بالا رفتن سطح دانشم را اول به او و سپس به برخی دیگر از مؤسسات و مشاوران آموزش و لوآرم‌التحریر پیک و این‌ها مدیونم... یه پست بزرگان می‌خوام با چند تا جمله از همین چیزا برا گذاشتن تو فیس‌بوک که بترکونه... می‌خوام بذارمش پای عکسی که با بر و بیج سر کلاس گرفتیم... شوما سراغ نداری؟

○ عزیزم اون که زیاده جملهٔ قصار. می‌توننی جست‌وجو کنی: «جملاتی که با این دو تا گوش خودم از هوشتره و... کورش کبیر در رابطه با روز معلم شنیدم» دریایی از مطلب برات می‌یاد.

شبکه‌های اجتماعی راه حل موقت یا مـوازی؟!

مریم فرحمند

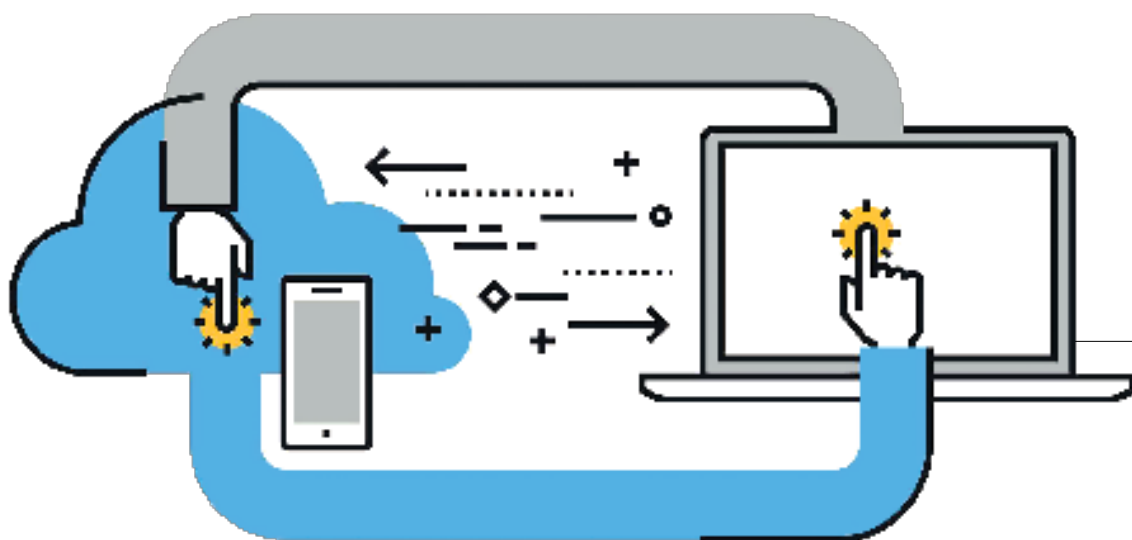
فعالیت‌ها و گفت‌وگوها معلم محور هستند. همین عوامل باعث استفاده روز افزون از شبکه‌های اجتماعی در آموزش شده‌اند. آیا واقعاً می‌توان از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان بستر مناسبی برای آموزش در کلاس درس استفاده کرد؟ آیا معماری فرایپوندی^۵ آن‌ها که اخیراً ثابت شده می‌تواند عامل حواس‌پرتی باشد تا تمرکز، در یادگیری دانش‌آموزان تأثیر منفی ندارد؟^۶

آیا شبکه‌های اجتماعی با اینکه منعطف‌اند و کار کردن با آن‌ها عموماً به گذراندن دوره‌های آموزشی و آموختن مهارت‌های ICT نیاز ندارند، می‌توانند بدون توجه به استانداردها، جایگزین نرم‌افزارهای مدیریت محتوا شوند؟

با طرح این پرسش‌ها شاید بهتر باشد شبکه‌های اجتماعی را که در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند، مرور کنیم. معمولاً شبکه‌های اجتماعی شامل تمامی ابزارها و خدمات دیجیتالی شامل وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و یا برنامه‌هایی مانند واتس‌آپ و تلگرام است. استفاده از بعضی سرویس‌ها و آموختن شیوه استفاده از آن‌ها اغلب باتوجه به فیلترینگ هوشمندی که در کشور جریان دارد، صورت می‌گیرد. بنابراین، از ابزارهایی مانند فیس‌بوک و یا توئیتر کمتر در حوزه کار و مدرسه استفاده می‌شود و کاربرد آن‌ها در همان حوزه استفاده شخصی می‌ماند اما برخی دیگر، مانند تلگرام، کاربرد بسیار فراگیری پیدا می‌کنند. حتی گفت‌وگو با برخی معلمان نشان می‌دهد با اینکه مدرسه سیستم مدیریت محتوا دارد، آن‌ها ترجیح می‌دهند از بستری مانند تلگرام استفاده کنند. مزایای استفاده از تلگرام هم کم نیست؛ برای مثال، فایل در قالب‌های مختلفی از جمله ویدیو و صدا قابل استفاده است، در سایزهای بزرگ بارگذاری و هم‌رسانی می‌شود. امکان تشکیل

چند سالی است شبکه‌های اجتماعی با کاهش محدودیت سنی برای عضویت، رایگان شدن، فراهم آمدن دسترسی بهتر به اینترنت و گوشی‌های تلفن هوشمند در بین عموم به‌عنوان بستری برای آموزش رسمی و غیررسمی در بسیاری از کشورها مطرح شده‌اند. استقبال آموزشی آن قدر بوده است که سازندگان برخی از این شبکه‌ها، تبلیغات و دوره‌های آموزشی خاصی برای برگزاری کلاس‌های درس برخط (آنلاین) تدارک دیده‌اند یا ویژگی‌هایی را که مناسب کار معلم و دانش‌آموز است به ساخته‌های خود اضافه کرده‌اند. مشارکت، همکاری، تعامل، ارتباط، هم‌رسانی، انتشار محتوا، انعطاف و سفارشی‌سازی براساس نیازها^۱ از محاسن شبکه‌های اجتماعی، و نظر گذاشتن، پسندیدن، به اشتراک گذاشتن، پاسخ دادن، رأی دادن و ندادن و غیره از قابلیت‌های آن‌هاست. به‌موازات شبکه‌های اجتماعی، سامانه‌های آموزش مجازی و مدیریت محتوا^۲ مانند مودل^۳ و تخته‌سیاه^۴ - که مختص آموزش رسمی هستند - سال‌هاست طراحی شده‌اند و از لحاظ محاسن و قابلیت‌ها به شبکه‌های اجتماعی نزدیک‌اند اما محبوبیت کمتری دارند.

از دلایل برتری شبکه‌های اجتماعی بر سامانه‌های مدیریت محتوا می‌توان به سرعت، آسانی استفاده و انعطاف آن‌ها اشاره کرد. شبکه‌های اجتماعی از لحاظ زیرساخت‌های نرم‌افزاری پیوسته در حال توسعه و بازسازی هستند و بنابراین، استفاده کنندگان اغلب با آخرین نسخه‌های وارد شده به بازار، کار می‌کنند. به علاوه، چنانچه در کلاس مورد استفاده قرار گیرند دانش‌آموزان می‌توانند همراه و هم‌طراز بایکدیگر و با معلم به تعامل و مشارکت بپردازند. همین عامل باعث می‌شود تا فعالیت‌ها، دانش‌آموز محور شوند اما در سامانه‌های مدیریت محتوا معلم فقط نقش مدیریت را برعهده دارد و در نتیجه



**چنانچه مدرسه و
یا معلم هنوز به
نرم افزار آموزشی
استانداردی
دسترسی
ندارند، استفاده
از شبکه های
اجتماعی شاید
راه حل موقت
مناسبی باشد.
در غیر این صورت
شبکه های
اجتماعی می تواند
در کنار بسترهای
آموزش مجازی نه
به جای آن ها قرار
گیرد**

گروه و کانال با عضویت بیش از ۱۰۰۰ نفر امکان پذیر است، گفت وگوهای غیررسمی که باعث صمیمت بیشتر دانش آموزان و معلم می شود، داغ تر است و بالاتر از همه این مزایا استفاده از تلگرام بسیار آسان است. با این حال، هنوز بسیاری از کارشناسان بر این باورند که سیستم های مدیریت یادگیری و محتوا استانداردهایی دارد که بسیاری از شبکه های اجتماعی فاقد آن ها هستند. برای مثال، در جدول این یازده قابلیت مهم یک بستر آموزشی در مودل و تلگرام مقایسه شده است. این جدول به سادگی نشان می دهد که آنچه برای مدیریت کلاس و فرایند یادگیری بدان نیاز دارد و در بسترهای آموزشی تأمین شده است، در شبکه های اجتماعی وجود ندارد. چنانچه مدرسه و یا معلم هنوز به نرم افزار آموزشی استاندارد دسترسی ندارند، استفاده از شبکه های اجتماعی شاید راه حل موقت مناسبی باشد. در غیر این صورت شبکه های اجتماعی می تواند در کنار بسترهای آموزش مجازی نه به جای آن ها قرار گیرد.

* پی نوشت ها

- Poore, M. (2015). Using social media in the classroom: A best practice guide. Sage.
- VLMS و LMS
- Moodle
- Blackboard
- Hyperlink architecture
- Nel, L. (2015). Technological utopia, dystopia and ambivalence: Teaching with social media at a South African university. British Journal of Educational Technology, 46(3), 629-648.

ردیف	ویژگی های مهم یک بستر آموزشی	تلگرام	مودل
۱	مدیریت کاربران، دوره ها، نقش ها و تولید گزارش از وضعیت تحصیلی دانش آموزان	-	✓
۲	داشتن تقویم خودکار برای اطلاع رسانی تحویل تکالیف، امتحانات و سایر رویدادهای آموزشی	-	✓
۳	پیام دادن به کاربران به صورت شخصی	✓	✓
۴	پیام دادن به گروهی از کاربران انتخاب شده در یک دوره	-	✓
۵	امکان برگزار کردن آزمون های بر خط (آنلاین) و پرسش های متنوع کلاسی با استفاده از امکانات خود بستر و بدون نیاز به استفاده از نرم افزار دیگر	-	✓
۶	امکان نشان دادن نتایج آزمون ها و وضعیت تحصیلی در خود نرم افزار	-	✓
۷	دسته بندی محتوا به صورت آرشیوی منظم	-	✓
۸	امکان ردیابی و پیگیری پیشرفت تحصیلی با استفاده از تحلیل های نرم افزار	-	✓
۹	نمره دهی خودکار در آزمون ها	-	✓
۱۰	وارد کردن، خارج کردن و پنهان کردن اطلاعات مهم از دوره	-	✓
۱۱	امنیت اطلاعات کاربران	-	✓

ادمودو؛ پاتوقی برای آموزش

محمد صادق اسماعیلی سراجی
نادیا غلامی پور باروق



کلیه جلسات تدریس بین دو کلاس کاملاً یکسان بود. در گروه آزمایش، معلم برای تعامل بیشتر با دانش‌آموزان از شبکه اجتماعی آموزشی Edmodo استفاده کرد. این شبکه اجتماعی در سال ۲۰۰۸ در کالیفرنیا ایالات متحده تأسیس شد.

Edmodo یک شبکه یادگیری اجتماعی برای معلمان، دانش‌آموزان، والدین و کلیه ذی‌نفعان بلاواسطه است که با هدف برقراری ارتباط میان کارکنان مدارس و تعامل با والدین دانش‌آموزان به وجود آمده است. در سال ۲۰۱۳ سایت صد ابزار برتر یادگیری Edmodo را در رتبه ۲۹ام خود جای داد. Edmodo با بیش از ۷۱ میلیون کاربر معلم و دانش‌آموز، بزرگ‌ترین شبکه یادگیری اجتماعی رایگان در جهان است و این فرصت طلایی را برای معلمان فراهم می‌کند تا دامنه یادگیری حرفه‌ای خود را تقویت کنند و گسترش دهند. این شبکه با ارائه قابلیت‌هایی چون ارسال و دریافت تکالیف آموزشی، نظرخواهی، ارسال و دریافت پاسخ دانش‌آموزان، بارگذاری کلیپ‌های ویدئویی، ایجاد گروه‌های یادگیری و برگزاری آزمون‌های گوناگون یکی از موفق‌ترین شبکه‌های یادگیری اجتماعی است و این امکان را نیز به والدین می‌دهد که به‌طور کامل در جریان روند آموزش فرزندان خود قرار بگیرند.

در شروع کار، مشکلاتی بر سر راه ما قرار داشت که با صبر و حوصله و کمک اولیای مدرسه و همچنین همکاری و علاقه‌مندی دانش‌آموزان برطرف شد. برای مثال، جهت آشنا کردن دانش‌آموزان با این شبکه اجتماعی، دو جلسه آموزشی

صبح و ظهر و شب، در مدرسه، مهمانی، اتومبیل و ... در هر زمان و مکانی و در هر سن و سال و طبقه و گروهی، شبکه‌های اجتماعی همان چیزی است همیشه همراه ماست. کامپیوتر شخصی، لپ‌تاپ، تبلت و موبایل ... خلاصه با هر وسیله‌ای سعی می‌کنیم زمانی از شبانه‌روز را در این شبکه‌ها سپری کنیم و علاوه بر تعامل بر دیگران، اطلاعات گوناگونی نیز به دست آوریم. امروزه اغلب کاربران اینترنت در سراسر جهان و کشور ما، عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند و این شبکه‌ها به ابزارهایی محبوب و تأثیرگذار در برقراری ارتباطات اجتماعی تبدیل شده‌اند. پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی در زمینه تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر آموزش و پرورش انجام شده است و هر یک از آن‌ها جنبه‌های خاصی از آموزش و پرورش را مورد بررسی قرار داده‌اند. تأثیر این شبکه‌ها بر جذب دانش‌آموزان به امر یادگیری، تأثیر بر جذب و تطابق مطالب درسی، بهبود روابط اجتماعی معلم دانش‌آموز، افزایش انگیزه یادگیری ... از جمله مواردی هستند که تاکنون تحقیقاتی درباره آن‌ها به عمل آمده است.

ما نیز تصمیم گرفتیم تأثیر استفاده از این شبکه‌ها را بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بررسی کنیم. برای این بررسی، به سراغ دانش‌آموزان پایه اول متوسطه دوم رفتیم تا تأثیرات مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی آموزشی بر درس زبان انگلیسی این پایه را بررسی کنیم. به دنبال شناسایی مدارس که امکانات و زیرساخت‌های لازم را برای هدف ما در اختیار داشتند، به‌طور تصادفی یک مدرسه را انتخاب کردیم. پس از جلب رضایت اولیای مدرسه، از میان دو کلاس پایه اول، یک کلاس را به عنوان گروه آزمایش و کلاس بعدی را به عنوان گروه کنترل تعیین کردیم. برای هر دو کلاس یک معلم زبان انگلیسی در نظر گرفته شد و الگوی تدریس و طرح درس در

ویژه در نظر گرفتیم و چگونگی عضویت و استفاده از امکانات آن را به دانش‌آموزان آموزش دادیم. از سوی دیگر، دو جلسه آموزش خانواده نیز در مدرسه برگزار شد. در جلسه اول، اطلاعات لازم و کافی در مورد این شبکه و دلیل استفاده از آن و اهدافش در اختیار والدین قرار گرفت و به آنان اطمینان داده شد که محیط این شبکه کاملاً امن، علمی و آموزشی است. همچنین آنان می‌توانند فعالانه در شبکه حضور داشته باشند و شرایط آموزشی و فعالیت‌های فرزند خود را کنترل کنند یا با معلم فرزند خود در ارتباط باشند. در جلسه دوم نیز نحوه استفاده از شبکه Edmodo به تفصیل به والدین آموزش داده شد و بروشورهای آموزشی میان آن‌ها توزیع گردید.

پس از طی مراحل یاد شده، شرایط برای شروع کار آماده بود. معلم پس از ارائه هر درس در کلاس، علاوه بر تکالیف و تمرین‌های معمول، متناسب با موضوع درس، اطلاعات، ویدئوها، عکس‌ها، سؤالات تکمیلی، تکالیف و آزمون‌های مرتبطی را در شبکه به اشتراک می‌گذاشت و دانش‌آموزان در کنار استفاده از اطلاعات جدید، برای حل تکالیف با یکدیگر در تعامل بودند و اشکالات یکدیگر را رفع می‌کردند. والدین نیز بر کار آنان نظارت می‌کردند و کاملاً در جریان روند آموزش قرار داشتند. معلم در صورت نیاز بازخوردهای لازم را لحاظ می‌کرد و نظرات والدین را نیز مورد توجه قرار می‌داد.

پس از مدت بسیار کوتاهی، روابط میان دانش‌آموزان و معلم و نیز والدین بهبود قابل توجهی یافت. والدین از اینکه به‌طور روزانه و یا هفتگی در جریان پیشرفت درسی فرزند خود قرار می‌گرفتند، بسیار راضی بودند و برخی می‌گفتند که ویدئوها و عکس‌های ارسالی در شبکه برای آنان نیز جذابیت دارد. دانش‌آموزان از اینکه در هر زمان و مکانی با دوستان و معلم خود ارتباط دارند و می‌توانند محتوا تولید کنند و نظرات سایرین را درباره پاسخ‌ها یا سؤالات خود دریافت کنند، بسیار خوشحال بودند. همین امر انگیزه آنان را برای فعالیت بیشتر و یادگیری بهتر افزایش داده بود.

پس از گذشت مدت زمان تعیین‌شده، آزمون‌های هر دو گروه به عمل آمد. بررسی نتایج مشخص کرد و گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل، پیشرفت تحصیلی در خود توجهی داشته است. علاوه بر این، موارد دیگری نیز مشاهده شد که بر افزایش علاقه دانش‌آموزان به فرایند آموزش با استفاده از شبکه‌های اجتماعی

مؤثر بود و هر یک از این موارد در جای خود می‌تواند مورد بررسی بیشتر قرار بگیرد. از آن جمله می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد:

- ارتباط با مدارس و دانش‌آموزان سراسر جهان؛
- ارتباط شبانه‌روزی با معلم؛
- تعامل مجازی مستمر با دوستان و هم‌کلاسی‌ها؛
- مشارکت پویای خانواده‌ها در امر آموزش؛
- امکان بیان آزادانه ایده‌ها و نظرات توسط دانش‌آموزان.

شاید برای شما این سؤال به وجود آمده باشد برای استفاده از شبکه ادمودو چه مرحله‌ای باید طی شود. بهترین پاسخ احتمالاً همان پاسخ سازندگان ادمودو است:

- (۱) از سایت Edmodo.com دیدن کنید و حساب کاربری معلم در آن ایجاد کنید.
- (۲) برای استفاده از Edmodo برنامه‌ریزی کنید و هدف خود را تعیین نمایید.
- (۳) بروشوری از نحوه کار با Edmodo تهیه کنید و آن را در اختیار دانش‌آموزان و والدینشان قرار دهید.

- (۴) برای کلاستان یک گروه ایجاد کنید و کد دسترسی آن را در اختیار دانش‌آموزانتان بگذارید.
- (۵) قوانین و راهنمای استفاده از Edmodo را در کلاس بر خط (آنلاین) خود منتشر کنید.
- (۶) منابع دیجیتال را روی Edmodo قرار دهید تا دانش‌آموزان آن‌ها را بارگیری کنند.
- (۷) از دانش‌آموزانتان درباره فرایند آموزش نظرخواهی کنید.

- (۸) چکیده‌ای از کلاس درس حضوری تهیه کنید و آن را در شبکه Edmodo بارگذاری نمایید.
- به این ترتیب، دانش‌آموزان همواره به محتوای کلاس دسترسی خواهند داشت.

- (۹) بخشی از تکالیف درسی را در Edmodo از دانش‌آموزانتان بخواهید.

- (۱۰) دانش‌آموزانتان را ارزشیابی کنید و نتایج آن بخش از ارزشیابی را که مربوط به والدین است، با آن‌ها به اشتراک بگذارید.



Edmodo یک شبکه یادگیری اجتماعی برای معلمان، دانش‌آموزان، والدین و کلیه ذی‌نفعان بلاواسطه است که با هدف برقراری ارتباط میان کارکنان مدارس و تعامل با والدین دانش‌آموزان به وجود آمده است



شبکه‌های یادگیری

محمد علی اسماعیل زاده اصل

عضو شورای راهبری گروه آموزشی و پژوهشی آسمان در دانشگاه صنعتی شریف

یادگیری و توان‌افزایی تبدیل می‌شوند و بعضی به مکانی برای صحبت‌های حاشیه‌ای و باز ارسال مطالب غیر مستند. گروه‌های یادگیرنده بر اثر اتفاق در شبکه‌های اجتماعی به وجود نمی‌آید و به طراحی و اجرای مناسب نیاز دارد.

با توسعه شبکه‌های اجتماعی کلاس‌های درس دیگر به زمان و مکان خاصی محدود نیستند. جمع‌های یادگیرنده می‌توانند در هر ساعتی از شبانه‌روز و از هر مکانی، فعالیت‌ها و تجربه‌های خود را مستند کنند و به اشتراک بگذارند. این جمع‌های یادگیرنده ممکن است دانش‌آموزانی باشند که از طریق شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر و با معلمان‌شان در ارتباط‌اند، معلمانی که در یک مدرسه کار می‌کنند یا در یک دوره آموزشی با یکدیگر آشنا شده‌اند یا گروهی از دوستان که از شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند یا یک گروه کاری که با هم برای آماده‌سازی و چاپ همین مجله کار می‌کنند.

جمع‌های یادگیرنده در شبکه‌های اجتماعی این فرصت را ایجاد می‌کنند تا افراد خارج از فضای کلاس یا جلسات رسمی و در زمانی که آرامش و آمادگی ذهنی بیشتری دارند، در فعالیت‌ها مشارکت کنند. با این حال، تجربه ایجاد، مدیریت و حضور در گروه‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که همه گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی کیفیت یکسانی ندارند. بعضی از گروه‌ها به دانشکده‌هایی برای

مرحله اول: تعیین اهداف

باید بتوانیم بگوییم که به‌طور مشخص چه هدف‌هایی از تشکیل گروه داریم. در مرحله تعیین اهداف، باید اهداف سایر ذی‌نفعان را هم در نظر بگیریم. ذی‌نفعان کسانی هستند که می‌توانند بر گروه اثر بگذارند یا از فعالیت‌های گروه اثر بپذیرند یا از آن منتفع شوند. مثلاً در یک گروه درسی که برای درس مطالعات اجتماعی تشکیل می‌شود و معلم درس و دانش‌آموزان عضو آن هستند، علاوه بر اعضای گروه، سایر معلمان و مدیر مدرسه، رئیس اداره آموزش و پرورش یا خانواده‌های دانش‌آموزان هم ممکن است ملاحظات داشته باشند که لازم است در طراحی گروه مورد نظر قرار گیرد.

۲

مرحله دوم: معماری

در این مرحله، با در نظر داشتن اهدافی که در مرحله اول مشخص شده‌اند، نقاط قوت و ضعف رسانه‌های مختلف را بررسی و روش‌های تعامل و تبادل اطلاعات را تعیین می‌کنیم؛ مثلاً ممکن است به این فکر کنیم که برای رسیدن به اهدافمان استفاده از یک وبلاگ یا فروم مناسب‌تر است، یا یک گروه یا کانال در شبکه‌های اجتماعی. در واقع، خیلی وقت‌ها هیچ رسانه‌ای به تنهایی تمام خواست‌های ما را برآورده نمی‌کند و به ترکیبی از رسانه‌ها نیاز داریم؛ مثلاً گاهی در کنار یک گروه به یک کانال یا فروم هم نیاز داریم که آرشیو مطالب برگزیده‌ای باشد که در گروه مطرح شده‌اند. مدیریت کانال یا فروم می‌تواند با چند نفر از اعضای گروه باشد و مطالب آن برای استفاده اعضای گروه یا عموم مردم در نظر گرفته شود. همچنین، در این مرحله باید مشخص کنیم که چه ریسک‌هایی برای رسانه انتخاب شده وجود دارد و برای پوشش دادن هر یک از ریسک‌ها چه راه‌حلی داریم؛ مثلاً برای مقابله با ریسک پاک شدن داده‌ها یا حملات سایبری به سرورهای شرکت ارائه‌کننده خدمات، باید مشخص کنیم که از داده‌ها به چه صورتی پشتیبان‌گیری می‌شود و چه کسانی به داده‌های پشتیبان دسترسی دارند.

۳

مرحله سوم: راهبری

پیچیده‌ترین فعالیت راهبری تشکیل و اداره یک گروه فعال است که در آن همه اعضا با هم در ارتباط‌اند. اعضای گروه ممکن است به شیوه‌ها و بهانه‌های مختلف با هم درگیر شوند یا درگیر مسائل سیاسی و حاشیه‌های نامربوط به گروه کنند. رفتار گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی طی دو روز پس از آن دشوار خواهد بود. اگر در مرحله معماری، قوانینی برای گروه طراحی شده باشند، ممکن است در ابتدا در گروه مطرح شوند و با همراهی اعضای گروه تکمیل و تصویب گردند. البته افراد به قوانینی که خودشان تعیین می‌کنند پایبندترند و فضای دوستانه‌تری را حس می‌کنند. قوانین یک گروه راهنمایی کلی است که نشان می‌دهد در آن گروه در چه زمینه‌هایی می‌شود گفت‌وگو کرد و اصول اخلاقی حاکم بر گروه و نحوه تعامل افراد چه چیزهایی هستند. البته مهم است که رعایت قانون برای تمام اعضای گروه یکسان باشد و خود مدیران گروه هم قوانین را رعایت کنند.

۴

مرحله چهارم: بازنگری

در حین راهبری گروه، لازم است مراحل بالا را بازنگری و باز طراحی کنیم؛ مثلاً گاهی ممکن است متوجه شویم که قوانین نوشته شده با آنچه اجرا می‌شود، متفاوت است. در این صورت، ممکن است بعد از مدتی با همراهی اعضا، قوانین گروه را تغییر دهیم یا از اعضای گروه بخواهیم که قوانین را رعایت کنند. البته خیلی وقت‌ها ممکن است به این نتیجه برسیم که فضایی برای رهایی از قانون لازم است؛ مثلاً در یکی از گروه‌ها که در ابتدای هفته موضوع بحث هفتگی اعلام می‌شد و افراد اجازه نداشتند خارج از موضوع صحبت کنند، بعد از مدتی اعضای گروه اعلام علاقه‌مندی کردند که یک روز در هفته را به بحث آزاد اختصاص دهند تا بتوانند در زمینه‌های مورد علاقه‌شان تعامل کنند و با هم بیشتر آشنا شوند.

بله بله

تاعدالت آموزشی

سعید محمد براوی

مدیر مرکز آموزش احسان شهر خور لارستان شیراز

عدالت آموزشی با استفاده از بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات، در شهر خور لارستان تأسیس شد. ما در این مرکز، نخست به منظور آماده کردن زیرساخت‌ها، با پیاده‌سازی نقشه راه هوشمندسازی مدارس به طور هم‌زمان و متعادل در سه محور سخت‌افزار، نرم‌افزار و آموزش (کادر اداری-آموزشی، اولیا و دانش‌آموزان) فعالیت خود را آغاز نمودیم. برای رعایت استانداردهای حداقل سواد کاربری رایانه، نمایندگی بنیاد بین‌المللی آی‌سی‌دی‌آل را (که در ایران وزارت آموزش و پرورش نمایندگی آن را به عهده دارد) در لارستان تأسیس کردیم. سپس با در نظر گرفتن مخاطب، دوره‌های کودکان الکترونیک، شهروند الکترونیک و مهارت‌های مختلف آی‌سی‌دی‌آل را برای گروه‌های هدف برگزار نمودیم که گامی اساسی در بهره‌وری از فرصت‌های فضای مجازی به حساب می‌آید.

فناوری‌های نوین، مانند سایر ابعاد زندگی بشر، شیوه‌های تعلیم و تربیت را دستخوش تغییرات بنیادین نموده است. یکسان شدن روزافزون دسترسی‌ها به متن و صدا و تصویر در نقاط مختلف زمین و هوا و حتی فضا، بسیاری از هزینه‌ها را کاهش داده یا حذف کرده و بر میزان بهره‌وری از زمان، آموزش و پژوهش بسیار افزوده است. بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، کلاس‌ها و دوره‌هایشان را به صورت برخط (آنلاین) برگزار می‌کنند و گواهی‌نامه‌های معتبر بین‌المللی اعطای می‌نمایند.

اما هنوز حاشیه‌نشینان از ثمرات ارزشمند این تحول، به نحو شایسته‌ای بهره‌مند نشده‌اند و محرومیت آموزشی در بسیاری از نقاط کاملاً مشهود است. حل این مسئله مهم نیاز به اجرای طرحی الگو در نقطه‌ای مناسب و دور از مرکز را ضروری می‌نمود.

بر این اساس، در سال ۱۳۹۱ پس از انجام مطالعات لازم مرکز «احسان» با هدف توسعه

کارگروه‌های مجازی آموزشی به تفکیک پایه و دروس برای آموزگاران تشکیل شده است که سرگروه‌های آموزشی توانمند از سراسر کشور اداره این گروه‌ها را به عهده می‌گیرند و ضمن تبادل تجربه با همکاران، کتب را صفحه به صفحه با برنامه‌ریزی منظم، بررسی و تحلیل می‌کنند



اعطای گواهی‌نامه بین‌المللی کودکان الکترونیک در پایه سوم دبستان، از نتایج مطلوب این طرح محسوب می‌شود.

گام بعدی در این مرکز، راه‌اندازی کلاس‌های آموزشی در فضای مجازی (وبگاه مرکز و شبکه‌های اجتماعی) بود که بازخورد و نتایج مطلوبی داشته است و در ادامه به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ارتباط اولیای مدرسه و دانش‌آموزان
اعمال مدیریت آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان از طریق نظام مدیریت آموزشی مرکز، که در وبگاه آموزشگاه طراحی شده است.

۲. برگزاری کلاس‌های برخط (آنلاین) با استفاده از سیستم مدیریت محتوای آموزشی؛
الحاق نرم‌افزار نفیسا^۱ به وبگاه آموزشگاه، این امکان را برای آموزگار فراهم می‌کند که ضمن برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و کنترل کلاس از راه دور، محتواهای بارگذاری شده را که شامل آموزش، بازی، تمرین و آزمون است، اجرا نماید.

۳. هم‌زمان با برگزاری کلاس‌های برخط، اولیای دانش‌آموزان با عضویت در یکی از شبکه‌های اجتماعی، راهنمایی لازم را از آموزگار دریافت می‌کنند و بر نحوه آموزش فرزندانشان نظارت مستقیم دارند. این امر به افزایش سواد رسانه‌ای اولیا نیز کمک شایانی کرده است.

۴. کارگروه‌های مجازی آموزشی به تفکیک پایه و دروس برای آموزگاران تشکیل شده است که سرگروه‌های آموزشی توانمند از سراسر کشور اداره این گروه‌ها را به‌عهده می‌گیرند و ضمن تبادل تجربه با همکاران، کتب را صفحه به صفحه با برنامه‌ریزی منظم، بررسی و تحلیل می‌کنند.

۵. برای تنظیم ساعت خواب دانش‌آموزان و تثبیت برنامه آموزشی و پرورشی، در ساعت ۲۱ هر شب قصه شب مرتبط با سایر آموزه‌ها، به شبکه اجتماعی مرکز ارسال می‌شود که مورد استقبال گسترده خانواده‌ها و دانش‌آموزان قرار گرفته است.

۶. دانش‌آموزان فعالیت‌های خارج از مدرسه را از طریق شبکه اجتماعی کلاسی به‌صورت متن،

صدا و تصویر برای معلم‌هایشان ارسال می‌کنند. این اقدام هم علاقه دانش‌آموزان را به فعالیت‌های فوق برنامه افزایش داده و هم بر استفاده بهینه از وقت کلاس مؤثر بوده است. به علاوه، به مشارکت در یاددهی و یادگیری شایانی کرده است.

۷. بازی و سرگرمی دانش‌آموزان در وبگاه شبکه مجازی مرکز، سبب فاصله گرفتن کودکان از بازی‌های نامناسب شده است و دیگر خانواده‌ها از بازی‌های رایانه‌ای شکایت نمی‌کنند.

۸. دانش‌آموزان به این شیوه، محتواهای مفید را تجربه می‌کنند و اوقات شادی را در کنار خانواده می‌گذرانند. در پایه‌های بالاتر نیز با تولید این محتواها به سالم‌سازی فضای مجازی کمک می‌کنند و در تعمیق یاددهی و یادگیری مؤثر واقع می‌شوند.

۹. استفاده از محتواهای آموزشی و پرورشی استاندارد، امکان حضور دانش‌آموزان در عرصه‌های کشوری و بین‌المللی را افزایش می‌دهد.

۱۰. هزینه آموزشی خانواده‌ها کاهش و تعامل اعضا افزایش می‌یابد و از زمان، استفاده بهتر و بیشتری می‌شود.

۱۱. اخیراً دانش‌آموزان دبستان احسان با انجام سرشماری اینترنتی در کارگاه تولید محتوای الکترونیک مدرسه، علاوه بر تأثیرگذاری بر اجرای این طرح، نمونه‌ای زیبا از همراهی و همگامی خود با بزرگترها را در دنیای جدید و در حین رشد به نمایش گذاشتند.

این‌ها گوشه‌هایی از فعالیت‌ها و دستاوردهای مرکز احسان در طول سه سال گذشته است. امیدواریم با تکمیل شدن این پروژه بتوانیم الگویی مناسب برای ارائه خدمات آموزشی به کودکان دور از مرکز فراهم آوریم و با محرومیت‌زدایی در آموزش، به شکوفایی استعدادها در مناطق دور از مرکز مؤثر واقع شویم و از طریق توسعه عدالت آموزشی، به توسعه انسانی کمک کنیم.

* پی‌نوشت

۱. نفیسا نرم‌افزاری در رده کودک و نوجوان است که چند رسانه‌ای ویژه مدارس طراحی و تولید می‌کند

برای تنظیم
ساعت خواب
دانش‌آموزان و
تثبیت برنامه
آموزشی و
پرورشی، در
ساعت ۲۱ هر
شب قصه شب
مرتبط با سایر
آموزه‌ها، به
شبکه اجتماعی
مرکز ارسال
می‌شود که مورد
استقبال گسترده
خانواده‌ها و
دانش‌آموزان قرار
گرفته است

روایت‌نگاری تأملی

(قسمت دوم)

صغری ملکی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

نگارش و یا روایت‌نگاری تأملی شناخته شده‌ترین و یکی از بهترین و رایج‌ترین روش‌هاست. در روایت‌نگاری تأملی، در واقع افراد به عمد و به طور آگاهانه، تجارب، افکار، و احساسات خود را با نوشتن مورد تأمل قرار می‌دهند.

دربارهٔ چگونگی روایت‌نگاری تأملی نظر واحد و قطعی وجود ندارد و برخی محققان از نوع ساختارمند و برخی از نوع بی‌ساختار نوشته‌ها سخن گفته‌اند. در نوع بدون ساختار، معلمان و یا دانشجو معلمان می‌توانند هر چیز مربوط به تجربه‌شان را که برایشان مهم بوده است در روایت خود بنویسند. آن‌ها می‌توانند مشاهدات، احساسات، نظرات، افکار، دانستنی‌های پیشین در مورد تجربه، تأملات و... را به راحتی با نگارشی غیر رسمی در روایت‌های خود بیاورند. در مورد مدل ساختارمند که در درس کارورزی دانشگاه‌های تربیت‌معلم نیز در میان دانشجو - معلمان رواج دارد، برای نوشتن روایت‌های تأملی، ساختار توصیه می‌شود اما در مورد نوع ساختار نیز، نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی محققان، برای نوشتن روایت تأملی ساختار ساده‌ای را به معلمان و دانشجو - معلمان پیشنهاد و وجود سه قسمت اصلی را در یک روایت تأملی توصیه می‌کنند:

۱. چه کار کردم؟

۲. چرا این کار کردم؟

۳. چگونه می‌توانستم این کار را بهتر انجام دهم؟

برخی از محققان با ذکر و تشریح دو گام اصلی، ساختار نسبتاً پیچیده‌تری را برای روایت تأملی بیان می‌کنند:

در شماره گذشته با مفهوم تأمل آشنا شدیم و از آن به عنوان عامل بالندگی حرفه‌ای معلمان سخن گفتیم. تأمل، عملی است که معلمان برای رشد و پیشرفت خود و کلاسشان به شدت به آن نیاز دارند. «تأمل» در واقع نگاه نزدیک و انتقادی به اتفاقات کلاس و بازنگری تجربه‌ای است که رخ داده و گذشته است. تأمل یادگیری از تجربه است. دیویی معتقد است که افراد از تجربه نمی‌آموزند بلکه از تأمل دربارهٔ تجربه می‌آموزند. حال سؤال این است که با وجود ماهیت فرّار و گریزپذیر تجربه‌ها، چگونه می‌توان تجربه‌ای را تسخیر، دربارهٔ آن تأمل و آن را تحلیل کرد؟ چگونه می‌توان از تجربه آموخت؟

بی‌تردید معلمان برای مرور و واکاوی تجربه‌ها و تأمل بر آن‌ها می‌توانند از راهبردها، شیوه‌ها و ابزارهای متفاوتی استفاده کنند: داشتن دفتر خاطرات، روایت‌نگاری تأملی، فیلم‌برداری از کلاس و مشاهدهٔ تأملی فیلم‌ها، میهمان کلاس‌های هم شدن و سپس نشست‌ها و گفت‌وگوهای تأملی، فیلم‌برداری از خود بعد از هر تجربه و صحبت کردن با خود جلوی دوربین دربارهٔ تجربه‌ای که پشت سر گذاشته‌اید، ایفای نقش و بازسازی تجربه‌ای که داشته‌اید در مقابل همکاران و سپس بحث و گفت‌وگو در مورد تجربهٔ بازسازی شده، آوردن مستنداتی از کلاس و نشان دادن عملکرد دانش‌آموزان به همکاران و گفت‌وگو با آن‌ها در این زمینه، و شیوه‌های کتبی و شفاهی دیگر. در میان شیوه‌ها، روش‌ها و ابزارهای گوناگونی که موجب تأمل و بالندگی حرفه‌ای می‌شوند،

«تأمل» در واقع
نگاه نزدیک
و انتقادی به
اتفاقات کلاس و
بازنگری تجربه‌ای
است که رخ داده
و گذشته است

محققان، برای نوشتن روایت تأملی ساختار ساده‌ای را به معلمان و دانشجو - معلمان پیشنهاد و وجود سه قسمت اصلی را در یک روایت تأملی توصیه می‌کنند: ۱. چه کار کردم؟ ۲. چرا این کار کردم؟ ۳. چگونه می‌توانستم این کار را بهتر انجام دهم؟

یک روایت تأملی نیست.....	یک روایت تأملی است.
۱. فهرستی از فعالیت‌های روزانه ۲. یک گزارش عینی ۳. کلیاتی از اتفاقات و حوادث روز ۴. پرسیدن «چه؟ چه وقت؟ چگونه؟» ۵. منفصل از درس‌های دیگر	۱. گزیده‌ای از ۱ تا ۳ رویداد خاص ۲. یک شرح ذهنی، درونی و شخصی ۳. جست‌وجو برای یافتن الگوها و درون‌مایه‌ها ۴. پرسیدن «چرا؟» ۵. متصل به درس‌های دیگر برای ایجاد ارتباط بین عمل و نظر

شیوه‌ای برای فکر و گفت‌وگو با خود است. ویژگی‌های یک نوشتار تأملی به طور خلاصه در جدول بالا آمده‌است. برای درک بهتر نوشته‌ی تأملی شاید بهتر باشد مثالی ارائه کنیم. لطفاً به این تصویر توجه کنید.



اگر بخواهید برای این تصویر نوشته‌ای تأملی بنویسید، چگونه می‌نویسید؟ لطفاً دو نوشته‌ی در جدول زیر را که در ارتباط با این تصویرند، بخوانید. همان‌طور که توجه کردید، در نوشته‌ی تأملی، خواننده اطلاعات زیادی درباره‌ی افکار، اندیشه‌ها و احساسات نویسنده به دست می‌آورد؛ درحالی‌که نوشته‌های غیرتأملی خواننده تأملات، افکار و احساسات نویسنده را در نمی‌یابد. در شماره‌های آینده در زمینه‌ی روایت‌نگاری تأملی و نگارش‌هایی که توأم با تأمل‌اند، مثال‌های دیگری خواهیم آورد.

گام اول: هر کارورز و یا معلم موظف است در طول یک ترم یا سال تحصیلی نوشته‌ی دنباله‌داری داشته باشد که از روایت‌های هفتگی تشکیل شده است. این روایت‌های هفتگی در دو گام تنظیم می‌شوند. در گام اول، معلم یا دانشجو - معلم، تجربه‌اش را همراه با همه‌ی احساسات، سردرگمی‌ها، کامیابی‌ها، ناکامی‌ها، سوالات و... که داشته است، روایت می‌کند. این قسمت از روایت باید بسیار غیر رسمی و بلافاصله پس از تجربه نوشته شود.

گام دوم: معلم یا دانشجو - معلم نوشته‌ی ابتدایی خود را بازخوانی می‌کند و برای آن حدود ۲ تا ۳ صفحه نوشته‌ی تکمیلی می‌نویسد. این قسمت شامل تجزیه و تحلیل، ترکیب، نتیجه‌گیری و... می‌باشد. در این قسمت، معلم یا دانشجومعلم می‌تواند از عبارت‌هایی مانند جمله‌های زیر استفاده کند:

من تعجب می‌کنم؛ این اتفاق شبیه است به
 این موضوع مرا به یاد
 در همین زمینه مطالعه‌ای را به خاطر می‌آورم که
 شاید نظریه در اینجا عمل کند؛ زیرا.....

باید توجه داشت که نوشته‌های تأملی، چه در نوع ساختاریافته و چه در نوع بدون ساختار آن، صرفاً بازگویی و گزارش دادن صرف معنی نمی‌دهد. این نوشته‌ها همراه با فکر کردن درباره‌ی اتفاق‌ها و

نوشته غیر تأملی	نوشته تأملی
مردی روی صندلی در جایی نشسته که گویا قبلاً خانه‌ای بوده است. او یک بلوز سفید و یک شلوار جین آبی‌رنگ به تن دارد. در همه جا آوار است و خانه به شدت آسیب دیده است. مرد ناراحت به نظر می‌رسد. او روی یک میز قهوه‌ای رنگ روشن مایل به زرد و خاکستری نشسته است. آسمان ابری است. شخص دیگری در تصویر دیده نمی‌شود.	با دیدن این تصویر برای مرد بیچاره‌ای که روی میز نشسته است، بسیار ناراحتم. به نظر می‌رسد که طوفان خانه‌ی این مرد را ویران کرده است. من نگرانم که او چگونه زندگی خود را دوباره خواهد ساخت و بسیار نگرانم که شاید کسی از اعضای خانواده‌اش را از دست داده باشد. به خاطر می‌آورم که سال گذشته در منطقه ما نیز گردبادی آمد و من بسیار ترسیدم. اگر من در این محل بودم به او کمک می‌کردم تا وسایل خود را پیدا کند و حتماً چیزی برای خوردن به او می‌دادم. افرادی که تصاویری مانند این را می‌بینند، باید تلاش کنند خانه‌های محکم‌تری بسازند تا مانند این در طوفان منهدم نشود.



کشور من

محمد اسدبگی

دانش آموز سال چهارم تجربی دبیرستان - همدان

تجربه من

مدیریت کردن و ساختن همواره از علائق من بوده است. در اینترنت به دنبال بازی‌هایی از این قبیل می‌گشتم. بعد از ساعت‌ها جست‌وجو به بازی «کشور من» برخورد کردم. توضیحات بازی را خواندم و تصویری از محیط بازی را مشاهده کردم. به سرعت، شروع به نصب بازی کردم. بعد از نصب بازی، وارد یک کشور شدم؛ کشوری که هیچ‌گونه امکاناتی نداشت و من باید آن را می‌ساختم و مدیریت می‌کردم. احساس می‌کردم در قبال آن کشور مسئولم و باید آن را بسازم. در این کشور با ساختن ساختمان‌ها، کارخانه‌ها، تولیدکننده‌های انرژی، و... می‌توانستم امتیاز بگیرم. برای کسب درآمد باید مراکز تجاری ایجاد می‌کردم و کارگران را در آنجا مشغول کار می‌کردم. ایجاد اشتغال برای من امتیاز داشت. با کاشت گل و گیاه در کشورم می‌توانستم امتیاز کسب کنم. با قرار دادن وسایل ذخیره‌کننده انرژی خورشید و باد نیز می‌توانستم انرژی تولید کنم و از آن در ساخت‌وسازها استفاده کنم. چون قصد داشتم ساختمان‌های تجاری زیادی بسازم، ابتدا سعی کردم صفحات خورشیدی و توربین‌های بادی زیادی در مکان‌های مختلف قرار دهم تا بتوانم از انرژی آن‌ها استفاده کنم. در ساخت ساختمان‌ها باید به برخی نکات توجه می‌کردم تا بتوانم درآمد بیشتری کسب کنم. در کنار آپارتمان‌های لوکس، پیتزا فروشی می‌ساختم تا ساکنان آپارتمان‌ها از آنجا خرید کنند. برای کسب تجربه، به کشورهای مختلف سفر می‌کردم، ساختمان‌ها و امکانات آن‌ها را می‌دیدم و برای کشور خودم نیز آن‌ها را ایجاد می‌کردم. هرگاه امکانات نداشتیم و به کمک نیاز داشتیم، از کشورهای دیگر تقاضای

بازی «کشور من» یک بازی بسیار جالب، سرگرم‌کننده و پرطرفدار برای سیستم عامل اندروید و در سبک بازی‌های استراتژیک است. این بازی در فروشگاه گوگل پلی تاکنون موفق به کسب نمره فوق‌العاده ۴/۴ از سوی بیش از ۳۰۰۰۰ کاربر در سراسر کره خاکی، شده است. شما در این بازی استراتژیکی بسیار زیبا، با گرافیکی خیره‌کننده و کیفیت بسیار بالا روبه‌رو می‌شوید. شهر پر زرق و برق بازی در زمان آینده به تصویر کشیده می‌شود و در آن، اتومبیل‌هایی که پرواز می‌کنند به چشم می‌خورد. شما می‌توانید انواع ساختمان‌ها را با تنوع بسیار بالا و با هزاران ویژگی و عناصر مختلف بسازید. نکته بسیار جالب در مورد این بازی، وقوع انواع بلاهای طبیعی و غیرطبیعی مانند زلزله‌های ویرانگر، سیل و حتی حمله موجودات فضایی است.^۱ در سال ۲۰۲۰ ساخت‌وساز یک حال و هوای متفاوت دارد که در بازی «کشور من» می‌توانید آن را تجربه کنید. از عنوان بازی کاملاً مشخص است که باید برای آبادانی

سرزمین خود بسیار بکوشید و کشور خود را به مکانی فوق‌العاده تبدیل کنید. قبل از هر چیز به میزان اعتباری که در اختیار دارید، توجه داشته باشید و بعد اقدام به ساخت‌وساز کنید. بیش از بیست میلیون در حال استفاده از بازی هستند و هر کدام به نوبه خود قدرتمندند، به آن‌ها بپیوندید و کار را آغاز کنید. در بازی اندروید ۲۰۲۰ My Country می‌توانید به راحتی، مصالح تهیه کنید. حوادث واقعی همچون سیل و زلزله هر لحظه ممکن است کشور شما را تحت تأثیر قرار دهند؛ پس باید خیلی مراقب باشید.^۲





آن‌ها اقدام به خاموش کردن آتش کردم. گاهی در بازی چیزهایی پیدا می‌شد که با لمس آن‌ها متوجه می‌شدم، کشورم کمبودهایی دارد؛ مثلاً یک بار بچهٔ مریضی پیدا شد که با لمس آن متوجه شدم به دکتر نیاز دارد و من باید درمانگاه بسازم. زمینی را پیدا کردم و اقدام به ساخت درمانگاه نمودم. بعد از ساخت درمانگاه و استخدام پزشک و پرستار، بچهٔ مریض را به آنجا فرستادم تا معالجه شود. البته نه زمین برای ساخت درمانگاه در اختیار داشتم، نه پول خرید زمین جدید. پس با خودم فکر کردم اگر در شرایط واقعی قرار گیرم چه باید کنم. تصمیم گرفتم مکانی پیدا کنم. جست‌وجو کردم و مکانی را که برای ساخت رستوران در نظر گرفته بودم، به درمانگاه اختصاص دادم. گاهی نیز در کشورم دزدیهایی پیدا می‌کردم که در حال غارت اموال مردم بودند. فهمیدم که برای دستگیر کردن آن‌ها به پلیس نیاز دارم. با ساخت ایستگاه‌های پلیس و استخدام تعداد بیشتری پلیس این مشکل را هم حل کردم. وقتی ساختمان‌ها و فضای شهری دچار مشکل می‌شد، به سراغ مهندسان می‌رفتم و از آن‌ها کمک می‌گرفتم. بالاخره با مشاهده مشکلات، مرحله به مرحله به نیازهای کشورم پی بردم و هر بار یکی از آن‌ها را برآورده کردم. هر بار

ایکون‌هایی در صفحه پیدا می‌شد که با لمس آن‌ها متوجه می‌شدم باید امکانات جدیدی برای کشورم فراهم کنم. این یکی از مزیت‌هایی بازی بود که نیازها را به من گوشزد می‌کرد. رد و برق به من نشان می‌داد که باید ایستگاه هواشناسی داشته باشم، نامه به من نشان می‌داد که باید ادارهٔ پست داشته باشم، دانش‌آموز به من نشان می‌داد که باید مدرسه داشته باشم، دزد نشان می‌داد که باید ادارهٔ پلیس داشته باشم و... به هر حال، تلاش زیادی برای ساخت کشورم کردم ولی هنوز در مراحل اولیه هستم و نتوانسته‌ام کشور دلخواهم را بسازم. سعی می‌کنم با سعی و کوشش، کشوری نمونه بسازم؛ کشوری که مردمانش در رفاه باشند.

* پی‌نوشت‌ها

1. <http://androidkade.com/113899/my-country-android.html>
2. <http://www.apkyek.ir/my-country/>

کمک می‌کردم و آن‌ها نیز به من کمک می‌کردند، البته من هم به آن‌ها کمک می‌کردم. هر موقع به کشورهای مختلف سر می‌زدم، احساس می‌کردم کشور من زیبایی کشور آن‌ها را ندارد. خوب که مشاهده کردم، دیدم به گل و گیاه، درخت، پارک‌ها و ... که باعث زیباسازی فضای شهر و کشور می‌شود، کمتر توجه کرده‌ام. این بود که با درآمدی که کسب کرده بودم، زمین بیشتری خریدم، باغ‌ها و پارک‌هایی ایجاد کردم و گل و گیاه کاشتم و کشورم را زیبا کردم. در سفر به کشورهای مختلف، آنچه برای من جالب بود این بود که اغلب آن‌ها از صفحات خورشیدی و توربین‌های بادی برای تولید انرژی استفاده می‌کردند و انرژی مورد نیاز خود را اغلب با انرژی تولیدی این وسایل، تأمین می‌کردند. من ابتدا این را نمی‌دانستم و مدام با کمبود انرژی مواجه شدم اما با سفر به آن کشورها این نکته‌ها را آموختم. سعی می‌کردم به کشورهایی سفر کنم که در رده‌های اول بودند تا بتوانم از آن‌ها چیزهایی بیاموزم. با سفر به یکی از کشورهای ردهٔ اول، مبهوت نظم و زیبایی و امکانات آن کشور شدم. آن کشور بسیار زیبا بود، اماکن تفریحی، پارک‌های زیبا، گل و گیاه‌های زیبا، ساختمان‌های با شکوه، و... از مشخصه‌های آن کشور بود. بعضی کشورها به صنعت بیشتر

توجه کرده بودند و برخی به زیباسازی و برخی هم به هر دو توجه داشتند. من هم سعی کردم به هر دو توجه کنم. با درآمدی که کسب می‌کردم، می‌توانستم زمین بخرم، ساختمان بسازم، اماکن تفریحی ایجاد کنم و... من بسته به نیاز هزینه می‌کردم؛ مثلاً اگر کشورم به بیمارستان نیاز داشت، سعی می‌کردم درآمد کشور را صرف ساخت بیمارستان کنم. بعد از اینکه رفع نیازهای اولیه و ضروری، به خرید وسایل زیباسازی شهر نیز اقدام می‌کردم. گاهی بسیار مأیوس می‌شدم، چون ساختمان‌ها آسیب می‌دیدند و من مجبور بودم تمام انرژی‌ای را که به زحمت به دست آورده بودم، صرف کنم. یک بار متوجه شدم که یک ساختمان دچار آتش‌سوزی شده و برای خاموش شدن آن آتش، به ساختمان آتش‌نشانی نیاز دارم و من آتش‌نشانی نداشتم. بلافاصله، ساختمان آتش‌نشانی را ساختم و آتش‌نشان‌هایی را استخدام کردم و بعد، از طریق

فرصت طلایی

سیده سوده شبیری
پژوهشگر حوزه پیش دبستان



نداشته‌ام در دوران دانش‌آموزی را در «تو خیلی باهوشی» و ریشه‌ترس‌هایی را که در بعضی مواقع از ابراز کردن خودم دارم در «مگه بلندگو قورت دادی؟» و مواظبتیم از مدل ارتباطی خود با بچه‌ها را در «خوب قلق بچه‌های کوچیک تو دسته‌اند!» می‌یابیم.

حقیقت این است که پیدا کردن ریشه‌ی آنچه اکنون هستم به این سادگی‌ها نیست که با یک یا دو جمله بشود قضیه را حل و فصل کرد اما آنچه واقعیت دارد، اثر پررنگ پیام‌هایی است که در تعامل با افراد و محیط دریافت می‌کنم و در شکل‌گیری تصویری که از خودم، دیگران، محیط و... دارم، نقش مهمی ایفا می‌کند؛ نقشی که نه می‌توانم انکارش کنم و نه می‌توانم برای مصون ماندن از آن، به غار تنهایی پناه ببرم. من با تجربه‌هایم ساخته می‌شوم و تعامل من با دیگران هم بخشی از این تجربه‌ها هستند؛ فقط خدا کند در هیچ‌کدام از این جمله‌ها، چه آن‌هایی که ناشی از ضعف رفتار و عملکردم بوده‌اند چه آن‌هایی که به دلیل نقطه قوتی در یک تعامل ابراز شده‌اند، گیر نیفتم که

جمله‌هایی از دوره کودکی و نوجوانی‌ام، خیلی پررنگ در وجودم نقش بسته‌اند. جمله‌هایی که نمی‌دانم هر کدام را چندبار شنیده‌ام؛ شاید یک بار، شاید هم بیشتر. چیزی که می‌دانم تأثیری است که هر کدام از آن‌ها در تعریف من از خودم گذاشته‌اند.

«چقدر پرحرفی!» «از شما که از فلان خانواده‌ای، انتظار بیشتری می‌رفت!» «خیلی باهوشی فقط کم درس می‌خونی» «یه کم آروم‌تر صحبت کن! مگه بلندگو قورت دادی؟» «خوب قلق بچه‌های کوچیک تو دسته‌اند!»

این جمله‌ها که در برهه‌هایی از زندگی، در برابر عملکرد من یا برداشت افراد در لحظه‌های تعامل با من ابراز شده بودند، حداکثر می‌توانستند وصفی از عملکرد من باشند نه خود من! اما پیام‌هایی که از این جمله‌ها و خیلی جمله‌های دیگر در دوران کودکی و نوجوانی گرفتم، تعریف مرا از خودم ساخته بودند. شاید بخشی از هویت فردی‌ام شده بودند. این‌ها را الان می‌فهمم. الان که رد پای تلاش‌های نکرده و پشتکارهای

من با تجربه‌هایم
ساخته می‌شوم
و تعامل من
با دیگران هم
بخشی از این
تجربه‌ها هستند؛
فقط خدا کند
در هیچ کدام از
این جمله‌ها، چه
آن‌هایی که ناشی
از ضعف رفتار و
عملکردم بوده‌اند
چه آن‌هایی که
به دلیل نقطه قوتی
در یک تعامل
ابراز شده‌اند،
گیر نیفتم که
همه آینده‌ام
در اسارت این
جمله‌ها سپری
شود

نمایشگاه گل و گیاه یکی از آن قدم‌ها بود؛ هرچند کلاس کنگ‌فو هم به موازاتش پیش می‌رفت.

نمایشگاه گل و گیاه

علاقه به طبیعت، آغاز ماجرای باغبانی بود. همان پروژه‌ای که روزهای فرد، دختر و پدر با هم دنبال می‌کردند و با کلاس باغبانی در پارک شروع شد. کلاس باغبانی فرصت تعامل با هم‌کلاسی‌هایی بود که دو نسل با او فرق داشتند. پیرزن‌ها و پیرمردهای مهربانی که برای روزهای خود، فرصت یادگیری در پارک را انتخاب کرده بودند. دختر و پدر بعد از تجربه یادگیری در کلاس پارک، هفته‌ای یک روز یا بیشتر به بازارگل می‌رفتند و وسایل لازم برای تمرین واقعی باغبانی را تهیه می‌کردند. حدود دو ماه گذشته بود که

همه آینده‌ام در اسارت این جمله‌ها سپری شود. این‌ها مقدمه فکری من برای فرزندانم در حوزه تعامل هستند؛ به ویژه در کودکی و نوجوانی.

تعامل

پیش‌تر نوشته بودم که یکی از عواملی که در انتخاب جایگزین کردن آموزش در خانه با مدرسه نقش مهمی داشت، ترس‌های دخترم بود؛ ترس‌هایی که در مواجهه با محیط و آدم‌های جدید از همه سلول‌های وجودش فوران می‌کرد. برای من که خلاصه همه ماجرای یادگیری را در واژه تعامل یافته بودم، این ترس‌ها نگران‌کننده بودند؛ تعامل با خودش، با دیگری، با یک گروه، با یک منبع مثل کتاب، با یک محیط و...

یکی از عوامل نگرانی‌ام، همان پیام‌هایی بودند که با نگاه به زندگی خودم می‌دیدم خیلی وقت‌ها افسار حرکت را به دست می‌گیرند و جهت حرکت را تعیین می‌کنند. با وجود اینکه از زندگی گلخانه‌ای اصلاً دل خوشی ندارم، اصلاً دوست ندارم فرزندم تعریف خودش از توانمندی‌ها و نقاط قوت و ضعفش را با این پیام‌ها بسازد. پیام‌هایی که جمله کلیدی زندگی‌اش شوند و موقع انتخاب هر مسیری، مثل تابلوی راهنما سر و کله‌شان پیدا شود! راه‌حلی که می‌دیدم، در خود مسئله نهفته بود. لازم بود از پیام‌هایی که می‌گیرد یا به خودش می‌دهد، آگاه باشد. آن وقت جمله‌های کلیدی، حتی اگر وجود داشته باشند، زورشان برای به دست گرفتن افسار حرکتش، زیاد نیست!

راه‌حل در خود صورت مسئله نهفته بود. برای عبور از موانع تعامل، اولین و مهم‌ترین راه‌حل را در خود «تعامل» می‌دیدم و این اتفاق در خانه و در ارتباط صرف با من و پدرش نمی‌توانست در این ابعاد رخ دهد. او دلش ورزش رزمی می‌خواست. نیاز او را به نیازی که در لزوم تعامل می‌دیدیم، گره زدیم و در کلاس کنگ‌فو ثبت‌نامش کردیم. کلاسی کوچک نزدیک خانه که دو روز در هفته، یک ساعت در آن شرکت می‌کرد. جلسه اول از یادم نمی‌رود. هم خیلی دوست داشت برود و هم از شدت ترس نزدیک بود قالب تهی کند. بعد که به آن تجربه فکر کردم، به کشفی تازه رسیدم: درست است که تعامل امری بسیار ضروری است اما انتظار عبور از موانع آن با یک کلاس یک ساعته، مثل فرستادن دخترک در دهان شیر است!

اینجا بود که فهمیدم حذف «تدریس» از فرایند آموزش و یادگیری، اگر ضرر نداشته باشد، قطعاً منفعت هم ندارد و ممکن است باعث شود او جمله‌هایی تازه درباره خودش بسازد. جمله‌های پرزوری که در تمام زندگی، جهت حرکتش را تعیین کنند؛ بدون اینکه آگاه باشد که همه واقعیت این‌ها نیست. این شد که برای طی کردن تدریجی فرایند عبور از ترس‌های تعامل، قدم‌های کوچک‌تر و تدریجی‌تری تعریف کردیم؛ قدم‌هایی که با توافق با او پیش می‌رفت.





متوجه علاقه‌مندی اعضای ساختمان به نگهداری گل و گیاه شدیم. فرصتی طلایی پیش رو بود! سه نفری گفت‌وگو کردیم و قرار شد یک نمایشگاه گل و گیاه در خانه راه بیندازیم؛ نمایشگاهی که در آن، دخترک نتایج کارهای دوماهه را عرضه می‌کرد و از ساکنان آپارتمان، سفارش می‌گرفت. ارائه کار به افراد محدودی که آن‌ها را خوب می‌شناخت و فضایی که برای مجذوب کردن آن‌ها لازم بود ایجاد کند. قدم کوچک خوبی برای عبور از ترس‌های تعامل بود. از آماده‌سازی و چینش نمایشگاه گرفته تا قیمت‌گذاری گل‌دان‌ها و ثبت سفارش و آماده کردن آن و توضیح نحوه نگهداری گیاه و نوشتن دستورالعمل نگهداری و تحویل سفارش‌ها در زمان مقرر همه و همه او را یک قدم کوچک پیش می‌بردند. در این فرایند، او جمله‌هایی بیشتر درباره نقاط قوت کارش و کمتر درباره ضعف کارش می‌شنید و چون من و پدرش در کنارش بودیم، امیدمان به اینکه در این جمله‌ها زندانی نشود و خودش را با آن‌ها تعریف نکند، زیاد بود. درباره

عکس‌العمل‌هایی که می‌دید و حرف‌هایی که می‌شنید، با هم گفت‌وگو می‌کردیم و نقاط مختلف هر کدام را با هم بازبینی می‌کردیم. یک روز با خوشحالی می‌گفت: «مامان، فلانی به من می‌گه همه کارها با بقیه فرق داره و بی‌نظیره!» و یک روز با ناراحتی می‌گفت: «به من می‌گن تو که چیزی یاد نمی‌گیری! همه‌ش برای خودت ول می‌چرخه!» این جمله‌ها حال و احوال او را سینوسی بالا و پایین می‌بردند و فرصت فوق‌العاده گفت‌وگو را به ما می‌بخشیدند. فرصتی برای پیدا کردن تعریف خود از لایه‌لای عکس‌العمل‌ها و قضاوت‌های مثبت و منفی که می‌توانست حصار تعامل او با خود واقعی‌اش باشد؛ گاهی او را مثل یک بالن باد کند و بالا ببرد و گاهی محکم به زمین بکوبد. چیزی که در این داستان کشف کردم این بود که تعریف و تمجیدها اگر سر جای خود نباشند کمتر از قضاوت‌های منفی مخرب نیستند. حتی گاهی اوقات حصار محکم‌تری دور شناخت

تعریف و تمجیدها اگر سر جای خود نباشند کمتر از قضاوت‌های منفی مخرب نیستند. حتی گاهی اوقات حصار محکم‌تری دور شناخت فرد از خودش می‌سازند؛ حصارهای تأییدطلبی و درگیر تعریف و تمجید دیگران شدن و برای تعریف دیگران زندگی کردن!

او از خودش می‌سازند؛ حصارهای تأییدطلبی و درگیر تعریف و تمجید دیگران شدن. حصارهایی که می‌تواند تا بزرگسالی از دیدش مخفی بماند؛ چرا که لباس زیبای کارهایی که برای این جمله در زندگی‌اش انجام می‌دهد، مانع جدی خروج از آن می‌شود. برای تعریف دیگران زندگی کردن! بگذریم... حالا فرصت خوبی بود تا بیشتر به کلاس کنگ‌فو بپردازیم و درباره مربی و مهربانی‌اش و هم‌کلاسی دو سال بزرگ‌تر و مسخره کردن‌هایش گفت‌وگو کنیم. او هنوز با ترس به کلاس

می‌رفت و گاهی می‌گفت امروز نمی‌روم. وقتی گفت‌وگو می‌کردیم، می‌فهمیدم که دوباره کار یکی از همان ترس‌هاست. جالب این بود که وقتی با حمایت ما می‌رفت، پر از انرژی برمی‌گشت و از اینکه از ترسش عبور کرده است، احساس پیروزی داشت. «امروز بهترین روز زندگی‌ام بود!» قبلاً هم گفته بودم که این ترس‌ها از پیش‌دستان با او همراه بودند و یکی از دلایلی که مدرسه نرفتن را انتخاب کردیم، عبور از همین ترس‌ها بود. کاری که برای این «می‌روم» و «نمی‌روم»‌ها کردیم، ثبت احساس و حال و هوای او در مواقعی بود که با سر در ترس‌ها شیرجه زده بود. زمان‌هایی که از روزی که گذرانده بود احساس رضایت داشت. از او می‌خواستم خاطره حال و هوایش قبل و بعد از کلاس کنگ‌فو را ثبت کند. ثبت تجربه‌اش به مواقعی که دوباره آن حس و حال به سراغش می‌آمد کمک می‌کرد. کمک به دیدن اینکه او ترس‌هایش نیست! و وقتی یک بار به خوبی توانسته است از آن‌ها عبور کند باز هم می‌تواند. کمک به یافتن اینکه کار نشد ندارد؛ وقتی برایش حرکت کنی. ثبت کردن و بازبینی آن فرایندی است که هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها ادامه دارد؛ فرایندی که آثار و دستاوردهایش خیلی بیشتر از عبور از ترس‌ها بوده است. به نظرم این به قدرت کلمه‌ها وقتی که از ذهن به روی کاغذ می‌آیند، مربوط است. چیزی که الان با این نوشتن‌ها برای من هم دارد اتفاق می‌افتد...

دنیا‌ای با مختصات واقعی

۱۴۴۱



مریم فرحمند

قائل‌اند؛ بنابراین، کار به اصطلاح بیخ پیدا نمی‌کند. شخصاً همه موضوعاتی را که در گروه بیان می‌شود، پیگیری نمی‌کنم. برخی از آن‌ها در حیطه علاقه‌مندی‌هایم نیستند، بعضی بسیار طولانی‌اند و دنبال کردن بعضی از بحث‌ها به خاطر وقفه‌هایی که بینشان می‌افتد، کاری چالشی است. با اینکه اعضا آگاه‌اند که در بین بحث‌های دیگر موضوع جدیدی را بیان نکنند، پایان بسیاری از گفت‌گوها باز است و نمی‌توان قطعاً اعلام کرد که موضوعی تمام شده است؛ بنابراین همیشه با مشکل بحث‌های ناتمام روبه‌رو هستیم. برای حل این مشکل می‌توان از هشتگ استفاده کرد تا بحث‌ها راحت‌تر قابل جست‌وجو کردن باشند اما نمی‌توان همه را به استفاده از هشتگ وادار کرد. اعضای گروه از نوآوری‌ها، دغدغه‌ها و فعالیت‌های روزمره‌شان می‌نویسند و همین موضوع بر گسترده شدن شبکه دوستان تأثیرات، بسیار مثبتی می‌گذارد. برای مثال، آقای فرزاد میرشکاری مؤسس کتابخانه فاطمه‌ها، مطلبی را در گروه عنوان کرده بودند و من با دنبال کردن مطلب ایشان با کتابخانه فاطمه‌ها و خود ایشان آشنا شدم که جریان فکری نو و امیدوارانه‌ای برایم داشت. جالب است که سایر دوستان در گروه، موضوع مورد علاقه‌شان را مطرح می‌کنند و من با مسائلی که واقعاً ذهن آن‌ها را درگیر کرده است آشنا می‌شوم. البته بسیار پیش می‌آید که بعد از گفت‌وگو، راه‌حلی هم پیدا می‌شود. عضویت در چنین گروهی بالا و پایین‌ها و مزایا و معایب خودش را دارد.

ارزیابی وضعیت فعلی	شنیدن نظرات مختلف	آشنایی با افراد جدید	زمان‌بر بودن	به روز شدن مداوم	یادگیری پیوسته	
✓	✓	✓		✓	✓	مزایا
			✓			معایب

خوشحالم که عضوی در انجمن برخط (آنلاین) برای بالندگی حرفه‌ای هستم. درواقع، می‌بینم که تفکر انتقادی قوی‌تر شده است، موضوعات را از دیدگاه افراد دیگر هم می‌سنجم، صورت‌تر شده‌ام و نظرات مخالفم را می‌خوانم و برای پاسخ دادن کمی به خودم فرصت می‌دهم. درواقع، این گروه و گروه‌های برخط مشابه را فرصت بسیار مناسبی برای تمرین آزاد اندیشی می‌بینم.

کمتر از یک‌سال است که در گروهی تلگرامی عضو شده‌ام که حدود هشتاد معلم دیگر از نقاط مختلف ایران به آن پیوسته‌اند. لحظه‌ای که وارد گروه شدم، شوک بزرگی به من وارد شد؛ یک لحظه نمی‌دانستم چگونه باید سلام و احوال‌پرسی کنم. مثل کودکی که در جمع بزرگی قرار می‌گیرد و دست‌پاچه می‌شود، خود را در دنیایی دیدم که نمی‌دانستم پاسخ خوشامدگویی افراد را چگونه بدهم. پس، به سرعت به یکی از دوستانم پیام دادم که در جمع چگونه بنویسم. او هم در پاسخ، چندین جمله را به من پیشنهاد داد که یکی از آن‌ها را انتخاب کردم. برای خودم جالب بود که مقدماتی‌ترین رفتار دنیای واقعی را در دنیای مجازی بلد نبودم! در دنیای واقعی صدا و تصویر و حرکات بدن به ساختن ارتباط کمک می‌کند اما در دنیای مجازی فقط حروف، بار معنا و شخصیت را بر دوش می‌کشند و طبعاً من می‌خواستم در اولین برخورد زیبا، مؤدب و اجتماعی باشم.

در گروه شاید یک یا دو نفر را از نزدیک دیده بودم و سایر اعضا را نمی‌شناختم. در ابتدا با نگاهی به فهرست افراد گروه دیدم که بعضی شناسه‌های کاربری و عکس واضحی از خودشان انتخاب کرده بودند و برخی شناسه کاربری مشخص اما عکس گل، ساختمان و... داشتند (و دارند) و برخی حتی نام واضح و درستی را انتخاب نکرده بودند که همین موضوع بر احساس ناامنی من برای فعالیت بیشتر تأثیر داشت اما من براساس حس اعتمادی که در گروه وجود داشت پیش می‌رفتم.

کم‌کم با قوانین نانوشته گروه آشنا شدم و دریافتم که بحث‌ها و سؤالات عموماً به کلاس‌های درس و روش تدریس مربوط می‌شود. بعضی اوقات مطالب به اصطلاح زرد که روی سایر شبکه‌های اجتماعی نیز قرار می‌گیرد، به گروه ارسال می‌شد اما با گذشت زمان کم و کمتر شد. شاید یکی از دلایل این بود که به درستی و صحت آن‌ها شک می‌کردیم و با یک جست‌وجوی ساده متوجه نادرستی بسیاری از آن‌ها می‌شدیم و نتیجه را در گروه اعلام می‌کردیم.

برایم جالب است با اینکه دنیای مجازی مختصات دنیای واقعی را ندارد و آموزشی هم برای نحوه برخورد و ارتباط در دنیای مجازی دریافت نمی‌شود، مشکل پیچیده‌ای پیش نمی‌آید. البته جر و بحث بالا می‌گیرد. من خودم چندین بار در این مشاجره‌های نوشتاری گیر کرده‌ام اما انگار همه می‌دانند که محیط مجازی آدابی دارد و اعضای گروه افرادی هستند که در حوزه آموزش مشغول به کارند و برای یکدیگر ارزش و احترام

با «قلمستون» شتاب بگیرید!

علیرضا منسوب بصیری

اولین دستاورد رایانه‌ها بیشتر شدن سرعت محاسبه و سریع‌تر شدن کارهای ما بود. این سرعت حتی در کسب‌وکارهای این حوزه نیز قابل لمس است. فناوری اطلاعات و ارتباطات زندگی ما را متحول کرد و در این میان، شیوه شکل‌گیری کسب‌وکارها نیز متحول شد. امروزه در دنیا ایده‌های دات کام (حوزه فاوا) با روش‌های سنتی و متداول پیش نمی‌روند و برای سرعت گرفتن به بسترهایی نیازمندند که شتاب‌دهنده‌ها یکی از آن‌ها هستند. در این گزارش به سراغ وبگاه و اپ «قلمستون» که یکی از ایده‌های کسب‌وکار در حوزه کاربرد فاوا در آموزش و پرورش است، رفته‌ایم که در یکی از شتاب‌دهنده‌های معروف کشور در حال رشد است. میهمان ما در این گفت‌وگو سعید میرزایی، صاحب ایده و مسئول این پروژه، است.

گفت‌وگو با سعید
میرزایی صاحب
ایده و مسئول پروژه
قلمستون

■ درباره «قلمستون» و نحوه کار آن برایمان بگویید.
□ «قلمستون» بستری برای تولید و یادگیری محتوای آموزشی استاندارد است که افراد با استفاده از ابزارهای آن به راحتی می‌توانند محتوای آموزشی تولید کنند و به دنبال آن، دانش‌آموزان نیز به سادگی از این محتوا بهره می‌برند. این محتوا که اغلب در قالب ویدیو است، ساختاری دارد که با حذف عناصر اضافی محتوای نابی را به دست کاربر می‌رساند. از دیگر ویژگی‌های محتوای قلمستون، امکان تعامل با محتوا و پاسخ دادن به سؤالات در حین یادگیری یک مطلب آموزشی است.

■ منظورتان از محتوای استاندارد چیست؟
□ محتوایی که طولش کوتاه باشد؛ مثلاً اگر ویدیو است بین ۶ تا ۸ دقیقه باشد، دقیقاً به یک موضوع خاص



اختصاص داشته باشد، پراکنده نباشد و در صورت امکان، پایه تحصیلی مد نظرش مشخص باشد (مثلاً اول دبیرستان، پنجم دبستان) و... در واقع، چارچوبی در قلمستون داریم که البته قابل تغییر است ولی باید محتوای آموزشی آن را رعایت کنند.

■ آیا محتوای قلمستون استانداردهایی مثل اسکورم^۲ را پوشش می‌دهد؟

■ شاید بشود گفت ما به نوعی اختصاصی کردن اسکورم را انجام داده‌ایم. قلمستون بیشتر بر پایه مفهوم micro learning سوار شده که محتوا را خلاصه، کوتاه و دقیقاً متناسب با نیاز کاربر برساند. در اصل، تمام ساختارهای گذاشته شده برای رسیدن به این هدف است.

■ اپ‌ها و سایت‌های مختلفی هستند که محتوای آموزشی را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند؛ مثل تخته سفید، کلاس درس یا نیمکت... که همه این‌ها قبلاً در مجله معرفی شده‌اند. محصول شما چه تفاوت ویژه‌ای دارد که بشود به عنوان نقطه تمایز آن نسبت به محصولات موجود، روی آن مانور داد؟ رابطه معلم شاگرد در سایت شما به چه صورت است؟

■ تفاوت اول امکان سؤال و جوابی است که در محتواهای قلمستون فراهم شده است. به این صورت که اگر سؤالی در ثانیه خاصی از ویدیو دارید، می‌توانید آن را به صورت برخط (آنلاین) مطرح کنید و در همان ساختار از بقیه

افراد پاسخ را دریافت کنید. (شما به صورت برخط دقیقاً در یک ثانیه مورد نظر خود سؤالتان را مطرح می‌کنید و افراد به آن پاسخ می‌دهند.)

مورد دوم، ساختار محتوای قلمستون است. این ساختار براساس استاندارد طراحی شده که با حذف اجزای اضافی دقیقاً پاسخ‌گوی نیاز کاربر در یک موضوع خاص است. فرم محتوای قلمستون نیز با نمونه‌های مشابه تفاوت دارد.

■ حالا به سراغ اصل ایده قلمستون و شروع آن به عنوان یک کسب‌وکار جدید از جانب شما می‌رویم. چه شد که حوزه آموزش را برای ایجاد یک محصول نوپا و به قول معروف استارت‌آپی انتخاب کردید؟

■ شاید ریشه‌اش به تجربه‌ای شخصی از دوران دبیرستانم برگردد؛ اینکه محتوای آموزشی که برایش ارزش زیادی قائل بودم، به دستم نمی‌رسید و از آن زمان دوست داشتم این مشکل حل شود.

■ با این حساب، شما از دوران نوجوانی با ایده قلمستون زندگی کرده‌اید... حالا چطور شد که به سراغ پیاده‌سازی ایده‌تان رفتید؟

■ من حدود یک سال و اندی در داتین (یکی از شرکت‌های زیرمجموعه شتاب‌دهنده فناپ) مشغول به کار بودم. مدیرعامل فناپ، دکتر جوان‌مردی، چند دفعه به دانشگاهمان آمدند و همین باعث شد که بیشتر با شتاب‌دهنده فناپ آشنا شوم و تصمیم بگیرم ایده‌ام را برایشان بازگو کنم. من و دوستم ایده‌مان را با ایشان در میان گذاشتیم. ایشان هم جلسه‌ای ترتیب دادند که در آن گفت‌وگوهای تکمیلی را انجام دادیم و مسیر را برای ادامه راه نشانمان دادند.

اگر سؤالی در ثانیه خاصی از ویدیو دارید، می‌توانید آن را به صورت برخط (آنلاین) مطرح کنید و در همان ساختار از بقیه افراد پاسخ را دریافت کنید

■ برای کسانی که هنوز در مرحله ایده‌پردازی هستند و مثل شما هم دسترسی‌شان به مسئولان شتاب‌دهنده‌ها راحت نیست، چه مسیری را پیشنهاد می‌کنید؟

■ همه شتاب‌دهنده‌ها سایتی دارند که می‌توانید ایده‌تان را در آن ثبت کنید و به کمک مشاوران شتاب‌دهنده‌ها ادامه مسیر اجرایی کردن ایده‌تان را دنبال کنید. لزوماً به آشنایی قبلی با مسئولان شتاب‌دهنده‌ها نیازی نیست.

■ اصلاً شتاب‌دهنده‌ها چه کار خاصی انجام می‌دهند که من نوعی برای عملی ساختن ایده‌ام نمی‌توانم انجام دهم؟

■ شتاب‌دهنده‌ها به علت وجود کارشناسان و مشاورانی با تجربه در زمینه کسب‌وکار، دید بهتری نسبت به بازار و نحوه راه‌اندازی کسب‌وکار دارند. به علاوه، به خاطر دسترسی‌شان به حامیان مالی، نیازهای مالی و مشاوره‌ای را هم برطرف می‌کنند. به طوری که بیشتر اوقات کمک گرفتن از آن‌ها و حرکت در مسیر پیشنهادی‌شان برای شروع کار لازم است.

شروع کردیم. در ادامه، قصد داریم متوسطه اول و رشته‌های مختلف دانشگاهی را هم پوشش دهیم، ولی عجله‌ای نداریم و سعی می‌کنیم اول کیفیت کارمان را حفظ کنیم و بعد به گسترش آن بیندیشیم.

■ فکر می‌کنید خواننده‌های ما به این بستر رشدی که شما فراهم کرده‌اید چه کمکی می‌توانند کنند؟ چه در قالب همکاری و چه در قالب رقابت موازی که قطعاً به نفع شما به عنوان اولین‌های این مسیر، خواهد بود...

■ دوستان عزیز می‌توانند محتوای آموزشی خود را در سایت قلمستون بگذارند تا بقیه هم استفاده کنند و هم خودشان اگر مایل بودند منفعتی ببرند.

■ قطعاً در مسیر تبدیل ایده قلمستون به عمل با موانعی هم برخورد داشته‌اید. به کسانی که هنوز در ابتدای مسیرند و ایده‌شان را حتی برای کسی بازگو هم نکرده‌اند، چه توصیه‌هایی دارید؟ چه کنم که راحت‌تر بتوانم ایده‌ام را عملی کنم؟ منتظر چه موانعی (چه فردی، چه سازمانی، چه قانونی و...) باید باشم و چطور آن‌ها را پشت سر بگذارم؟

■ موانع زیادی، از به هم خوردن تیم تولید تا خستگی و... همه می‌توانند بازدارنده باشند اما مهم این است که از بازگو کردن ایده‌تان نترسید و بدانید هیچ‌کس به اندازه خودتان حوصله پیاده کردن ایده شما را ندارد؛ به شرط اینکه خودتان به اجرایی کردن آن اهمیت دهید. من پیشنهاد می‌کنم هرچه زودتر اقدام به اجرای ایده‌تان کنید و وقتتان را صرف تحلیل و امکان‌سنجی‌اش نکنید. با شروع به کار و داشتن پشتکار در مسیر، مشکلات و موانع را پشت‌سر خواهید گذاشت.

* پی‌نوشت‌ها

1.ghalamestoon.com

2.scorm: shareable content object Reference Model

نرم‌افزاری که رابطه بین اجزای درس و مدل‌های داده را به گونه‌ای برقرار می‌کند که اشیای حاوی محتوای آموزشی در سراسر سیستمی که با این مدل سازگار باشد، قابل اشتراک‌گذاری است.

■ در مورد شروع کارتان هم اگر ممکن است کمی توضیح دهید. اینکه چند نفره شروع به کار کردید؟ برنامه‌نویسی کار را چطور انجام دادید؟ خودتان به عهده گرفتید یا نیرو استخدام کردید؟

■ کار را سه نفری شروع کردیم؛ سه نفر که رشته‌مان مهندسی نرم‌افزار بود. به همین خاطر، خودمان هم برنامه‌نویسی سایت را انجام دادیم و قلمستون درست شد!

■ آیا قبل از شروع کار امکان‌سنجی اجرای ایده را هم انجام داده بودید؟ چون کاری که شما شروع کردید، قطعاً بسترسازی و ادامه‌اش نیازمند سرمایه بوده است چه چیز باعث شد که به برگشت‌پذیر بودن این سرمایه مطمئن باشید؟

■ برای ما بیشتر انگیزه‌های شخصی باعث شروع کار بود و چندان به مسائل مالی و برگشت‌پذیری سرمایه فکر نمی‌کردیم اما واقعیت این است که تضمین و تخمین زمان سوددهی یک کار به راحتی امکان‌پذیر نیست. البته، بعد از ورود به سیستم شتاب‌دهی می‌توان دید بهتر، قالب‌بندی شده و منطقی‌تری در مورد این مسائل پیدا کرد.

■ فکر می‌کنید روحیه ریسک‌پذیری تا چه حدی در برانگیختن شما به شروع کارتان مؤثر بوده است؟

■ روحیه ریسک‌پذیری به عنوان یک ویژگی فردی مستقل نمی‌تواند تنها عامل شروع کار جدید باشد. در واقع، مجموعه‌ای از عوامل در این زمینه مؤثر و دخیل‌اند؛ برای مثال، وقتی شما سن کمتری دارید و یا مجرد هستید و دغدغه مالی چندانی ندارید، راحت‌تر می‌توانید ریسک شروع یک کار جدید را به جان بخرید... در مجموع، من روحیه ریسک‌پذیری را شرط لازم می‌دانم نه کافی.

■ برای گسترش قلمستون چه فکرهایی کرده‌اید؟ ما در مرحله اول از مباحث دوره دوم دبیرستان





برای دانشجویانم نگرانم

صغری ملکی
مدرس دانشگاه فرهنگیان



پژوهشگری‌شان را از میان ببرد و به استفاده کننده‌هایی بی‌فکر و مقلد بدلشان کند... آن‌ها اولین سال است که قرار است برای دانش‌آموزانشان برنامه هفتگی تنظیم کنند... تکلیف بگویند... پیک آدینه چاپ کنند... آزمون عملکردی بگیرند... طرح درس روزانه بنویسند... طرح درس سالانه تنظیم کنند... برای اولیا سخنرانی کنند... در جلسه آموزشی معلمان طرح موضوع کنند و مطالبی ارائه دهند... تابلوهای کلاسی درست کنند... پوشه کار دانش‌آموزان را سامان دهند و صدها موضوع ریز و درشت دیگر، موضوعاتی که خوشبختانه یا بدبختانه، به وفور در ارتباط با آن‌ها گروه تلگرامی، کانال تخصصی و عمومی راه افتاده است. نکند خلاقیت دانشجویانم در این ازدحام گم شود.

یکی از دانشجویانم که معلم پایه پنجم شده است، می‌گوید در ده‌ها کانال تخصصی و عمومی معلمان کلاس پنجم عضو شده است... دیگری معلم دوم شده و با بی‌شماری از کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی مربوط به پایه دوم ارتباط برقرار کرده است... یکی دیگر از دانشجویانم... راستش من خیلی نگران دانشجویانم هستم... نکند در شلوغی و تراکم مطالب این گروه‌ها و کانال‌ها کپی کردن را بیاموزند و نه تفکر، تعقل و خلاقیت را... آن‌ها جوان‌اند و این سال‌های ابتدایی برایشان سال‌های ساخته شدن است... سال‌های خاک خوردن، سختی کشیدن اما آب‌دیده شدن... نکند راحت‌طلبی عادتشان شود و پختگی هیچ‌وقت به سراغشان نیاید... مگر با کپی کردن و تقلید می‌توان آموخت و پخته شد؟ من برای دانشجویانم نگرانم...

دو سال متوالی با یک گروه دانشجو بودن، آن هم در درس کارورزی که هویت معلمی‌شان را شکل می‌دهد، دلیل خوبی است که مانند یک مادر یا خواهر بزرگ‌تر نگرانی‌های ریز و درشتی درباره دانشجویان داشته باشی. دو سال متوالی زندگی کردن با یک گروه و دیدن رشد و پیشرفتشان، آگاهی یافتن از ضعف‌ها و قوت‌هایشان، اطلاع پیدا کردن از ویژگی‌ها و عادت‌هایشان و ... باعث می‌شود دیگر رابطه تو فقط رابطه استاد و شاگردی نباشد و به چیزی فراتر از آن بدل گردد. امسال دانشجویان من پس از چهار سال تحصیل (چهار ترم کارورزی، هفته‌ای یک روز) از دانشگاه فرهنگیان فارغ‌التحصیل و وارد مدارس شدند. من با تمام وجود به آن‌ها ایمان دارم؛ یقین دارم نقطه شروع معلمی و آمادگی حرفه‌ای‌شان تقریباً قابل قبول است اما نگرانی‌هایی نیز درباره آن‌ها دارم: ... نکند مدیران مدارس اذیتشان کنند... نکند جوانی و بی‌تجربه بودنشان را به رخشان بکشند... نکند انگیزه‌هاشان را کور کنند... نکند معلمان باسابقه هوایشان را نداشته باشند و راهنمایی خود را از آن‌ها دریغ کنند... نکند شلوغی و ازدحام کلاس‌ها خسته‌شان کند... نکند شور و شوقشان کم شود... نکند کمی حقوق و مسائل مادی از احساس مسئولیتشان بکاهد... نکند بی‌نشاط شوند... نکند... در میان تمام نگرانی‌هایی که برای این معلمان جوانم دارم، یکی از نگرانی‌هایم مربوط به شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های تلگرامی، کانال‌های تخصصی و ... است؛ نکند عضویتشان در این کانال‌های رنگ و وارنگ، تفکر و تعقل و



این ربات‌های دوست داشتنی

سیده زهرا حسینی
شهر آبدان، استان بوشهر

۵۵۵۵

یکی از شبکه‌های اجتماعی که به واسطه امکاناتی که دارد به‌طور مطلوبی میان افراد گسترش یافته، تلگرام است. ربات‌ها یکی از این امکانات هستند. در این شماره قصد داریم با تعدادی از این ربات‌ها آشنا شویم.



به **@andyrobot** کمک این ربات می‌توانید در یک فضایی کاربر پسند، به آموزش زبان انگلیسی بپردازید و یاد بگیرید. در ادامه، تصویری از این مورد را خواهید دید.

در کار با این ربات، شما می‌توانید تلفظ واژه‌های انگلیسی را به‌صورت فایل صوتی دریافت کنید. ابتدا واژه مورد نظر را تایپ می‌کنید تا ربات تلفظ آن را در قالب یک فایل صوتی برای شما ارسال کند.

به **@instagetbot** معمولی شبکه اجتماعی اینستاگرام اجازه بارگیری تصاویر و کلیپ‌ها را به شما نمی‌دهد. البته این ربات با دریافت لینک تصاویر موجود در اینستاگرام به راحتی می‌تواند آن تصاویر را در اختیار شما قرار دهد.

این ربات هر فایلی را که شما برایش ارسال کنید، می‌تواند به فایل پی‌دی‌اف تبدیل کند و برای شما بفرستد.



در کار با این ربات، می‌توانید یک واژه را وارد کنید و معنی و طرز تلفظ آن را به فارسی ببینید.

است که با هر بار درخواست، یک آیه را به همراه ترجمه و فایل صوتی آن ارسال می‌کند و شما می‌توانید به راحتی آن را گوش کنید.



© 2006 The Authors
Journal compilation © 2006 Blackwell Publishing Ltd

رئيسة - رئيسة الامم المتحدة بان كي مون ورئيسة الوزراء الهندية سونيا غاندhi ورئيسة المحكمة الدستورية في الهند ج. بي. ليفي.

Đứng trước những vấn đề đặt ra, cần phải có những giải pháp thực tiễn để khắc phục những hạn chế và phát huy những ưu điểm của mô hình.

ولادت : ۱۹۳۷ء
 پیدائش نامی : محمد رفیع الدین محمد رضا خان

به صورت ماهنامه و هفت شماره در سال، فصلی منتشر می‌شود:

✦ وقت مطر من القيد ✦ وقت سحابة

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

* **رشد آموزش ایران و معارف اسلامی** * **رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی**
 * **رشد آموزش هنر** * **رشد آموزش مشاوره و تربیت** * **رشد آموزش تربیت بدنی**
 * **رشد آموزش علوم اجتماعی** * **رشد آموزش تاریخ** * **رشد آموزش جغرافیه**
 * **رشد آموزش زمین‌های غرضی** * **رشد آموزش ریاضی** * **رشد آموزش فیزیک**
 * **رشد آموزش شیمی** * **رشد آموزش زیست‌شناسی** * **رشد هدایت مدرسه**
 * **رشد آموزش هنر و بهداشتی** * **رشد دانش** * **رشد آموزش معارف و فلسفه**

میلاد هادی رشد موسیقی و صنعتی، برای سلطان، مدیر و، مربیان، مشهور و، کارکنان، از این مدار، در، دانش، جوانان، دانشگاه فرهنگیان و کارشماان، گروهان آموزشی و... بهبه و سمنان می‌شود.

* نیشانی: تیرا، خیابان، اوقات، زمینی، مخزن، نماز *

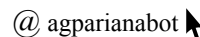
آئندہ دوسروں کے لئے

• **تلفیق و تامل:** $\frac{1}{2} \times 100 = 50$

www.cushdunnjr.com 265.934.4444



رباط می‌تواند در کارهای ریاضی
دستیار خیلی خوبی باشد. با دریافت
یک عبارت یا معادله، نمودار آن را رسم
می‌کند، انتگرال، ریشه و کلی محاسبات
دیگر را انجام می‌دهد و در اختیار
شما قرار می‌دهد.



آخرین ربّانی که قصد معرفی آن را داریم، بسیار جالب توجه است! شما می‌توانید متن‌های خود را برای آن ارسال کنید تا آن‌ها را برای شما بخواند و در قالب یک فایل صوتی در اختیار تان قرار دهد. این ربّات دو زبانه و دارای گویندهٔ آقا و خانم است.

شما می توانید با اندکی

جست‌وجو در اینترنت در زمینه
تدریس خود، ربات‌های خوبی را پیدا کرده
از آن استفاده کنید .

برای اضافه کردن این ربات‌ها به تلگرام خود، نام آن‌ها را به همراه علامت @ برای یکی از دوستانتان ارسال کنید. سپس، با تپ کردن روی آن نام - که به حالت لینک تبدیل شده است - وارد آن ربات شوید.

سمینار دنباله دار

(سمیناری که از دل یک گفت و گوی مجازی متولد شد)

محمد رضا حشمتی

در گروه تلگرامی عضو هستیم که اغلب اعضای آن معلم هستند. در این گروه سعی بر این است که موضوعات مربوط به تعلیم و تربیت مطرح شود و مورد بررسی دوستان قرار گیرد. گاهی یک موضوع در حد چند ساعت در پیشخوان گروه است و گاهی چند هفته در پیشخوان جا خوش می کند. مدت زمان قرار گرفتن یک موضوع در پیشخوان به اقبال افراد بستگی دارد. در تیر ماه سال ۱۳۹۵ موضوع «خراج دانش آموزان» در گروه مطرح شد و هر یک از دوستان موضوع را از زاویه جدیدی مورد بررسی قرار دادند. یکی از استادان مقاله ای مرتبط با موضوع را به زبان اصلی به اشتراک گذاشت و به پیشنهاد یکی از اعضا قرار شد موضوع در جلسهای حضوری بیشتر بررسی شود. بر همین اساس، در روز یکشنبه ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹۵ جلسهای با حضور تعدادی از دوستان علاقه مند به موضوع در یکی از مدارس تهران تشکیل شد. در این جلسه، پس از شنیدن نظرات شرکت کنندگان به جمع بندی مشخصی درباره موضوع مورد بحث نرسیدیم و قرار شد ادامه بحث در گروه دنبال شود. زیبایی کار اینجا بود که افرادی در جلسه شرکت کرده بودند که پس از جلسه عضو گروه معلمان فردا شدند. در همان شب، فایل صوتی جلسه در اختیار دوستانی قرار گرفت که نتوانسته بودند در برنامه حضوری شرکت کنند. و این سمینار همچنان ادامه پیدا کرد.

به نظر من فرصتی که شبکه اجتماعی در اختیار افراد این گروه گذاشته، شرایطی را ایجاد کرده است که افراد شرکت کننده و کسانی که نتوانسته اند در جلسه حضوری شرکت کنند همنا شوند و بعد از جلسه، به غنای موضوع افزوده شود. شاید حتی چند موضوع پایان نامه دانشجویی از این بحثها متولد شود و این جریان زمینه ای باشد تا موضوع «خراج دانش آموزان» در گروه های دیگر به گفت و گو گذاشته شود. همچنین، در کارگاه های آموزشی که بعضی از گروه ها در تابستان برگزار می کنند، موضوع از زوایای دیگر مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.



اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

رشد برکات

تحتوا اشتراک

پس از واريز مبلغ اشتراك به شماره حساب ۳۹۶۶۴۰۰۰ بانک تجارت، تبعید سیراد از ما پیش کد ۳۹۵ در وجه شرکت اقسام، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجله رشد به آدرس: www.warshidmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات کشور و آریزو.
۲. ارسال این کپس به کپس به همراه برگه تکمیل شده اشتراک با پست سیرادی با از طریق خود نگار به شماره ۰۲۱۸۸۸۶۶۳۰۸ لطفاً کپس کشور را نیز خود نگارید.

• عنوان مجلات درخواستی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد: • میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان: شهرستان:
- خیابان:
- پلاک: شماره پستی:
- شماره پیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:
- اگر عضو شرکت مجله رشد بوده، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضاء

• نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۶۹۶۹

• تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۶۳۰۸

• Email: Eshtarak@warshidmag.ir

• هزینه اشتراک: سالانه مجلات عمومی و تخصصی: ۳۵۰,۰۰۰ ریال

• هزینه اشتراک: سالانه مجلات تخصصی و ادبی: ۲۰۰,۰۰۰ ریال

